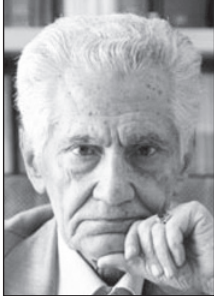


نکاتی درباره شعر نو

استاد احمد سمیعی (گیلانی) ‌ بخش دوم و پایانی



خصایص شعر نو
ویژگیهای که نظریه پردازان شعر نو شعر نو قائل شده‌اند، بیشتر خصلت کالبدشانه دارد و خصوصیات ذاتی و محتوایی را کمتر بیان می‌کنند. لذا با این رهیافت، درباره پیوند شعر نو و شعر سنتی یا سنت شعری چیزی گفته نمی‌شود و اگر هم چیزی گفته می‌شود، منحرف کننده است.^۱ جدی‌ترین و جامع و جورت‌ترین تحلیلی که در این باب صورت گرفته، شاید مقدمه خواندنی محمد حقوقی بر شعر نو از آغاز تا امروز، ۱۳۰۱- ۱۳۵۰ (مجموعه اشعار نو منتخب خود او همراه چند تفسیر) باشد.

حقوقی ضمن ششـر ملاکهای بی‌گرویش گزینش اشعار اختیار کرده، به ویژگیهای اشاره دارد که «شعر نمای» را از شعر سنتی متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها ذیل عناوین کوتاه و بلندی مصرع‌ها، عدم رعایت قوافراده‌ها، عدم سخنوری، نوع ابهام، نوع ساختمان جای داده شده است. در این میان، حقوقی بر سر «نوع ابهام» درنگ بیشتری کرده و برشمردن عوامل آن، کوشیده است تا میان نوع ابهام در شعر نو از جهت ماده زبانی یا پیوستگی آن با سنت شعر و ادامه بحث نوع ساختمان، برای شعر نو معیاری قائل شده که شعر سنتی فاقد آن است.

از تمایزهایی که حقوقی میان شعر نو و شعر سنتی ارائه کرده، آنچه به کالبدشناسی شعر – وزن و قالب – مربوط می‌شود که کاملاً پذیرفتنی و روشنگر است؛ اما آنچه با جوهر شعر ربط پیدا می‌کند، قویا محل تأمل است و ما بر سر همین مطلب است که توضیحاتی را لازم می‌شماریم. در حقیقت، اختلاف بر سر همین برداشت است که ما را بر سر دو راهی قائل شدن گسستگی کامل شعر نو از سنت شعری جز از جهت ماده زبانی یا پیوستگی آن با سنت شعر و ادامه حیات جهانی از این سنت در شعر نو قرار می‌دهد.

مغوله ابهام

در بابی که حقوقی در مغوله ابهام میان شعر نو و شعر سنتی قائل شده، ناشی از آن به نظر می‌رسد که وی بیشتر به اشعار شاعرانی چون خاقانی نظر دارد که پیچیدگی و دشواریبی سخن آنان از وجود تلمیحات و اشارات و استفاده از معلومات در شعر برمی‌خیزد. از این رو حقوقی به حق این نوع ابهام را از ابهامی که در ذات شعر نو وجود دارد، متمایز می‌داند! اما اگر به جای شعر متکلفانه خاقانی، به غزلیات شمس یا رباعیهای خیام توجه کنیم، در آنها برتو همان تجربه‌های عرفانی و فلسفی عمیق را می‌یابیم که از دسترس اذهان عادی به دور است و مانند تجربه‌های شعری و زیبایی‌شانهٔ شاعران نوبراز بی‌همتااست و لازمه انس و الفت گرفتن با آنها، سختیت فکری و روحی پیدا کردن با شاعر و رخنه کردن به حریم اوست.

معناری شعر

دربارهٔ نوع معماری و ساختمان شعر نیز که وجه تمایز شعر نو عمده شده، حرف هست؛ زیرا نظیر همان ساخت استوار و محکم و همان معماری فنی را در رباعیهای خیام و غزلیات حافظ و قطعات شعری دورهٔ سامانی و حتی در قصاید عصر غزنوی – با تنسیب، تخلص به مدح، شرطیـه – می‌توان سراغ گرفت.

به نظر ما شعر نو – اگر جوهر شعری آن ملاک گرفته شود – از جهت عمق و از این نظر که دریافت آن مستلزم نوعی هم‌حسی و همدلی با شاعر و راه یافتن به حریم مکنونات اوست، دنبالهٔ شعر عرفانی است و از این حیث که در الواعی از آن، مقصود شاعر صرفا زیبایی‌آفرینی با کلمات است، دنبالهٔ بعضی از اشعار سده‌ی که به شعر ناب و – صرف نظر از وزن – به نثر نزدیک می‌شود. از جهتی دیگر، یعنی مضمون‌آفرینی، شعر نو را دنباله‌ی اشعار سبک هندی می‌توان شمرد.

بدین‌سان، شعر نو هم ویژگیهای ممتاز شعر فارسی (وزن) عروضی در شعر نمایمی، عمق و احتیای بر تجربه بی‌همتا و درمند شاعر، سادگی زبان و روشنی بیان، مضامین نو، معماری فرهیخته، شخصیت زبانی) را درخود جمع کرده‌است. در حقیقت شعر نو، از میان خصایصی که شعر فارسی در هر مرحله از تطور یافته، عناصری را اختیار کرده و خلقتان پرورش داده است. از این دو رهافت گفت که شعر نو فارسی ریشه در همین مرز و بوم دارد و آنان که درصدد بوده‌اند به هستند به این عنوان عارضی بپردازند و االشاح را انکار کنند، از جوهرش غافل مانده‌اند. همچنین کسانی که خواسته‌اند و می‌خواهند آن را تاتاقی جلادبافتند و یکسره منفصل و مستقل از سابقه و سنت و شعری ما جلوه دهند، راه گزافه پیموده‌اند.

تفوق سبک فردی

مع‌الوصف از یک جهت، شعر نو به ویژه فرآوردهای متأخرتر آن از شعر سنتستی فاصله می‌گیرد و آن تفوق سبک فردی و تعدد در دوران در اجتناب از اندراج در سبک دوره‌ای است. در دوران طفولیت و نوجوانی شعر نو، سبک دوره‌ای، در قالب شعر نمایمی، بر شاعران نوبراز تحمیل شد. هرچند در این زمینه، وجه اشتراک بیشتر جنبه صوری اشعار و فاقد آن قوت بود که بتواند بر ویژگی‌های سبکی شاعر سبایه اندازد. در حقیقت اشعار نو شاعرانی چون اخوان و شاملو و سهراب بهیروی و فروغ، در همان مرحله آغازین یا در مراحل پختگی شاعری، ویژگی مستقل خود را نشان داد.

باری، وجه اشتراکی که در اشعار سنتی به سبکهای دوره‌ای شکل می‌داد، در شعر نو درحقیقت رنک بایاخت؛ به گونه‌ای که دوران شعر نو در شاعر نوبراز بیشتر با زبان مستقلی که پس از سیاه‌مشق‌ها پیدا می‌کرد، مشخص و متمایز می‌شد. این پدیده را حتی در اشعار سبک هندی که در آنها نواوری مدخفهٔ فردی شاعر شده بود، نمی‌توان سراغ گرفت و خود اصطلاح و عنوان «سبک هندی» شاهد این معنی است. این استقلال هویت و تشخیص زبانی شاعران نوبراز تصنعی و به اصطلاح برپسته نبود، بلکه طبیعی و برپسته بود، بلکه تمام زندگی او شد و وجود وجود شاعر در شعر او ریشه نشد. هر چه سبیکه جوهر وجود شاعر تبدیل گردید، از این رو همان تمایز فردی موجود در ساحت وجودی شاعر، در شعرش بازتاب و هویت شعری شاعر به همین صورت تکوین یافت. در نتیجه، جزو و اقلیم شعری جانشین سبک دوره‌ای شد. از این پس آنچه به اشعار شاعران رنگ و بو و طعم واحد داد، اشتراک در زبان و بیان نبود، فضای خاص شعری بود که به تأثیر تجولات اساسی و مسائل حیاتی جامعه و جهانی انسانی قهرا پدید می‌آمد.

جهان‌شمولی

شعر نو با این ویژگی، از جهت دیگری نیز متمایز گشت. شعر سنتی، زیرا از نظر فهم‌پذیری در دسترس و آسان‌یاب بود و به آسانی با خواننده آشنای سنن شعری ارتباط برقرار می‌کرد، به هر حال محلی شمرده می‌شد. این محفل یا دیار بود یا خاتگاه و یا انجمن ادبی؛ اما شعر نو، در عین دشواریابی و غریب‌نمایی، با نوعی جهان‌شمولی (universality) قریب شد و آن فرصت را یافت که از طریق رسانمهای گروهی با نفوس میوه‌ی ارتباط برقرار کند و حتی مردمی را در اندر نوردد و عالم‌گیر شود. پیوندی نیست که ترجمه این اشعار به زبانهای دیگر در همان دوران پدید آمدن آنها رواج یافت. اما این وسعت دامنه نفوذپذیری شعر نو و قلمرو مخاطب آن، به معنی نزول یافتن آن به سطح فرهنگ عامه نیست. هضم اثر هنری، فرهنگ می‌خواهد و این جمهور مخاطبانیاند که باید خود را به سطح فرهنگی لازمه فهم معنای آن برسانند. خوشبختانه «فقد شعر» به کمک مخاطبان می‌شابد و فاهمه آنان را برای درک شاعر پرورش می‌دهد.

باری، نهایت فردیت شاعر مانع آن نیست که شعر او جهان‌شمول باشد؛ زیرا از شعر او تپش زندگی به گوش می‌رسد. شعر نو از درد زمانه، درد انسان عصر ماست و هر شاعری می‌کوشد تا احساس خاص خود را از این درد بیان کند. بدین‌سان فردیت شاعر، با خصلت جهان شمولی درد او عجین می‌گردد و این ادغام به ماده و صورت شعر او پیوند زنده می‌بخشد. شعر با حفظ فردیت ملی و با حفظ خصلت ملی جهانی می‌گردد. آری، بالاترین دستاوردهای ارتباط شعر نو فارسی سزوارا آنند که در ادبیات جهانی جایگاهی ممتاز احراز کنند.

«آفرین نامهٔ دکتر ریاحی

یونان:

۱- «نقد نامه» موجد شعر نو در دنباله «قطعه» در شعر سنتی شمرده و در این نظر، بیشتر به معماری و کالبدشناسی شعر نظر داشته است. تعبیر «ایهام» در حقوقی خصلت، که به نظر ما، برز افاده مقصود او بهترین انتخاب است، در حقیقت، بیشتر از عمق شعر و برای شاعر و حریم اوست که ذیل این عنوان سخن می‌رود.

۲- در شماری از اشعار نوبرازان، لحن حماسی نیز طنین افکن است. لحن حماسی، به‌ویژه در دوره‌هایی از تاریخچه شعر نو – نمایان‌تر است، قوت‌ری یافته است. بررسی این ویژگی خواستار محلی فراختر و دقت نظر بیشتری است.

اشاره: کسانی که با دانشمند معاصر، آقای فروپسور رضا آشناسنی دارند، نیک آگاهند که ایشان افزون بر استادی در برخی از علوم روز که برایش آوازه‌ای جهانی آفریده، بر متون ادبی فارسی نیز مسلط است و کتابهای متعددی در این زمینه نگاشته‌اند، یا اینکه نزدیک به هفتاد سال است که در خارج از ایران به سر می‌برد؛ یکی از اطلاعات به تازگی روانه بازار کرده است. آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از این کتاب است.

زمین گر گشاده کند.راز دانش خویش
نماید سسرانجام و آغاز خویش
کنارش پسر از شهریاران بؤد
برش پسر ز خون سوزاران بود
پسر از مرد دانا بؤد دانش
پسر از ماهر جیب پیراهنش

فردوسی با اشارتی فراگیر، تاریخ جوامع بشری را در سه بیت کوتاه فشرده و پرمعنی، خلاصه می‌کند. او مانند مدیر تشریفاتی کاروان، به چند کسره ممتاز جامعه نظر می‌افکند و برای بلندپایگان هر گروه مقام مناسبی را در «ادام» زمین» جسای می‌دهد.

از تمایزهایی که حقوقی میان شعر نو و شعر سنتی ارائه کرده، آنچه به کالبدشناسی شعر – وزن و قالب – مربوط می‌شود که کاملاً پذیرفتنی و روشنگر است؛ اما آنچه با جوهر شعر ربط پیدا می‌کند، قویا محل تأمل است و ما بر سر همین مطلب است که توضیحاتی را لازم می‌شماریم. در حقیقت، اختلاف بر سر همین برداشت است که ما را بر سر دو راهی قائل شدن گسستگی کامل شعر نو از سنت شعری جز از جهت ماده زبانی یا پیوستگی آن با سنت شعر و ادامه حیات جهانی از این سنت در شعر نو قرار می‌دهد.

به پیروی از تالخیص استاد، می‌توان در تاریخ قلمرو زبانی فارسی، چند لحظه به سراغ دانیان و اندیشمندان برای پادشاهان حقیقی سرزمین ایران بزرگ روی آورد. گرانهایتارین حاصل دانشی و فرهنگی تمدن چندهزار ساله قوم ایرانی را می‌توان در کمتر از پانزده مجلد از کتابهای نامداران جهان‌افروز ایرانی جای داد. کتابهایی که در پیشش دانش در جهان، یا در درهٔ شاهکارهای پیرامن نثر کلامی زبان پارسی، همتا نداشته‌اند؛ مانند: جبر و مقابله خوارزمی، پژوهشهای کیهانی ابوریحان بیرونی، دانشنامه پزشکی رازی، قانون پزشکی ابوعلی سینا، شاهنامه فردوسی، تاریخ پینهی، جبر خیام، مثنوی مولانا، نحو سیبویه، کلمات سعدی، دیوان حافظ. هر یک از این نامداران، پادشاهان حقیقی ایران فرهنگی در دوران خود به شمار می‌روند.

به چشم عقل من می‌شمار می‌روند.
که سایه بر سر ایشان فکنده‌ای چو همای
نه آنها که به جای دانش و آزادی و مردمی، به زر و زور و خودکامگی گرویده‌اند.

درم به جورستانان زر بیه زینته
بنسای خانه کائناتند، بام قصصر اندای
(سعدی)

اکلیل مرصع آفریده‌های این گروه جهان‌آرای، هنر کلامی شاهنامه فردوسی است که در پاسداری مردمی و آزادی و گسترش زبان پارسی و هویت ملی و استقلال فرهنگی مردم ایران بزرگ، نقش پیشاهنگی و پرچم افرازانده دارد. شاهنامه بیش از هر کتاب دیگر در این هزار سال در قلمرو کشورهای فارسی‌زبان، خواننده داشته است و زبان بسیاری از سخنران ما را گویاتر و پربارتر کرده است. شگفت‌انگیز است که سواى معدودی از متون دینی، یک کتاب هنری نیز در زبان و فرهنگ و سرنوشت قومی، در درازای زمان این چنین اثرگذار بوده باشد!

در سده‌های پیش، شاهکارهای علمی را بزرگان ما به زبان عربی می‌نوشتند که زبان علمی شناخته شده آن زمانها بود؛ چنان‌که امروز دانشمندان جهان، برای

♦♦ * در این روزگار آشفته اگر بخواهیم قومی با نام و مرام ایرانی وجود داشته باشد، باید فرهنگ همگانی خود را پیوسته با باز نگری پاسداری کنیم. مهمین عاملی که مار از دیگر اقوام متمایز می‌کند، همین فارسی آمیخته به عربی‌ای است که در هزار سال گذشته بزرگان ما به کار برده‌اند ♦♦

ورود به تالارهای علمی و بازار مصرف، کشفیات خود را بیشتر به انگلیسی می‌نویستد. شاهکارهای ادبی ما، مانند سروده‌های فردوسی و مولانا و سعدی و حافظ، به زبان شیوایی فارسی، آراسته به واژه‌های برگزیده تازی نوشته شده است که زیبایی و غنا و امتیاز ویژه‌ای را جلوه‌گر می‌کند. این گروه از کلمات دستچین عربی را بزرگان ادب ما در گلخانه‌های فارسی‌پوشی پرورده و پرورده‌اند، که اکنون در درازای زمان، رنگ و بوی بیومی پیدا کرده‌اند.

درخشش‌انگیز دوران شکوه علمی و هنری قوم ایرانی با تمدن شش هزار ساله را می‌توان مصادف با چهارصد یا پانصد سال دوران بزرگان نامبره در بالا انگاشت، یعنی از هزار و پنجاه سال پیش تا سدهٔ هفتم هجری.

شاهنامه داستان طوس یکی از زیباترین و مشهورترین کتابهای شعر و ادب ایران آفریده بشعر است. از این روی در درازای هزار سال، نظر هزاران خواننده و نویسنده و پژوهشگر جهان را جلب کرده است. صدها استاد اهل ادب به زبانهای مختلف درباره آن شرح نوشته‌اند، یا داستانهایش را ترجمه کرده‌اند.

گروهی از شرق‌شناسان محتوای اسطوره‌ای شاهنامه

ایران شناسی

را با کتابهای همانند آن در فرهنگهای دیگر بررسی نموده‌اند. همچنین کارشناسان زبانها، ریشه واژه‌های شاهنامه را در زبانهای کهن جستجو و مشخص کرده‌اند. انجمن‌هایی از دوستداران شاهنامه نیز نسخه بدلها را جمع‌آوری کرده و به دید پژوهش در بعضی ابیات پرسش‌انگیز آن نگریسته‌اند.

گروهی از محققان اروپایی و ایرانی، ریشه‌های تاریخی یا اسطوره‌ای داستانها را شکافته و با تاریخهای مکتوب و روایات دیگر فرهنگها پیوند داده و بر گسترش جهانی این کتاب بزرگ افزوده‌اند. بحث در چگونگی آیینهای مذهبی قهرمانان شاهنامه، مانند رستم و گشتاسب در میدان جستجوگران شاهنامه سهمی دارد، همچون بن‌مایه نژادی قبایل و سلاله پادشاهان و پهلوانان و فراز و فرود آنها.

در همه این رشته‌ها، کارشناسان علم و ادب ما به بررسیهای گسترده عنوان کرده‌اند. شایسته است که خوانندگان علاقه‌مند به این مختصر بسنده نکرده به نوشته‌های کارشناسان فن نیز مراجعه کنند. نگارنده در ردهٔ یکی از دوستداران و خدمتگزاران دیرین فرهنگ

شاهنامه و هویت ملی

پروفسور فضل‌الله رضا

پرویشی برای شه‌ریاران و جنگ‌گواران و فرماندهان، «پهلوا» جایگاه توده مردم و سواران فرمانگزار، «دامان» بـسرای خرمندان و دانیان، «گریبان» برای ماهرویان و پریوشان.

به پیروی از تالخیص استاد، می‌توان در تاریخ قلمرو زبانی فارسی، چند لحظه به سراغ دانیان و اندیشمندان برای پادشاهان حقیقی سرزمین ایران بزرگ روی آورد. گرانهایتارین حاصل دانشی و فرهنگی تمدن چندهزار ساله قوم ایرانی را می‌توان در کمتر از پانزده مجلد از کتابهای نامداران جهان‌افروز ایرانی جای داد. کتابهایی که در پیشش دانش در جهان، یا در درهٔ شاهکارهای پیرامن نثر کلامی زبان پارسی، همتا نداشته‌اند؛ مانند: جبر و مقابله خوارزمی، پژوهشهای کیهانی ابوریحان بیرونی، دانشنامه پزشکی رازی، قانون پزشکی ابوعلی سینا، شاهنامه فردوسی، تاریخ پینهی، جبر خیام، مثنوی مولانا، نحو سیبویه، کلمات سعدی، دیوان حافظ. هر یک از این نامداران، پادشاهان حقیقی ایران فرهنگی در دوران خود به شمار می‌روند.

به چشم عقل من می‌شمار می‌روند.
که سایه بر سر ایشان فکنده‌ای چو همای
نه آنها که به جای دانش و آزادی و مردمی، به زر و زور و خودکامگی گرویده‌اند.

درم به جورستانان زر بیه زینته
بنسای خانه کائناتند، بام قصصر اندای
(سعدی)

اکلیل مرصع آفریده‌های این گروه جهان‌آرای، هنر کلامی شاهنامه فردوسی است که در پاسداری مردمی و آزادی و گسترش زبان پارسی و هویت ملی و استقلال فرهنگی مردم ایران بزرگ، نقش پیشاهنگی و پرچم افرازانده دارد. شاهنامه بیش از هر کتاب دیگر در این هزار سال در قلمرو کشورهای فارسی‌زبان، خواننده داشته است و زبان بسیاری از سخنران ما را گویاتر و پربارتر کرده است. شگفت‌انگیز است که سواى معدودی از متون دینی، یک کتاب هنری نیز در زبان و فرهنگ و سرنوشت قومی، در درازای زمان این چنین اثرگذار بوده باشد!

در سده‌های پیش، شاهکارهای علمی را بزرگان ما به زبان عربی می‌نوشتند که زبان علمی شناخته شده آن زمانها بود؛ چنان‌که امروز دانشمندان جهان، برای

♦♦ * در این روزگار آشفته اگر بخواهیم قومی با نام و مرام ایرانی وجود داشته باشد، باید فرهنگ همگانی خود را پیوسته با باز نگری پاسداری کنیم. مهمین عاملی که مار از دیگر اقوام متمایز می‌کند، همین فارسی آمیخته به عربی‌ای است که در هزار سال گذشته بزرگان ما به کار برده‌اند ♦♦

ورود به تالارهای علمی و بازار مصرف، کشفیات خود را بیشتر به انگلیسی می‌نویستد. شاهکارهای ادبی ما، مانند سروده‌های فردوسی و مولانا و سعدی و حافظ، به زبان شیوایی فارسی، آراسته به واژه‌های برگزیده تازی نوشته شده است که زیبایی و غنا و امتیاز ویژه‌ای را جلوه‌گر می‌کند. این گروه از کلمات دستچین عربی را بزرگان ادب ما در گلخانه‌های فارسی‌پوشی پرورده و پرورده‌اند، که اکنون در درازای زمان، رنگ و بوی بیومی پیدا کرده‌اند.

درخشش‌انگیز دوران شکوه علمی و هنری قوم ایرانی با تمدن شش هزار ساله را می‌توان مصادف با چهارصد یا پانصد سال دوران بزرگان نامبره در بالا انگاشت، یعنی از هزار و پنجاه سال پیش تا سدهٔ هفتم هجری.

شاهنامه داستان طوس یکی از زیباترین و مشهورترین کتابهای شعر و ادب ایران آفریده بشعر است. از این روی در درازای هزار سال، نظر هزاران خواننده و نویسنده و پژوهشگر جهان را جلب کرده است. صدها استاد اهل ادب به زبانهای مختلف درباره آن شرح نوشته‌اند، یا داستانهایش را ترجمه کرده‌اند.

گروهی از شرق‌شناسان محتوای اسطوره‌ای شاهنامه

ایران شناسی

می‌درد، می‌دوزد، این خیاط‌کُو؟

می‌دمد، می‌سوزد این نَقّاطِ کُو؟

در آینده، اوضاع جهان از نظر شُستاب رویدادها و گذر زمان و مکان و نِسَره با دیوان و جادوان و درگیری‌های با خشکی و سیل به داستانهای شاهنامه، مانند جهانگیری یککاووس و جادوگری دیو سَپید و هفت‌خوان رستم و اسفندیار بی‌شابهت نخواهد بود.

پیش‌بینی درمان برای دردهای نوح‌لبسته و احیاناً ناشناخته روزگار فرهنگ الکترونیک کار آسانی نیست، کشور‌های پیشرفته تا می‌توانند، چرخ‌ها را بر مبنای سیاست و اقتصاد به سود خود می‌چرخانند. البته هر چه علم و فناوری جهانگیرتر شود، قدرتمندان نیز با هم بیش از پیش درگیری خواهند داشت. سیاستمداران جهان ناگزیر می‌دانش و فناوری را نیز در کنار خود برای همکاری و راهمبای جای می‌دهند هر چند قدرتمندان به «به ادب آدمیت» می‌گویند.

در مُثُل مناقشه نیست. اگر کشوری مثل ایران نخواهد که در هم‌اوردی فرهنگی با کشورهای پیشرفته بر جای بماند و بی‌جان نشود، باید در هر دو راه که

شاهنامه و هویت ملی

بخش اول



ایران یکت‌بیک‌دین‌پیش‌دینم
تقریری‌دش‌کرد، با تیر و تیرخ‌نصرت
ایریم‌دش‌د، بصابت و به‌اشت با طایر
دش‌سپهر شد، دش‌اورا و دش‌انسان
نیک‌د، در حلق و به‌دین و کردیان
آی‌آردم، فردوسی‌د، به‌تایب‌سبک‌بایره
دش‌بختی‌باب و به‌سوار
برآورد، بر تیر و تیرخ‌نصرت
دش‌سپهر شد، دش‌اورا و دش‌انسان
نیک‌د، در حلق و به‌دین و کردیان
آی‌آردم، فردوسی‌د، به‌تایب‌سبک‌بایره

در پیش دارد و در زیر عرضه می‌شود، پامردی داشته باشند: راه نخست، پیشگامی فرازانگان کشور در کارهای پیچیده و دشوار علمی و فناوری جهانی است که مانند شش‌طرنج‌بازان ماهر هر حرکتی را در عرصه شطرنج پیش‌بینی کند و طرح دفاع با آن حمله‌ها را در آستین داشته باشند. راه دوم آن است که به موازات هم‌اوردی علمی، می‌یابد پیوسته فرهنگ ملی خودمان را با بازنگری نیرومندتر کنیم. هویت ملی ما، درونمایه بهترین سنگر این صف‌آرایی است. وحدت فرهنگی در جهان اساس کار است و وحدت ملی طلسم پایدنگی است.

نهایی تو تنها و زگر زخمی
ت‌پس‌جود است آیت از بالا و پست

روایوری فرهنگها
در نیمه دوم سده بیستم میلادی، انقلاب عظیم فرهنگ الکترونیک در جهان صورت پذیرفت؛ انقلابی نیرومند و شگفت‌انگیز که می‌تواند ساختار اقتصادی و اجتماعی و حتی بنیان سنتهای فرهنگی بشر را نیز بزلزاند. اکنون گویی فاصله‌های زمانی و مکانی از میان برداشته می‌شود. مانند سیمرغ و تهنمت می‌توان یک‌سبیه راه صدساله پیبود و مزهای جغرافیایی را شکافت، از پشت دیوارها، آهسته و بی‌پروا، فارغ از مرزبان و دژبان سرحد، به گفتگوی مجرمانه کشورهای می‌توان گوش سپرد و حتی در حساب درهم و دینار خزانه‌های حفاظت‌شده نیز دست برد.

امروز انقلاب الکترونیک بسیار ناوتاتر از انقلابهای گذشته تاریخ مانند اختراع باروت و چاپ است؛ زیرا فناوریهای زیان‌بخش می‌توانند به نشانه‌های کوچک هم صدمه بزرسانند بی‌آنکه شهر بزرگی را بسوزانند یا نابود کند یا سیستم وسیعی را از کار بیندازند؛ مانند تهنمت که نهانی به خیمه‌گاه سهراب رفت و ندانسته تهنمت مشاور سپه خود را با مشتی سرنوشت‌ساز از میان برداشت. دشواری بزرگ روزگار ما رویارویی فرهنگهای سنتی ت‌تبعیات پرشتاب و ناگهانی رویدادهای اقتصادی و اجتماعی به ویژه امنیتی بر اثر همین انقلاب فراگیر است. به قول مولانا:

تیر بزان بین و ناپیدا کمان
جانها پیدا و پنهان جانِ جان
دست پنهان و قلم بین خط‌گذار
اسب در جولان و ناپیدا سوار

دیگری نیز درآمد. او عضو هیأت مدیره انجمن آسیایی پاریس (۱۹۲۹) و معاون این مؤسسه (۱۹۵۱)، عضو وابسته فرهنگستان غرب در دمشق (۱۹۳۲) و عضو وابسته فرهنگستان ایران (۱۹۳۲) و عضو فرهنگستان ایران (۱۳۱۶/۱۹۳۸) و عضو فرهنگستان کیهبها و ادبیات فرانسه (۱۹۴۰) بود.

در ایران
هزاری همه برای تحقیقات و حضور در دوران جنگ بین‌الملل اول در فرانسه و مراکش در مقام مأمور نظامی خدمت کرد. پس از آن، در سال ۱۹۱۹، تدریس آفریدهٔ بشری و فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه الجزایر را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۲۱، به تحقیق دوم در ۱۹۱۹ منتشر شد.

هزاری جنگ بین‌الملل اول در فرانسه و مراکش در مقام مأمور نظامی خدمت کرد. پس از آن، در سال ۱۹۱۹، تدریس آفریدهٔ بشری و فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه الجزایر را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۲۱، به تحقیق دوم در ۱۹۱۹ منتشر شد.

هزاری همه برای تحقیقات و حضور در دوران جنگ بین‌الملل اول در فرانسه و مراکش در مقام مأمور نظامی خدمت کرد. پس از آن، در سال ۱۹۱۹، تدریس آفریدهٔ بشری و فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه الجزایر را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۲۱، به تحقیق دوم در ۱۹۱۹ منتشر شد.

اجتماعی و آرزوهای روحانی و عارفانه مردم ایران بعد از اسلام را نقش‌بندی می‌کند. مطالعه آن در زرفا شکوفا‌تر و آسان‌یاب‌تر از نگاه اول است. زبان و ادبیات فارسی مهم‌ترین عامل وحدت ملی است. تاریخ‌نویسان جهان آنگاه که از چگونگی آغاز تمدن بشر در چند هزار سال پیش روایت می‌کنند، توجه و تأکیدشان بیشتر بر محور کردارهای فیزیکی آن زمانهاست، مانند لشکرکشی‌ها و برتری فیزیکی رزمندگان. طبیعی است که این مختصر آثار باستانی برجای مانده و رواینها که از سینه به سینه رسیده، بیشتر جانبدار شاهان و قدرتمندان می‌باشد که بانی آن آثار بوده‌اند. نویسندگان از رنج سازندگان بناهای باشکوه، مانند اهرام مصر و تخت‌جمشید و درد ستعدیدگان، کمتر یاد کرده‌اند.

از این روی شایسته است که با گذشت زمان، آهسته‌آهسته ستایش اهل معرفت از پندارهای نیک و زیبا و دادگری در روایات تاریخ‌های بیشتر جلوه‌گر شود. متأسفانه مبنای تاریخ‌های کتبى و روایت شفاهی اسطوره‌ای که در مدرسه‌های جهان هنوز به نوجوانان می‌آموزند، بیشتر با شکوه قدرت‌طلبی و اعمال زور و نقش در و دیوار سرای قدرتمندان سر و کار دارد؛ به قول سعدی:

در چند هزار سال پیش هم البته گروهی انگشت‌شمار از بزرگان علم و دین و عرفان و هنر بوده‌اند که می‌کوشیدند مردم را با فرهنگ آدمیت آشنا کنند و نقشه‌های مجرد مانند لوح و قلم و بهیشت و دوزخ و یسزدان و اهرمن‌س را تصور و تصویر کنند. شایسته است که تاریخ‌نویسان در روزگار ما، تمرکز دید خود را از چهارهای قدرتمندان باستان بگردانند و فلک‌ارکهای توده مردم و اندیشمندان اهل نظر و مدارا با تأمل و تفکر، بیشتر بنگرند و بگردند.

اگر این فردوسی ز طبیعت بمیرد
همه عمر زنده باشی به روان آدمیت
(سعدی)

از آغاز دوران رنسانس، تمدن غرب رونق گرفت و رفته‌رفته به اوج شکوه خود در پایان سده بیستم و روزگار کنونی رسید. دانشمندان غربی در ایجاد این تمدن عظیم سهم بزرگی دارند که مورد احترام همه جهانیان است. از عوامل مهمی که به شکوفایی تمدن اروپا و آمریکا کمک کرد، دو عامل را نباید فراموش کرد.

۱- پایهای استوار علم و حکمت یونانی.
۲- کارایی پیشرفتهای علمی و فناوری اسلامی.
غریب‌ها به بهره‌مندی از هر دو عامل بالا، به‌ویژه تمدن یونان، اعتراف بیشتر دارند. علم و فناوری و پزشکی و داروسازی اسلامی از طریق ترجمه نزدیک به دوهزار مجلد کتاب از عربی به لاتین به پایه‌گذاری تمدن اروپا و آمریکا کمکهای شایان کرد. بخش بزرگی از این آثار علمی ترجمه‌شده آفریدهٔ عالمان ایرانی است که آثار از هم‌پنهان ما که اکنون به سبب ناخشنودی از اقتصاد و مدیریت کشور، از گذشته پرافتخار خود فاصله بگیرند؟ البته هر فرد در گزینش باورهای دینی یا زبان مکالمه خانوادگی خود آزاد است، ولی اگر بخواهند به عنوان یک ملت، فرهنگ و زبانهای را برای هویت ملی خود برگزینند، درونمایه فرهنگ آیین اسلام و زبان فارسی را نمی‌یابد از صحیفه هویت ملی به دور انداخت.

با هزاران چشم بودن یک نگاه
(اقبال لاهوری)
اهل نظر برای تأمین نیرومندی و شکوه کشور در سبایهٔ وحدت ملی، در همه امور به میانه‌روی و مدارا گرایش پیدا می‌کنند.

♦♦ * در این روزگار آشفته اگر بخواهیم قومی با نام و مرام ایرانی وجود داشته باشد، باید فرهنگ همگانی خود را پیوسته با باز نگری پاسداری کنیم. مهمین عاملی که مار از دیگر اقوام متمایز می‌کند، همین فارسی آمیخته به عربی‌ای است که در هزار سال گذشته بزرگان ما به کار برده‌اند ♦♦

ورود به تالارهای علمی و بازار مصرف، کشفیات خود را بیشتر به انگلیسی می‌نویستد. شاهکارهای ادبی ما، مانند سروده‌های فردوسی و مولانا و سعدی و حافظ، به زبان شیوایی فارسی، آراسته به واژه‌های برگزیده تازی نوشته شده است که زیبایی و غنا و امتیاز ویژه‌ای را جلوه‌گر می‌کند. این گروه از کلمات دستچین عربی را بزرگان ادب ما در گلخانه‌های فارسی‌پوشی پرورده و پرورده‌اند، که اکنون در درازای زمان، رنگ و بوی بیومی پیدا کرده‌اند.

درخشش‌انگیز دوران شکوه علمی و هنری قوم ایرانی با تمدن شش هزار ساله را می‌توان مصادف با چهارصد یا پانصد سال دوران بزرگان نامبره در بالا انگاشت، یعنی از هزار و پنجاه سال پیش تا سدهٔ هفتم هجری.

شاهنامه داستان طوس یکی از زیباترین و مشهورترین کتابهای شعر و ادب ایران آفریده بشعر است. از این روی در درازای هزار سال، نظر هزاران خواننده و نویسنده و پژوهشگر جهان را جلب کرده است. صدها استاد اهل ادب به زبانهای مختلف درباره آن شرح نوشته‌اند، یا داستانهایش را ترجمه کرده‌اند.

گروهی از شرق‌شناسان محتوای اسطوره‌ای شاهنامه

این جشن، ماسه خطابه‌ای با عنوان «اصطلاحات فلسفی این سینا در زبان فارسی» ایراد کرد و در ۲۸ آوریل نیز خطابه دیگری به هنگام پرده‌برداری از مجسمه این سینا در همان ارائه کرد.

آثار علمی
آثار ماسه در دو حوزه تحقیقات عربی و تحقیقات ایرانی جای می‌گیرد. ماسه در اصل مطالعاتی که او در آن زمینه فعالیت می‌کرد، به نام «تاریخ فلسفی ایران» است.
شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» شهرت و برجستگی یافته، تحقیق در ادب فارسی است. او بیشتر سالهای خود را صرف بازشناسی و معرفی درست ادبیات غنی فارسی به اروپاییان، به ویژه فرانسویان کرد و در این میان، راه را برای پژوهشهای علمی- ادبی قبیق و پرمایه در این حوزه هموار ساخت.
کتاب «معتقد

لحمانی کی گڑھ شہر مسغان

برگزاری اجلاس سراسری خانه‌های صنعت، معدن و تجارت در مشهد
مشهد- خبرنگار اطلاعات: هیئت و چهارمین اجلاس سراسری خانه‌های صنعت، معدن و تجارت کشور با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت در مشهد برگزار می‌شود.در این همایش دو روزه، علاوه بر بررسی تخصصی مسائل و موضوع‌های صنعت و معدن و تولید، راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی دوران پس‌استحزیم نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در این اجلاس که ۳ و ۴ مرداد برگزار می‌شود، رؤسا و دبیران خانه‌های صنعت، معدن و تجارت سراسر کشور حضور دارند.

بهبودی شبکه برق یک روز دوشنبه در دامغان
دامغان – خبرنگار اطلاعات: پروژه توزیع برق دامغان گفت: شبکه برق رسانی و تأسیسات توزیع برق روستای «دهخدا» از توابع بخش امیرآباد بهسازی شد.مهندس احمد یوسفی افزود: کاهش انرژی تأمین نشده، پایدارای خطوط برق‌رسانی، کاهش اتصالات‌های گذرا و افزایش ضایعاتی مشترکین از مهمترین اهداف اجرای طرح بهسازی شبکه و تأسیسات برق‌رسانی این روستا به شمار می‌آید.

تکمیل جاده جندق معلمان تا ۸ ماه آینده
* نماینده مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی از تکمیل جاده جندق – معلمان تا ۸ ماه آینده خبر داد.

دکتر عبدالرحمن رستمیان همچنین با اشاره به تلاش‌های انجام‌شده در حوزه تأمین آب آشامیدنی موردنیاز مردم دامغان اظهار داشت: با واردکردن بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذار، زمینه انتقال آب از دریا و خزر را فراهم شده است، اما این امر بودجه‌ای معادل ۵ میلیارد تومان می‌خواهد.

پروژه ساخت تالار مرکزی ساری به شهرداری واگذار می‌شود
ساری – خبرنگار اطلاعات: پروژه ساخت تالار مرکزی مازندران (بزرگترین مجتمع فرهنگی شمال کشور) در ساری به شهرداری این شهر واگذار می‌شود.مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران با اعلام این خبر افزود: پروژه تالار مرکزی ساری از ۸۸ درصد پیشرفت فیزیکی برخوردار است اما با توجه به اینکه هیچ آمیدی به اعتبار این برای ادامه این پروژه وجود ندارد تصمیم گرفتیم ساخت این مرکز را به شهرداری ساری واگذار کنیم.وی اضافه کرد: خوشبختانه شورای اسلامی شهر ساری به مقوله فرهنگ توجه خاصی دارد و این موضوع در کمتر استانی دیده می‌شود.جاودانی از احیای انجمن فرهنگی و هنری در مازندران خبر داد و افزود: خوشنویسی کتاب وحی توسط هنرمندان مانزی در دستور کار قرار دارد.

معرفی فرماندار جدید چرچک

چرچک – خبرنگار اطلاعات: مسعود مرسل‌پور به عنوان فرماندار جدید چرچک معرفی شد.

در مراسمی که به همین منظور با حضور معاون سیاسی – اجتماعی استانداری تهران در فرمانداری چرچک برگزار شد، از زحمات صادق قواماندار سابق این فرمانداری قدردانی به عمل آمد.
در این مراسم که حجت‌الاسلام اسماعیلی امام جمعه چرچک، نقوی نماینده مردم ورامین و چرچک و پیشسوا در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان محلی حضور داشتند، امام جمعه چرچک با اعلام این مطلب که فرماندار جدید دارای سوابق و تجربیات ارزشمندی است گفت: امیدواریم حضور او در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و عمرانی این چرچک منشاء خیرات و برکت فراوان باشد.
حجت‌الاسلام اسماعیلی افزود: خوشبختانه در این منطقه اتحاد و دوستی، رویه جاری بین مردم و مسئولان است و ما دیانت و صداقت و ولایت‌ماری را در وجود فرماندار سابق چرچک مشاهده کردیم و در زمان او حرکت‌های شایسته‌ای در سطح این شهرستان انجام شد.

قهرمانی هادی شهر در مسابقات قهرمان جام رمضان باپلسر
هادی شهر – خبرنگار اطلاعات: تیم هادی شهر قهرمان مسابقات کشنی آزاد چهارچهارچهار جام رمضان در رده پایه شد.
در این مسابقات که با حضور ۱۲۰ کشنی‌گری در رده‌های سنی خردسالان، نونهالان و نوجوانان از تیم‌های امیرکلا، کیکلا، آم و هادی شهر برگزار شد، تیم میزبان بر سکوی قهرمانی ایستاد.
تیم‌های امیرکلا و کیکالا نیز به ترتیب بر سکوی دوم و سوم رایت‌ها ایستادند.
این مسابقات در ۲۹ وزن و ۲۹ سالن کشنی «هادی‌شهر» باپلسر برگزار شد.

ازدواج کنید!

همسان‌گزینی ♥ **۱۵سال مسابقه موفق** ♥ **معرفی افراد مناسب** ♥ **ازدواج آگاهانه** ♥ **نمای ۴۴ساعت ازتقلبات** ♥ **خانه امید، ۳۳۶۶۰۰۲۱-۰۲۱ (تأسیس ۱۳۷۸)**

آهنگی دعوت تبدیل نوع سهام بی‌نام به بانام در رعایت ماده ۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت شرکت فولادین تراش آمل (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۰۸۳
با توجه به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۳ در اجرائی ماده ۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت برای تبدیل کلیه سهام شرکت از بی‌نام به بانام، لذا از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می‌آید از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۴۵ سبت به تبدیل سهام خود به مرکز شرکت به آدرس امل، شهرک صنعتی امامزاده عبدالله، فاز یک، شرکت فولادین تراش امل مراجعه نمایند.
بدلی است که پس از انقضای مدت مذکور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی می‌گردد.

هیئت مدیره شرکت فولادین تراش امل

مزایده فروش (آهن آلات ضایعاتی و چوب) شرکت مجتمع ورزشی تفریحی ارم سبز (بارک ارم) علاقمندان می توانند جهت دریافت برگه شرایط شرکت در مزایده و تحویل پاکت های پیشنهاد قیمت خود حداکثر تا تاریخ ۱۳ / ۵ / ۹۶ روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ صبح لغایت ۵ / ۱۵ به دبیر خانه مجتمع ورم در کیلومتر چهار اتوبان تهران – کرج مراجعه نمایند.

روابط عمومی ارم سبز

سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران
هیات اجرایی برگزاری انتخابات اتحادیه های صنفی تهران
آهنگی فراخوان داوطلبین عضویت در هیات مدیره و بازررس اتحادیه به روشندگان مجرمین، معنایی و لوازم

فکشت تهران
براساس ماده ۶ آیین نامه اجرائی انتخابات اتحادیه‌های صنفی در نظر آن انتخابات هیات مدیره و بازررس اتحادیه صنف فروشندگان چوب طبرسم، منصوبی از اولاد فکشت تهران برگزار گردد لذا از داوطلبین داوطلبان صنف صنوبر که در این شرایط آید اعلام کردیم که جهت شرکت در این انتخابات باید به تهران مراجعه نمایند.
روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۵ تا روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸ تا ۱۲ در دفتر شرکت واقع در ناصخ خسرو کار آرای اقلانی ۱۲۲۲ تشکیل می گردد، حضور بهم رسانید.

بندستور جلسه مجمع عمومی عادی:
۱-استماع گزارش هیئت مدیره و بازررس
۲-تصویب صورت‌های مالی و ترانزانه سال ۹۳ و تعیین بودجه
۳-انتخاب بازررس اصلی و علی‌البدل
۴-انتخاب روزنامه کنترالانتشار

آهنگی مجمع عمومی نوبت دوم عادی و مجمع عمومی نوبت سوم فوق‌العاده شرکت تعاونی مسکن کانون بازنشستگان وزارت دارایی
نظر به اینکه جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول و مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم به حد نصاب قانونی رسید، لذا از کلیه اعضای محترم دعوت می‌گردد تا در جلسه نوبت دوم عادی و نوبت سوم فوق‌العاده که به ترتیب در تاریخ دوشنبه ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ ساعت ۱۰:۳۰ و دوشنبه ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ در دفتر شرکت واقع در ناصخ خسرو کار آرای اقلانی ۱۲۲۲ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانید.

آهنگی مجمع عمومی نوبت دوم عادی و مجمع عمومی نوبت سوم فوق‌العاده شرکت تعاونی مسکن کانون بازنشستگان وزارت دارایی
نظر به اینکه جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول و مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم به حد نصاب قانونی رسید، لذا از کلیه اعضای محترم دعوت می‌گردد تا در جلسه نوبت دوم عادی و نوبت سوم فوق‌العاده که به ترتیب در تاریخ دوشنبه ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ ساعت ۱۰:۳۰ و دوشنبه ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ در دفتر شرکت واقع در ناصخ خسرو کار آرای اقلانی ۱۲۲۲ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانید.

آهنگی مجمع عمومی نوبت دوم عادی و مجمع عمومی نوبت سوم فوق‌العاده شرکت تعاونی مسکن کانون بازنشستگان وزارت دارایی
نظر به اینکه جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول و مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم به حد نصاب قانونی رسید، لذا از کلیه اعضای محترم دعوت می‌گردد تا در جلسه نوبت دوم عادی و نوبت سوم فوق‌العاده که به ترتیب در تاریخ دوشنبه ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ ساعت ۱۰:۳۰ و دوشنبه ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ در دفتر شرکت واقع در ناصخ خسرو کار آرای اقلانی ۱۲۲۲ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانید.

کرمان – خبرنگار اطلاعات: صنندوق نوآوری و شکوفایی به‌منظور اعطای وام‌های کمبهره برای تکنولوژی‌های جدید ایجاد شده است.

این خبر را سورنا ستاری معاون علمی و فناوری ریاست‌جمهور در جمع مدیران شرکت صنایع مس شهب باهنر کرمان اعلام کرد و افزود: «ما برای حمایت می‌کنیم و به بازار حیات می‌دهیم و به بزرگان صنعت و به بزرگان علم و فناوری نگاه می‌کنیم»
معاونان شرکت صنایع مس شهب باهنر کرمان اعلام کردند و افزود: «ما برای حمایت می‌کنیم و به بازار حیات می‌دهیم و به بزرگان صنعت و به بزرگان علم و فناوری نگاه می‌کنیم»

می‌شود، از هر سرمایه دیگری علم و فناوری به‌شمار می‌آید.
مدیرکل شرکت صنایع مس شهب باهنر کرمان در حال حاضر ۱۷۴ هزار دانشجو دارد، گفت: این در حالی است که نیاز به این تعداد انبوه دانشجو نداریم
انهم دانشجویانی که چند سال دیگر جویای کار می‌شوند.
او با تأکید بر این که باید از ظرفیت جوانان زیر ۳۰ سال استفاده شود، افزود: «ما به مجموعه به عنوان یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان اصلی در صنایع فلزات غیرآهنی فعالیت کنیم.

پایه‌های اقتصاد دانش‌بنیان

معاون علمی و فناوری

رئیس‌جمهور همچنین در نشست کارگروه پژوهش و فناوری کرمان شرکت کرد.
وی در این نشست گفت: نباید امور و شرایطی را که متناسب با نیازهای صنعتی استان کرمان نیست، به اقتصاد آن تحمیل کرد.
سورنا ستاری این امور را یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان دانست و افزود: «پژوهش درآمدها» است زیرا پولی که از پژوهش حاصل

می‌شود، از هر سرمایه دیگری علم و فناوری به‌شمار می‌آید.
مدیرکل شرکت صنایع مس شهب باهنر کرمان در حال حاضر ۱۷۴ هزار دانشجو دارد، گفت: این در حالی است که نیاز به این تعداد انبوه دانشجو نداریم
انهم دانشجویانی که چند سال دیگر جویای کار می‌شوند.
او با تأکید بر این که باید از ظرفیت جوانان زیر ۳۰ سال استفاده شود، افزود: «ما به مجموعه به عنوان یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان اصلی در صنایع فلزات غیرآهنی فعالیت کنیم.

می‌شود، از هر سرمایه دیگری علم و فناوری به‌شمار می‌آید.
مدیرکل شرکت صنایع مس شهب باهنر کرمان در حال حاضر ۱۷۴ هزار دانشجو دارد، گفت: این در حالی است که نیاز به این تعداد انبوه دانشجو نداریم
انهم دانشجویانی که چند سال دیگر جویای کار می‌شوند.
او با تأکید بر این که باید از ظرفیت جوانان زیر ۳۰ سال استفاده شود، افزود: «ما به مجموعه به عنوان یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان اصلی در صنایع فلزات غیرآهنی فعالیت کنیم.

ستاری افزود: پارک‌های علم و فناوری باید سیستمی داشته باشند که

دو سازمان را از اهداف این فغاه‌نامه اعلام کرد.دکتر حسین افشار مقدم همچنین بررسی آسپ‌های اجتماعی استان قزوین با هدف کاهش مرازای کاری و از اولویت‌های کاری این اداره کل اعلام کرد و افزود: امروز باید نگران آسپ‌ها را با صنف طلاق، اعتیاد و خشونت در جامعه بانیش و به‌زمنه‌های پیدایش آنها در جامعه رجوع کنیم.
وی آسپ‌های اجتماعی را تهدید جدی برای جامعه دانست و

آهنگی مزایده عمومی «نوبت دوم»
شرکت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی در نظر دارد نسبت به فروش یکدستگاه خودروی وانت مدرزا مدل ۱۳۸۱ از طریق مزایده عمومی به شرکتها و اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط اقدام نماید.
از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر ظرف مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری به دبیرخانه شرکت شرکت آفر قم شرایط شرکت در مزایده به آدرس زیر مراجعه نمایند.
تهران – بزرگراه شهید چمران - تقاطع بزرگراه یادگار امام (ره).

ضمناً متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی مراجعه فرمایند.
www.azadihotel.com

آهنگی مزایده عمومی خدمات تاکسی سرویس «نوبت دوم»

شرکت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی در نظر دارد ارائه خدمات تاکسی سرویس خود را به مدت یک سال از طریق مزایده عمومی به شرکتها و اشخاص حقیقی و واجد شرایط (دارای پروانه معتبر مرتبط و واحد صنفی مرتبط و با عضویت در اتحادیه مربوطه جهت حمل و نقل مسافر درون و برون شهری) واگذار نمایند.
از کلیه اعضای محترم می‌شود تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر ظرف مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری به دبیرخانه شرکت (هتل) جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده به آدرس زیر مراجعه فرمایند.

تهران – بزرگراه شهید چمران - تقاطع بزرگراه یادگار امام (ره).

ضمناً متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی نیز مراجعه فرمایند.

«هیئت‌مدیره»

آهنگی مزایده عمومی خدمات تاکسی سرویس «نوبت دوم»

شرکت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی در نظر دارد ارائه خدمات تاکسی سرویس خود را به مدت یک سال از طریق مزایده عمومی به شرکتها و اشخاص حقیقی و واجد شرایط (دارای پروانه معتبر مرتبط و واحد صنفی مرتبط و با عضویت در اتحادیه مربوطه جهت حمل و نقل مسافر درون و برون شهری) واگذار نمایند.
از کلیه اعضای محترم می‌شود تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر ظرف مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری به دبیرخانه شرکت (هتل) جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده به آدرس زیر مراجعه فرمایند.

تهران – بزرگراه شهید چمران - تقاطع بزرگراه یادگار امام (ره).

ضمناً متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی نیز مراجعه فرمایند.

«هیئت‌مدیره»

آهنگی مزایده عمومی خدمات تاکسی سرویس «نوبت دوم»

شرکت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی در نظر دارد ارائه خدمات تاکسی سرویس خود را به مدت یک سال از طریق مزایده عمومی به شرکتها و اشخاص حقیقی و واجد شرایط (دارای پروانه معتبر مرتبط و واحد صنفی مرتبط و با عضویت در اتحادیه مربوطه جهت حمل و نقل مسافر درون و برون شهری) واگذار نمایند.
از کلیه اعضای محترم می‌شود تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر ظرف مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری به دبیرخانه شرکت (هتل) جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده به آدرس زیر مراجعه فرمایند.

آهنگی مزایده عمومی خدمات تاکسی سرویس «نوبت دوم»

شرکت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی در نظر دارد ارائه خدمات تاکسی سرویس خود را به مدت یک سال از طریق مزایده عمومی به شرکتها و اشخاص حقیقی و واجد شرایط (دارای پروانه معتبر مرتبط و واحد صنفی مرتبط و با عضویت در اتحادیه مربوطه جهت حمل و نقل مسافر درون و برون شهری) واگذار نمایند.
از کلیه اعضای محترم می‌شود تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر ظرف مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری به دبیرخانه شرکت (هتل) جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده به آدرس زیر مراجعه فرمایند.

تهران – بزرگراه شهید چمران - تقاطع بزرگراه یادگار امام (ره).

ضمناً متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی نیز مراجعه فرمایند.

«هیئت‌مدیره»

آهنگی مزایده عمومی خدمات تاکسی سرویس «نوبت دوم»

شرکت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی در نظر دارد ارائه خدمات تاکسی سرویس خود را به مدت یک سال از طریق مزایده عمومی به شرکتها و اشخاص حقیقی و واجد شرایط (دارای پروانه معتبر مرتبط و واحد صنفی مرتبط و با عضویت در اتحادیه مربوطه جهت حمل و نقل مسافر درون و برون شهری) واگذار نمایند.
از کلیه اعضای محترم می‌شود تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر ظرف مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری به دبیرخانه شرکت (هتل) جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده به آدرس زیر مراجعه فرمایند.

تهران – بزرگراه شهید چمران - تقاطع بزرگراه یادگار امام (ره).

ضمناً متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت هتل بین‌المللی پارسیان آزادی نیز مراجعه فرمایند.

«هیئت‌مدیره»

اخبار شهرستانها

ایجاد صندوق نوآوری و شکوفایی در کشور

وی اعلام کرد: اگر در مدیریت‌های خُرد و کلان قوت قلبی برای تعالان ایجاد کنیم این روند اصلاح می‌شود.
حقوق‌دست گفت: در حال حاضر استانان و رؤسای دانشگاه‌ها با وارد شدن به حوزه‌شکته‌های دانش‌بنیان هراس دارند و دولت باید جسارت این افراد را در ریسک‌پذیری افزایش دهد.
افزایش شد.
در ادامه این نشست نماینده مردم کردستان و راور در مجلس

و اعتبار ۱۵۰۰ میلیارد تومان نیز در بخش صنعت و معدن آماده بهره‌برداری دارم.وزم‌حسینی با تأکید بر این که شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان باید برای جذب صاحبان علم و فناوری اقدامی داشته باشند، افزود: کرمان با وجود صنایع فلزات غیرآهنی و معدن که فرصت خوبی برای حضور شرکت‌های دانش‌بنیان است، موفقیت‌های خوبی در این زمینه نداشته است.
وی ابرساز امیدواری کرد: در

دولت تدبیر و امید فصل جدیدی در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان در کرمان باز شود.
ستاری مشکل اصلی استان کرمان در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان را نبود کارگزار و صندوق بومی دانست و گفت: استان‌ها باید مشکلات خود را درون خود استان حل کنند که کرمان این توانمندی را دارد.
وی ضمن اعلام موافقت با استقلال پارک علم و فناوری استان کرمان، افزود: بااین استقلال شرکت‌ها احساس می‌کنند پارک علم و فناوری متعلق به خودشان است.
استاندار کرمان نیز در این نشست از بهره‌برداری ۷۰۰۰ میلیارد تومان پروژه فولادی تا پایان سال خبر داد و گفت: تعدادی پروژه

و فناوری در استان کرمان یک

مدرجوبان نیازمند، استفاده از مربیان برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی، معرفی مدجوبان به بنگیرگری برای ارائه خدمات حمایتی، داوری و درمانی، عضویت فرزندان شش‌روزیان بهرزیستی در بخش اولطوبیان و جوانان و امداد برای آموزش و فعالیت‌های بشر دوستانه و ...
دکتر افشار درباره برنامه‌های حمایتی و مراقبتی سازمان بهرزیستی اعلام کرد: در حال حاضر ۹ هزار

آهنگی دعوت مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی مسکن شیمیایی پارچین (نوبت دوم)
احترازا بدینوسیله به اطلاع عموم اهالی این تعاونی می‌رساند که مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی مسکن شیمیایی پارچین (نوبت دوم) در روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸ تا ۱۲ در دفتر شرکت واقع در ناصخ خسرو کار آرای اقلانی ۱۲۲۲ تشکیل می‌گردد.
حضور به هر رسانید.
بندستور جلسه:
۱-استماع گزارش هیئت مدیره و اعلام صورت حساب‌های مالی سال ۱۳۹۳
۲-گزارش بازررس
۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۲۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۳۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۴۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۵۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۶۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۷۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۸۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۹۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۰۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۱۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۲۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۳۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۴۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۵۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۶۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۷۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۱-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۲-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۳-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۴-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۵-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۶-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۷-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۸-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۸۹-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱۹۰-طرح تصویب تراش مالی ۱۳۹۳
۱

احسان حدادی سهمیه مسابقات جهانی گرفت

ملی‌پوش پرتاب دیسک ایران موفق به کسب سهمیه ورودی مسابقات جهانی شد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون دوومیدانی، احسان حدادی پرتابگر دیسک ایران موفق به کسب ورودی مسابقات جهانی پکن شد.



حدادی در مسابقات قهرمانی کشور لوکرامبورگ با پرتاب ۶۵٫۲۲ متر موفق شد ورودی مسابقات جهانی پکن را کسب کند. حدادی در این مسابقه عنوان نخست را به خود اختصاص داد.

حدادی اکنون در کشور آلمان به تمرینات خود ادامه می دهد و امیدوار است با رسیدن به شرایط لازم ورودی المپیک ربر را هم کسب کند.

پیش از این محمد جعفر مرادی دوندۀ ماراثن ایران هم موفق به کسب ورودی مسابقات جهانی شده است.

مسابقات جهانی ۲۰۱۵ پکن از ۳۱ مرداد تا ۸ شهریورماه در ورزشگاه آشیانه پرندۀ برگزار می شود.

حضور تیم ملی دوومیدانی در قزاقستان

تیم ملی دوومیدانی دیروز بدون حضور دو ملی پوش، عازم قزاقستان شد.

به سه گزارش مهر، تیم ملی دوومیدانی ایران با ترکیب ۱۰ نفره راهی رقابت های بین‌المللی جام کازانف شد. این تیم متشکل از رضا قاسمی، حسین نغتیان، سجاد هاشمی آهنگری، مهدی زمانی، کیوان قنبرزاده، محمد رضا وظیفه دوست، وحید صدید، احمد فرود، لایلا رجبی و الناز کمپانی به کازانف رسید.

قرار بود ابارتی و ناصری هم همراه تیم ملی دوومیدانی راهی آلماتی قزاقستان شوند اما به دلیل مشکلات خروج از کشور نتوانستند سوار ملی پوشان را همراهی کنند. فدراسیون دوومیدانی در تلاش است با رفع مشکل این دو ورزشکار، آنها را هم راهی قزاقستان کند.

مسابقات بین‌المللی جام کازانف قزاقستان روزهای سوم و چهارم مرداد ماه برگزار می شود.

سومین پیروزی مزی نی در مسابقات اسنوکر قهرمانی جهان
مسابقات اسنوکر زیر ۲۱ سال قهرمانی جهان در روز سوم پیگیری شد و سیاهش مزینی موفق به کسب سومین پیروزی شد.
به سه گزارش روابط عمومی فدراسیون بولینگ،بیلیارد و بولس، در سومین روز مسابقات اسنوکر زیر ۲۱ سال جهان سیاهش مزینی از گروه Eاین مسابقات در سومین بازی خود در مرحله گروهی در مقابل ویلیوس شسولت از لیتوانی قرار گرفت و با نتیجه مقتدرانه چهار بر صفر حریف خود را شکست داد.

ارسلان تحویلدارنی دومین نماینده اسنوکر ایران در این رقابت ها در گروه D این مسابقات و در پنجمین بازی گروهی اش با نتیجه نزدیکی بر ۳ بازی را به حریف اتریشی خود فلورین نوبل واگذار کرد. این نتیجه در حالی به دست آمد که در ابتدا تحویلدارنی سه بر یک از حریف خود عقب بود و با یک برگشت به بازی خوب نتیجه را به تساوی ۳-۳ کشاند ولی در فریم هفتم مجددا حریف او بود که به برتری دست یافت و در نهایت، بازی را به سود خود به پایان رساند.

تیم ملی والیبال ساحلی ایران مقابل رژیم اشغالگر قدس حاضر نشد

تیم ملی الف والیبال مساحلی ایران در رقابت های گراند اسلم ژاپن برابر نماینده رژیم صهیونیستی حاضر نشد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون والیبال، تیم های ملی الف و ب والیبال مساحلی ایران در رقابت های گراند اسلم در کشور ژاپن شرکت کرده بودند. تیم ملی الف والیبال ساحلی متشکل از رحمان رونوفی و بهمن سالمی که امید زیادی برای صعود به مراحل بالا داشت در فرعه کشتی این رقابت ها در دیدار نخست به نماینده رژیم صهیونیستی خورد و به حمایت از مردم مظلوم فلسطین حاضر به رقابت با این تیم نشد.

این مسابقات که در شهر یوگوهاما برگزار می شود، امتیاز کسب سهمیه المپیک دارد و برای والیبال ساحلی ایران کسب امتیاز در این رقابت ها اهمیت زیادی داشت. تیم ملی ب والیبال ساحلی ایران هم با ترکیب صابر هوشمند و عباس پورعسکری در این رقابت ها شرکت کرده بود که در نخستین مسابقه به مصاف تیم فرانسه رفت و ۲ بر یک با امتیازات ۲۱ بر ۱۶، ۱۲ بر ۲۱ و ۵ بر ۱۵ مغلوب شد و از گردونه رقابت ها کنار رفت.

معضل حل نشده بدهکاری باشگاه‌های فوتبال



از کشورآن هم در نهادهی معتبر به نام فیفا فوتبال باشگاهی ما تا آستانه حذف از مسابقات، کسر امتیاز، سسقوط به رده پایین‌تر و… را به دنبال داشته است.
لیگ حرفه‌ای شرایط و قوانین روشن و واضعی دارد که در همه

کفاشیان: با صداوسیما به راه حل رسیدیم

وی در پاسخ به این سئوال که آیا با توجه به زمان کمی که به شروع لیگ مانده برای صدور این رای دیر نشده است، گفت: رای باید عادلانه صادر شود و برای عادلانه شدن رای‌ها باید مستندات جدیدمان را بررسی کنیم.
کفاشیان در موردبدهی باشگاه‌ها هم گفت: بدهی باشگاه بخیی است که هر سال داریم. باشگاه‌ها هر ساله امور جاری خود را جلو می‌برند ولی در عین حال طلبکاران خود را راضی نگه نمی‌دارند. ما به باشگاه‌ها گفتیم حتما باید رضایت طلبکاران را کسب کنید. کفاشیان در مورد اسپانسرهم

فیگو، کاناوارو و کارلوس در ایران پا به توپ می‌شوند

حسین یاریار، مدیرعامل باشگاه ستارگان فوتبال هم گفت: عده‌ای از ستارگان وقتی نام خیرخواهانسه را می‌آوریم، بدون چون و چرا پذیرفتند که به ایران بیایند و حتی ادگاردر داویدز

اعلام کرد که برای او دو روز بیشتر بلیت بگیریم که بتواند در ایران چند روزی را گردش کند.
در این نشست اعلام شد که قرار است ستارگان سابق فوتبال دنیا هم برای دیداری خیرخواهانه به تهران سفر می‌کنند.
این دیدار قرار است ششم شهریور ماه امسال

حضور در لیگ برتر را کسب کنند. اسماعیل حسن زاده، درباره پرداخت بدهی ۶۰ باشگاه حاضر در لیگ فوتبال، افزود: بسیار خوشحالم که کمیته انضباطی با همکاری فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ برتر از فعالیت باشگاه‌های بدهکار ممانعت به عمل می‌آورد و این جدیت سبب شده است تا باشگاه‌ها به‌ما مراجعه کنند و پس از دریافت ریز بدهی‌های خود، اقدامات لازم را انجام دهند.

وی تأکید کرد: خوشبختانه باشگاه گسترش فولاد تبریز با حضور در کمیته انضباطی مدارک خود را مبنی بر پرداخت همه بدهی‌هایش ارائه کرده و از این پس فعالیتش پالمانع است. این که خواسته کمیته انضباطی اجرایی شده و نتیجه داده است، جای خوشحالی دارد. رئیس کمیته انضباطی در پایان به سایت فدراسیون فوتبال گفت: ما با جدیت بر تصمیم خود استاده‌ایم و بدون شک اگر باشگاهی بدهی‌های خود را تسویه نکند، اجازه فعالیت نخواهد داشت. ضمن این که به باشگاه‌ها اعلام کرده‌ایم می‌توانند ۵۰ درصد بدهی خود را پیش از شروع فصل و ۵۰ درصد باقی مانده را در طول فصل تسویه کنند. ما همچنان پیگیر و منتظر باشگاه‌های بدهکار هستیم تا با رفع مشکلات مالی خود، اجازه حضور در مسابقات پیش‌رو را برایشان صادر کنیم.

تیم ملی والیبال به لهستان و روسیه می رود

سرپرست تیم ملی والیبال برنامه‌های این تیم را تا حضور در جام جهانی ژاپن اعلام کرد.

امیر خوش خورش درباره برنامه‌های این تیم تا آغاز جام جهانی گفت: تمرینات آماده‌سازی همانند دوره‌های قبل به طور پنج جلسه تمرین و یک روز استراحت از دیروز در باشگاه فرهنگی و ورزشی سایپا آغاز شد و تا ۲۹ مردادماه که تیم راهی لهستان می‌شود، ادامه خواهد داشت. وی درباره دلیل برگزاری تمرینات در باشگاه سایپا افزود: سالن ۱۲ هزار نفری آزادی برای مسابقات قهرمانی آسیا در حال آماده‌سازی است و سالن فدراسیون والیبال هم در اختیار تیم‌های ملی ب و زیر ۲۳ سال است. به همین دلیل تمرینات تیم ملی تا پایان مسابقات قهرمانی آسیا در باشگاه سایپا پیگیری خواهد شد. سرپرست تیم ملی والیبال درباره زمان سفر تیم ملی به لهستان و برنامه تیم ایران در این کشور گفت: جام واکنر لهستان با حضور تیم‌های ایران، فرانسه، ژاپن و میزبان ۳۱ مرداد ماه تا دوم شهریورماه پیگیری خواهد شد. تیم ملی والیبال ایران ۲۹ مردادماه تهران را به مقصد لهستان ترک خواهد کرد. خوش خبر تأکید کرد: بعد از جام واکنر ملی‌پوشان برای اردوی آمادگی و چند مسابقه سوم شهریورماه راهی روسیه خواهند ششد و ششش روز در آن کشور خواهد ماند و نهم شهریور به تهران بازخواهد گشت. وی با بیان این که ملی‌پوشان والیبال ایران قبل از اعزام به جام جهانی چهار روز در تهران خواهند ماند، افزود: ۱۳ شهریورماه تیم ملی راهی ژاپن می‌شود تا در جام جهانی والیبال که به میزبانی سه شهر این کشور برگزار می‌شود، شرکت کند. خوش خبر تأکید کرد: تیم ملی والیبال ایران ۱۱ مسابقه در جام جهانی خواهد داشت که نخستین دیدار برابر آرژانتین است. ملی‌پوشان کشورمان در نهایت ۳۰ شهریورماه به تهران باز خواهند گشت. سیزدهمین دوره جام جهانی والیبال از ۱۷ شهریورماه به مدت ۱۶ روز در کشور ژاپن پیگیری خواهد شد. ۱۲ کشور در این رقابتها در سه مرحله با یکدیگر مسابقه خواهند داد که گروهی ابتدایی آن به شرح زیر است: گروه A، استرالیا، آمریکا، ژاپن (میزبان)، نماینده دوم کنفدراسیون آفریقا، کانادا و ایتالیا

گروه B، لهستان، نماینده اول کنفدراسیون آفریقا، روسیه، ونزوئلا،

آرژانتین و ایران

چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۴ - ۵ شوال ۱۴۳۶ - ۲۲ جولای ۲۰۱۵ - سال نودم - شماره ۲۶۲۰۸

جهان فوتبال

سعید در روستوف همبازی سردار شد



بازیکن ملی‌پوش ایران که فصل گذشته در تیم اتلتیکومادرید به میدان رفته بود، با عقدقرارداد رسمی به تیم روستوف روسیه پیوست.

به گزارش مهر، سعید عزت‌اللهی هافبک پیشین تیم‌های ملوان بندرانزلی و تیم جوانان اتلتیکومادرید که به همراه پدرش در روسیه به سر می برد، با مسئولان تیم روستوف به توافق رسید تا فصل آینده برای این تیم به میدان برود.

عزت‌اللهی از باشگاه پرسپولیس هم پیشنهاد همکاری داشت اما در نهایت با توجه به علاقه «قریان بردیف» سرمربی ترکمنستانی روستوف به عملکرد این بازیکن، ترجیح داد دوران فوتبالی‌اش را در این باشگاه

روسی ادامه دهد. اکنون سردار آزمون بازیکن ملی پوش کشورمان هم به عنوان بازیکن قرضی در تیم روستوف بازی می‌کند و سعید عزت‌اللهی دومین ایرانی است که به این تیم روسی پیوسته است.

سفر عجیب لیونل مسی به گابن

سفر لیونل مسی به کشور گابن که برای حضور در مراسم آغاز ساخت یک ورزشگاه در این کشور انجام گرفته، حاشیه‌های زیادی برای این بازیکن ایجاد کرده است. به گزارش ایسنا، ستاره بارسلونا که اکنون در تعطیلات پیش از فصل به سر می‌برد و به زودی خود را برای حضور در تمرین‌های تیمش آماده می‌کند، به دعوت رئیس جمهوری گابن و برای مراسم آغاز ساخت ورزشگاه پورت جنتیل به این کشور سفر کرده است.

در حالی که بارسلونا اوایل هفته آینده برای حضور در تور پیش فصل خود در آمریکا به این کشور سفر می‌کند، مسی سفر تعجب‌برانگیزی به کشور گابن داشته است. کشوری که تلاش می‌کند حضور موفقیت‌آمیزی در جام ملت‌های آفریقا در سال ۲۰۱۷ داشته باشد. اتفاق جالبی که در ورود مسی به کشور گابن رخ داد این بود که علی یونگو یوندیبا رئیس جمهوری این کشور پس از این که شخصاً به استقبال مسی در فرودگاه رفت ، با اتوبیلیش ستاره بارسلونا را سوار کرد و به نوعی نقش راننده مسی را تا رسیدن به محل ساخت ورزشگاه بر عهده گرفت.

چی چاریتودر لیست خرید تاانهام‌هاتسپرز

مهاجم مکزیکی منچستر یونایتد که به رنال مادرید قرض داده شد، در لیست خرید تاانهام هاتسپرز قرار دارد.

این تیم ستنی لیگ برتر قصد دارد برای تقویت خط حمله خود، در زمانی که از فصل نقل و انتقالات تابستانی باقی مانده، قدم‌های جدی بردارد.

براساس گزارش روزنامه سان، چی‌چاریتو اولویت شماره یک هاتسپرزها برای فصل بعد محسوب می‌شود. براساس این خبر تیم لیگ برتر پیشنهادی ۱۱۵ میلیون یورویی (۳۳ میلیارد تومان) برای گلزن مکزیکی در نظر گرفته است. ستاره تکنیکی با وجودی که از مدت قراردادش با منچستری‌ها باقی‌است، نزد تیم تحت امر لویی فان‌خال آینده‌ای ندارد.

از این رو هاتسپرز می‌کوشد با درپیش گرفتن یکسری تمهیدات او را به خدمت گرفته و زوج مناسبی برای هری کین انتخاب کند.

ویکتور والدس، شاید در سیاتل ساندرز آمریکا

دروازبان اسپانیایی مازاد منچستر یونایتد

با پیشنهادی از لیگ حرفه‌ای فوتبال آمریکا

مواجه شده است.

ویکتور والدس که فقط شش ماه سابقه

حضور نزد اولدترافوردی‌ها دارد و یک سال

دیگر از قراردادش با شیاطین سرخ باقی‌مانده

است، دیگر مورد توجه و نظر لویی فان‌خال،

سرمربی هلندی یونایتدها نیست به همین دلیل وی نیروی مازاد معرفی

شده و در نتیجه دنبال تیمی جدید است. براساس اعلام روزنامه مارکا

تیم سیاتل ساندرز از لیگ آمریکا موسوم به ام‌ا‌اس علاقه مند به

همکاری با این گلر با تجربه است. به همین دلیل احتمال مهاجرت این

گلر به لیگ آمریکایی شمالی وجود دارد.



فروش ویژه محصولات گروه خودروسازی سایپا

به مناسبت عید سعید فطر

عید سعید فطر مبارک



جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به شبکه گسترده نمایندگی های مجاز گروه خودروسازی سایپا در سراسر کشور مراجعه نمایید.

توجه: واریز به حساب بانکی غیر از حساب سایپا خرید تلقی نمی گردد و شرکت هیچ گونه مسئولیتی در قبال تحویل خودرو ندارد.

www.saipagroup.ir

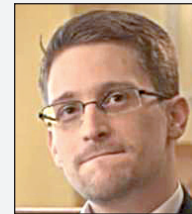


گروه خودروسازی سایپا

کتابخانه لایحه‌نویسی چپان

واشنگتن پست: **پیدایش داعش در جهت منافع اسرائیل است**
فارس: روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی تحلیلی نوشت، گرچه مشخص نیست که پیشروی گروه‌های افراطی در نهایت چه مفهومی برای تل‌آویو داشته باشد اما پیدایش گروه‌های تکفیری از جمله داعش تاکنون در جهت منافع رژیم صهیونیستی بوده است.
در این گزارش استدلال شده است که حزب‌الله لبنان و ارتش سوریه بیشتر منابع خود را صرف مقابله و مبارزه بسا تکفیری‌ها کرده‌اند و بنابراین تا جلودوی فعالیت‌اتها آنها علیه رژیم صهیونیستی محدود شده است.

درخواست حکم اعدام برای اسنودن



ایستنا یک سناتور جمهوریخواه آمریکا از آژانس امنیت ملی این کشور خواست ادوارد اسنودن، افشاساز اطلاعات این سازمان را در

ملاحمه به دار بیاویزد!
«ساکسی جمپلس» طی سخنانی در دانشگاه جورجیا در پاسخ به سوالی درباره‌هک شدن دفتر منابع انسانی دولت گفت: در نتیجه هک شدن دفتر منابع انسانی دولت که مرتبط با اقدامات اسنودن است آمریکایی‌ها جان خود را از دست خواهند داد. وی افزود: به نظر من اسنودن بیش از سایر پرونده‌های جاسوسی به جامعه اطلاعاتی آمریکا آسیب زده است.

تدابیر ویژه ایوبکر البغدادی برای بقای داعش

فارس: یک روزنامه آمریکایی اعلام کرد که ایوبکر البغدادی سرکرده داعش برای بقای این گروه تروریستی در صورت مرگ خود و سرکرده‌های آن، تدابیری از قبیل دادن اختیار بیشتر به معاونان و همچنین فرماندهان نظامی داعش را در دستور کار قرار داده است. نیویورک تایمز نوشت: سرکرده داعش برای اطمینان از بقای این گروه اقداماتیی انجام داده و اختیارات گسترده‌ای به معاونان و فرماندهان منطقه‌ای آن در سوریه و عراق داده است تا در صورتی که او یا دیگر سرکرده های این گروه کشته شوند، داعش به سرعت خود را با شرایط وفق داده و به جنگ ادامه دهد.

افشای جاسوسی آمریکا از اشتیان‌مایر

فارس: سایت ویکی‌لیکس در افشاکاری جدیدی اعلام کرد، آژانس امنیت ملی آمریکا تلفن فرانک والتر اشتیان‌مایر وزیر خارجه آلمان را شنود کرده است. بر این اساس، به مدت یک سال وزارت خارجه آلمان شنود می‌شد و در مجموع ۲۰ تلفن شنود شده که یکی از آنها تلفن همراه اشتیان‌مایر بوده است.

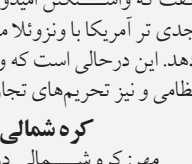
اسناد ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که تلفن اشتیان‌مایر در نوامبر ۲۰۰۵ شنود شده اما همچنان مشخص نیست وی

ما چه کسی صحبت کرده است اما مشخص شده که درباره زندان‌های مخفی شیا در اروپا صحبت شده است.

خرید و فروش سلاح بلاستیک در افغانستان ممنوع شد
ایرنا: سخنگوی وزارت کشور افغانستان اعلام کرد: در چارچوب تدابیر امنیتی برای حفظ امنیت و جلوگیری از آسیب رساندن به جان شهروندان، خرید و فروش سلاح بلاستیک در سراسر این کشور ممنوع شد.
«صدیق صدیقی» گفت: در ایام تعطیلات عید سعید فطر بیش از ۱۰۰ تن از مردم با سلاح بلاستیک‌کی زخمی شدند و به بیمارستان‌ها انتقال یافتند و دولت برای جلوگیری از صدمه رساندن بیشتر به شهروندان و استفاده نامناسب از آن، ورود این سلاح‌ها به کشور را ممنوع اعلام کرد.

کرئ: گوانتانامو را پس نمی‌دهیم

ایستنا: جرای کرئ وزیر خارجه آمریکا گفت که ایالات متحده قصد ندارد در شرایط کنونی قرارداد موجود با کرئیا را بطرف یا پایداری خلیج گوانتانامو را تغییر دهد و گوانتانامو را فعلا پس نمی‌دهیم.
کرئ گفت که اگرچه دو طرف در رسانی‌های عادی سازی روابط دیپلماتیک حرکت می‌کنند اما این مساله یکی از نقاط مورد مناقشه است.
وزیر خارجه آمریکا همچنین گفت که واشنگتن امیدوار است احیای روابط با کرئ بتواند به مذاکرات جدی تر آمریکا با ونزوئلا منجر شود و به خصوص‌ها در کلمبیا نیز خاتمه دهد.
این درحالی است که وزیر خارجه کرئ تصریح کرد، مساله این پایگاه نظامی و نیز تحریم‌های تجاری همچنان از گزاینی اصلی است.



کره شمالی مذاکره با آمریکا را رد کرد
مهر: کره شمالی در واکنش به اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر الگو گرفتن از ایران برای حل موضوع هسته‌ای خود اعلام کرد که تمایلی برای این کار ندارد. پس از حصول توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای «۵+۱» برخی از مقامات آمریکایی اعلام کرده بودند که واشنگتن آمادگی دارد با استفاده از این الگو وارد گفتگو با کره شمالی شود. در همین رابطه واشنگتن از پیونگ یانگ خواست با استفاده از این فرصت در پی حل موضوع هسته‌ای خود باشد اما مقامات کره شمالی اعلام کردند که تمایلی برای این کار ندارند.

اعلام آمادگی جدایی طلبان کاتالونی برای استقلال یکجانبه از اسپانیا
ایستنا: جدایی طلبان کاتالونی اعلام کردند، اگر دولت اسپانیا تلاش کند روند جدایی طلبی را پس از پیروزی در انتخابات منطقه‌ای سپتامبر متوقف کند آنها آماده استقلال یکجانبه هستند. دولت محافظه کار مادرید به شدت مخالف استقلال کاتالونیاست. این منطقه از روند همه پرسی جدایی اسکاتلند از انگلستان پیروی می‌کند و اگر انتخابات سپتامبر با موفقیت در کاتالونیای برگزار شود، این منطقه از اسپانیا جدا می‌شود.

برگزاری بزرگترین رزمایش ناتو در اوکراین با حضور ۱۸ کشور جهان

سرویس خارجی: سازمان ناتو آتلانتیک شمالی (ناتو) بزرگترین رزمایش خود را در اوکراین با حضور نظامیان بیش از ۱۸ کشور جهان از دیروز آغاز کرد.بر این رزمایش ۱۸۰۰ نیرو از ارتش های ۱۸ کشور شرکت دارند. هدایت این رزمایش برعهده آمریکااست و تا پایان ماه جاری میلادی ادامه خواهد داشت. برگزاری رزمایش‌ها از چند ملتی در اوکراین از سال ۱۹۹۵ آغاز شده اما این رزمایش بزرگترین تمرین نظامی است که توسط کشورهای خارجی در اوکراین و برای مقابله با تهدید روسیه انجام می شود.
دراین حال وزارت خارجه روسیه با صدور بیانیه‌ای نسبت به برگزاری رزمایش ناتو در اوکراین هشدار داد و آنرا بر ه زنده فرآیند صلح اوکراین دانست. مسکو در انتقاد از این رزمایش هشدار داد که ممکن است این عمل تبعات ناظرهایی بر جا بگذارد و فرانیه صلح را در بخش شرقی اوکراین مخدوش کند.
خبر دیگر اینکه، «ویکتور تاتارنشینف» سفیر روسیه در سوئد گفت: اگر سوئد به جدیدترین عضو ناتو تبدیل شود، این اقدام پیامدایی به همراه خواهد داشت.

سرویس خارجی: اتحادیه اروپا به الگو گرفتن از نقش مثبتی که در مذاکرات هسته‌ای ایران ایفا کرده، به فکر تشکیل یک ائتلاف بین المللی برای به دست رساندن مذاکرات صلح خاورمیانه افتاده است.رویتزر اعلام کرد، مذاکرات اروپا که از بجاگیری در راه اندازی هیئت ایران و ایتیه به دست آمده به سران خنوش است این بار به فکر تشکیل یک ائتلاف بین المللی افتاده تا روند صلح خاورمیانه و مذاکرات سازش را در سطح برساند.وزاری خارجه اتحادیه اروپا شهرکساز و وزیر اجباری فلسطینی‌ها را در موانع پیشبرد مذاکرات میان شرق و صهیونیستی و فلسطینی‌ها برشمردند.
این اتحادیه که طرح مجدد مذاکره بین فلسطینی و رژیم صهیونیستی را در اولویت بعد از مذاکرات هسته‌ای ایران قرار داده بود، در نشست خود در استانبول گفت: فرانسه به ادعای خود که از بجاگیری در مذاکرات ضربه الاجلی ۱۸ ماهه را برای به سرانجام رساندن مذاکرات سازش و تشکیل دولت مستقل فلسطینی خواستار شده بوده در همین راستا، «فدریکا موریگی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حسل و فصل پرونده هسته‌ای ایران را نمونه‌ای از توانمندی دیپلماتی در پایان دادن به مناقشات بین فلسطینی و رژیم صهیونیستی را در نظر با توجه به اینکه مذاکرات ایران با حضور ۵۰۱۱ صورت گرفت، این امید را در میان وزاری امور خارجه کشورهای اروپایی زنده کرد که شاید بتوان مذاکرات سازش خاورمیانه را زور تا حاکست منطقه‌ای کرد و

صاحب امتیاز: شرکت ابرانچاپ (فؤسسه اطلاعات)

مدیر مسئول: سیدمحمدوعالی

سر دبیر: علیرضا خانی

نشانی: تهران- یلوار میرداماد- خیابان نفت جنوبی- ساختمان اطلاعات- کد پستی ۱۵۲۹۴۵۲۱۱ (تهران)
پست تصویری:تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۹۹۹۹
تلفن: ۲۹۹۹۹۰۱۹۶ و ۲۲۲۵۸۰۲۲۱
تلفن پدیرش آگهی ما: ۱۸-۱۲-۲۲۲۵۸۰
نشانی اینترنتی: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

آغاز فاز اصلی عملیات نیروهای عراقی در «الانبار»

سرویس خارجی:منابع نظامی عراقی اعلام کردند،نیروهای عراقی موقتا عملیات بمباران هوایی و توپخانه‌ای را در مناطق ولوجه و رمادی به حالت تعلیق درآوردند تا خانواده‌های عراقی بتوانند از این دو شهر خارج شوند.با این حال نیروهای عراقی به محاصره داعش و قطع مسیرهای امدادرسانی این گروه در فلولجه و رمادی و شهرهای استان الانبار ادامه می‌دهند.ارتش، پلیس و نیروهای مردمی عراق عملیات نظامی گسترده‌ای را برای پاکسازی مناطق «الحاضضیه» و «الحوز» و «الحاضضیه» و مسیر بین‌المللی در محور شمال شرقی فلولجه و جدا کردن این مناطق از رمادی و بستن کامل خطوط امدادرسانی داعش آغاز کرده‌اند.به گفته منابع، این عملیات بزرگ‌ترین و مهمترین عملیات در راستای مرحله سوم پاکسازی استان الانبار محسوب می‌شود که نیروهای مردمی، پیشمرگه‌های هوایی عراق و پلیس در آن شرکت دارند.همچنین درگیری‌های شدیدی میان داعش و نیروهای عراقی در مناطق «الحاضضیه» و مسیر بین‌المللی در شمال رمادی در جریان است.در شهر موصل مرکز استان نیوا نیز از ۳۳ تن از تروریست‌های داعش از انفجار خودرویی بمب گذاری شده درمرکز آموزش داعش در شهرستان «البجاع» از پسای اعلام کرده که نیروهای پلیس شاهدان بینی،برخی از دست‌ها شکان کودکان هستند که به کشته داعش آموزش دیداندند. پیشمرگه‌های اقلم کردستان عراق نیز پنج خودروی

بمب گذاری شده را در منطقه السیده زینب در مرکز شهرستان سنجار در غرب موصل که داعش قصد منهدم کردن آن را داشت، منهدم کرد.درماندهای عملیات سامراه از تروریست‌های داعش در الکرمه از پسای درآمدند.نیروهای عراقی این شهر شدند. در این حال، راند شاکر جودت، رئیس پلیس فدرال عراق در بیانیه‌ای تاکید کرد، ۱۱ تن

حمله همزمان ارتش سوریه و حزب الله لبنان به مواضع تروریست ها در «زبدانی»

سرویس خارجی: یگان‌های مختلف حزب‌الله با کمک نیروی هوایی سوریه، مواضع افراد مسلح در شهر «زبدانی» سوریه را هدف قرار دادند و مناطق جدیدی را از حضور تروریست‌ها پاکسازی کردند.
رزمندگان حزب الله لبنان در ادامه نبرد پاکسازی زبدانی از حضور تروریست‌ها، موفق شدند مناطق «درب الکلاسه»، «درب حصبه» و «مرج الکساره» در حومه این شهر را وجود عناصر تروریستی احرار الشام و جبهه النصرة پاکسازی کنند. در جریان این عملیات دهها تروریست کشته و به اسارت گرفته شدند.

در ادامه عملیات پاکسازی شهر زبدانی رزمندگان حزب الله و نیروهای ارتش سوریه موفق شدند به سمت ارتفاعات «عین مزارب» واقع در شرق این شهر پیشروی کنند. در حال حاضر درگیری شدیدی بین نیروهای حزب الله با تروریست ها در مناطق جنوبی شهر زبدانی و شرق دشت زبدانی گزارش شده است.

نیروهای حزب الله در حال پیشروی به سمت میدان «السبلان» در نزدیکی مرکز شهر هستند. از سویی حلب و حومه آن نیز شاهد عملیات گسترده ارتش سوریه علیه تروریست های داعش است. به دنبال بمباران مقر تروریست‌ها توسط جنگنده های سوری در منطقه الراندین در غرب حلب تسلیحاتی از تروریست‌ها به هلاکت رسیده و شماری نیز زخمی شدند.منطقه لاصخور در شهر حلب و روستای باشکوی در حومه شمالی این شهر نیز شاهد درگیری های گسترده میان ارتش و تروریست‌ها داعش بود. منطقه جوبر در شرق دمشق، روستای الجفره در حومه درازپروز، منطقه لشوه در جنوب حسکه، حومه شهر تدمر و الغابیه در حومه درعا نیز از مناطقی هستند که هم اکنون ارتش سوریه در غلبه علیه تروریست‌های مسلح می‌جنگد.

یگان‌های حمایت مردمی کرد اعلام کردند که تقریبا به طور کامل شهر حسکه در شمال شرق سوریه را تحت کنترل خود درآوردند. داعش در ۲۵ ژوئن حمله گسترده‌ای به این شهر داشت و جنوب حسکه را که تحت کنترل نیروهای نظامی سوریه بود، اشغال کرد.

در ایسن حال وزیر امور خارجه انگلیس تاکید کرد، وعاش باید در سوریه ناپود شود تا اقدامات وحشیانه تروریستی در دیگر مناطق جهان متوقف شوند. فیلیپ هامون گفت: کاملا مشخص است درص مسلحی که اخیرا گردشگران را در ساحل سوسه تونس به قتل گزله کشد از مرکز گروه تروریستی داعش یعنی سوریه دستور گرفته بود.

در تحوли دیگر استانان دی مستوراد، فرستاده سازمان ملل به سوریه در ادامه رازبانی‌های خود با طرف‌های دی ربط منطقه‌ای و اعضای شورای امنیت، این بار به چین سفر و با مسئولان این کشور در خصوص راههای حل سیاسی بحران سوریه بحث و گفتگو کرد. دی مستوراد پیش از سفر به چین با نبیل العربی، دبیرکل اتحادیه عرب در قاهره دیدار کرده بود.

سال نودم

● سال نودم ●

آغاز فاز اصلی عملیات نیروهای عراقی در «الانبار»

از مقرهای داعش است، محل شلیک این حمله‌راده بوده است.

تحولات سیاسی

وزیر خارجه قطر در سفر به اقلیم کردستان عراق با رئیس این منطقه خودگردان دیدار و با وی درخصوص تحولات عراق و روند مبارزه با داعش بحث و گفتگو کرد. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق در دیدار با خالد العطیه، وزیر خارجه قطر تاکید کرد،تروریست‌ها از درگیری‌های طرفیانه‌ی و وخامت اوضاع سیاسی برای ارتکاب جنایت علیه غیرنظامیان استفاده کرده اند و مبارزه با آنها نیاز به تلاش‌های و سیاسی، فکری و اقتصادی در کنار اقدام نظامی دارد.بارزانی تاکید کرد که اوضاع عراق و سوریه به هم مرتبط است و باید بر داعش در هر دو کشور پیروز شویم. مبارزه با داعش مستلزم مشارکت تمامی کشوراست.وزیر خارجه قطر نیز پیشرفت اقلیم کردستان عراق ونقش پیشمرگه‌ها در مقابله با تروریسم را ستود و از اقلیم کردستان به خاطر پناه دادن به آوارگان عراقی از مذاهب و طوایف مختلف قدرانی تاکید کرد این‌ها است که برپسین منطقه کردستان عراق از معارضان خواست به این جای افتاد، این منطقه را ترک کنند و گفت که کردها، گزینه استقلال را بر گزینه زیردست بودن ترجیح می‌دهند.در همین حال،منابع رسانه‌ای در اقلیم کردستان عراق اعلام کردند، قطر درصدد افتتاح کنسولگری در شهر اربیل است.شایان گفتن است که وزیر خارجه قطر پس از دیدار با مقامات منطقه کردستان عراق بدون سفر به بغداد به دوچه بازگشت.

گرفت‌از سوی دیگر،نخست وزیر عراق از پاکبگهی که جنگنده های ای ۱۶ تازه خریداری شده از آمریکا نگهداری می‌شود.بازدید کرد.

مسکونی در جنوب رمادی را ختنی کردند.در چنین شرایطی،فرماندار منطقه «الخالص» در استان دیلاه، شمار قربانیان حمله خمپاره‌ای به «الحیدر» در این استان را هشتی کشته و ۲۰ زخمی اعلام کرد.دعش، الخدران» اظهار داشت:سرویس‌های امنیتی محل شلیک این خمپاره‌ها را شناسایی کرده و گفته می‌شود که منطقه‌ای به نام «الکسابه» که یکی

حزب عدالت و توسعه به دفاتر محلی خود برای آمادگی با هدف برگزاری انتخابات زودهنگام، سایر احزاب سیاسی این کشور نیز خود را آماده برگزاری انتخابات کرد.



ترکیه احساس تهدیدی می‌کنیم و جانیات‌های را که بی‌تکانه‌ار هدف قرار می‌دهد، محکوم می‌کنیم. کاخ سفید هم در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این حمله، همبستگی خود را با دولت و مردم ترکیه اعلام کرد. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد، هیچ توجیهی برای هدف قرار دادن غیرنظامیان در جریان حملات اخیر، وجود ندارد.

ترکیه احساس تهدیدی می‌کنیم و جانیات‌های را که بی‌تکانه‌ار هدف قرار می‌دهد، محکوم می‌کنیم. کاخ سفید هم در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این حمله، همبستگی خود را با دولت و مردم ترکیه اعلام کرد. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد، هیچ توجیهی برای هدف قرار دادن غیرنظامیان در جریان حملات اخیر، وجود ندارد.

مظلون انفجار تروریستی سوروج را شناسایی کرده‌اند. از طرفی مسئولانی که به تحقیق درباره این حمله پرداخته‌اند، معتقدند که یک زن عضو داعش هست به عملیات انتحاری در مرکز فرهنگی سوروج زده است. خبر دیگر اینکه در پی این انفجار تروریستی شماری از مقامات کشورهای جهان در پایانه های جالکانه این انفجار را به شلشد محکوم کردند. دولت مصر و الاژهر حاده تروریستی سوروج ترکیه را

مستغنی و فراری یمن هفته گذشته به سمت محور فرودگاه و «جزیره الحیره» پیشروی کردند، اما ارتش نتوانست آنها را تا کام بگذارد. در خبری دیگر، همزمان با شکست تروریست‌ها انتلاف را به عنوان استاندارد جدید تعین کردآ از سوی دیگر، مقام نزدیک به انصارالله اعلام کردند، شمار زیادی از نیروهای انصارالله و گارد ریاست‌جمهوری و پادمنظام ارتش یمن در نزدیکی مرزهای عربستان مستقر شدند. بر اساس این گزارش، این اقدام به منظور اخراج آمادگی برای ورود به این مرحله جدید در واکنش به نقض آتش‌بس صورت گرفته در یمن، انجام شده است.

در تحولی دیگر، دهها تن از اهالی شهر نجران به خیابان‌ها آمدند و با سر دادن شعار ضد رژیم آل سعود، خواستار توقف حملات وحشیانه عربستان علیه ملت یمن شدند.تظاهرکنندگان با حرکت به سوی یکی از یادمان‌های عربستان در نجران علیه ملک سلمان، پادشاه سعودی شعار سر دادند، شماری از نظامیان هم با هجوم معترضان به سمت یادگان اقدام به شلیک تیر هوایی کردند.

در خبری دیگر، محمد حسنین هیکل، تحلیلگر برجسته جهان عرب گفت: سعودی‌ها در باتلاق یمن غرق خواهند شد. وی افزود، سعودی‌ها به داخل یمن وارد جنگ زمینی نخواهند شد و حملات هوایی را ادامه خواهند داد. به گفته وی، نظام عربستان سعودی قابلیت استمرار و بقاء ندارد، ولی گزینه جایگزینی نیز برای آن کار گرفته نادر.

خبر دیگراینکه، نخستین کشتی حامل کمک های انساندوستانه وابسته به سازمان ملل متحد در بندر عدن پهلو گرفت. این کشتی در حالی وارد شهر ساحلی عدن شد که چهار ماه از تجاوز عربستان سعودی به یمن می‌گذرد و این کشور نه فقط قوانین جنگی در یمن را نقض کرده است، بلکه مانع از ارسال کمک های انسان دوستانه بین المللی به این کشور شده است.

در این حال، نمایاشگاه تصاویر قربانیان جنگی حملات آل سعود به یمن در میدان اسکندر لایته» شهر برلین، یکی از بزرگترین میدان‌های شهر و با هدف اطلاع افکار عمومی آلمان و جهان از جنایات و کشتار انتلاف عربستان برزگاز شد. پروازکنندگان این نمایاشگاه به روبروه‌هایی را به زبان‌های مختلف و انگلیسی در میان بازدیدکنندگان توزیع کردند که در آن رنج

چهار شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۴

۵ شوال ۱۴۳۶ - ۲۲ جولای ۲۰۱۵

عبدالباری عطوان: ایران حتی در بدترین شرایط، متحدان خود را تنها نمی‌گذارد

عبدالباری عطوان سردبیر و تحلیلگر مشهور سیاسی عرب در مقاله‌ای با اشاره به بیانات اخیر مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های ایران پس از توافق هسته‌ای نوشت: تجربه نشان داده که ایران در بدترین شرایط نیز متحدان خود را تنها نمی‌گذارد و به آن‌ها وفادار می‌ماند. عطوان در این مقاله که در روزنامه رأی الیوم به چاپ رسید، تاکید کرد: ایت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر ایران روز عید فطر گفت که توافق هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ باعث تغییر در سیاست‌های ایران در مقابل زورگوی‌های آمریکایی نشود و این باعث نخواهد شد که ایران دست از حمایت از دوستانش در منطقه بردارد؛ ایران همچنان به حمایت‌هایش از مردمان متهمیده در فلسطین، بحرین و یمین ادامه خواهد داد و از دولت‌های سوریه و عراق نیز حمایت می‌کند.عطوان می‌افزاید: از سوی دیگر نمایانم نتایج‌ها نخست وزیر رژیم صهیونیستی تنها کسی بود که به سخنان رهبر ایران به ویژه این بخش آن واکنش نشان داد و با اشاره به این بخش گفت که ایران سیاست‌های خود را در خصوص آمریکا و همچنین در خاورمیانه تغییر نخواهد داد و این سخنان را تحریک آمیز دانست.

این نویسنده عرب در ادامه می‌نویسد: نتایج‌ها در حال حاضر در نوعی هدیان گویي به سر می برد زیرا امید و آرزوهای خود را مبنی بر حمله نظامی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران نقش بر آب می‌بیند و مشاهده می‌کند که آمریکا به گفتگو و راه حل سیاسی با ایران روی آورده و اینگونه است که نتایج‌ها می‌بیند بر برگ برنده خودود را برای باجگیری از آمریکا و دریافت کمک‌های نظامی و همچنین دورکردن توجه مردم جهان از بیش از ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای خود را در دست داده است.

به نوشته این تحلیلگر فلسطینی تبار سساک لندن، کسانی که تصور می‌کردند ایران پس از این توافق‌نامه هسته‌ای از متحدان خود دست می‌کشد، باید بدانند که ایران را نمی‌شناسد و چیزی از سیاست درک نمی‌کنند؛ ایران ملت ۳۰ساله در حالی که تحت تحریم و محاصره بوده و هر لحظه در معرض خطر حمله نظامی آمریکا قرار دارد، هرگز دست از این متحدان برنداشته، آیا اکنون که رفق تحریم‌ها و محاصره ایران نزدیک است، این مقاله‌ها است؛ دست از آن‌ها بکشد؟ سوریه با شدیدترین بحران‌ها و جنگ‌ها مواجه است؛ هزاران نفر در این کشور کشته و میلیون‌نفر آواره شده‌اند، زیرا این کشور زیر بار فشارهای خارجی رفته و فریفته پیشنهادهای مالی افغانکنند، آمریکا و کشورهای عربی برای دست کشیدن از ایران شده است و البته ایرانی‌ها نیز این را خوب می‌دانند.

سردبیر روزنامه رأی الیوم می‌افزاید: ایران اکنون در موضع قدرت قرار دارد و این روزها می‌بینیم که هرچنان کشورهای غربی برای اضمایق قراردادهای تجاری بزرگ روانه ایران می‌شوند زیرا یکم ایران بسیار بزرگ و قابل توجه است که می‌بینیم معاون آنکلا مرکل صدراعظم آلمان نخستین مقام اروپایی است که پس از این توافق به ایران می‌رود و پس از او نیز لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه عازم ایران است.

تجدیدی نیست که توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ باعث شودکنزیه و گترانی برخی سخنان کشورهای عربی نیز شده است و آنکه همین دلیل واکنشی‌های شاینده‌ای از خود نشان دادند و اینگونه بود که عربستان به نیروهای تحت حمایت خود در یمن دستور داد، هرطور شده عدن را از نیروهای مردمی و حتی بازپس گیرند و این روزها می‌بینیم آن‌ها سعی می‌کنند تا خود را به جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) نزدیک کنند و از سوی دیگر با روسیه و کره جنوبی برای وفاداری زیرگانه هستی ای وارد مذاکره شوند. از سوی دیگر برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که عربستان و برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سعی در شوردن اقوام و مذاهب مختلف و ایجاد تفرق در ایران و حمایت بیشتر از مخالفان ایرانی (گروهک تروریست متافقین) دارند و البته آن‌ها از مدت‌ها پیش شروع به اجرای این طرح در رسانه‌های کرده‌اند.

این تحلیلگر عرب در ادامه می‌نویسد: این نوع رفتار این کشورها بسیار خطرناک است و این کار‌ها ما به نوعی مانند یک شمشری دوله است زیرا برعکس اصول این کار را نمی‌دانند و ممکن است آتش آن دامن عربستان بریزد و با بگردد و از سوی دیگر ایرانی‌ها توانایی زیادی در مقابله با چنین خطر‌ها و حملاتی دارند و می‌توانند قبل‌تر به کمک کرده و مشکلات زیادی در عربستان به وجود آورند؛ ایرانی‌ها می‌توانند گذشته چندین انقلاب و حوادث زیادی را پشت‌سر گذاشته‌اند، از انقلاب دکت‌ر مصدق در دهه ۵۰ گرفته تا انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه ۷۰ و همچنین انقلاب خمینی شال شب پیش. به نوشته عطوان، این طرح هر کشوری از جمله عربستان و دیگر کشورهای عربی منطقه است که از خود و منافعی‌ دفاع کنند، البته به شرط آنکه بتوانه آن‌ها در خطر باشد و طرف مقابل نیز درصدد حمله به منافع آن‌ها باشد، اما چیزی که اکنون مشاهده می‌کنیم آنست که ممکن است آن قطعاً ادامه دشمنی و کینه جوئی که کشور‌ها ممکن است منجر به نتایج فاجعه‌بار و بیشتر فروترن آن‌ها در مرداب یمن و سوریه شود.

شاهزاده بندر بن سلطان رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی عربستان نخستین کسی بود که سعی می‌کرد باعث ایجاد ناآرامی در ایران و سوریه شود و گروه‌های مختلف را ضد دولت‌های مرکزی آنها بشوراند؛ این مجله‌ها سعی می‌کرد اقلیت‌های ایران را ضد دولت مرکزی بشوراند و با این کار می‌خواست ثبات ایران را از داخل برهم زند و ایران را در مقابل جنگ‌های فراساحی کند و اینگونه بود که او پیش از ترک‌اری از این منصب، پیوسته و صراحتا در رسانه‌ها از این طرح سخن می‌گفت. مقام‌های عربستانی اخیر دریافته‌اند که روانه کردن تندروها به سوریه تبدیل به بزرگترین تهدید برای امنیت و ثبات داخلی خود عربستان شده است و بازداشت‌های گسترده اخیر در عربستان که طی آن ۲۵۰ نفر از کسانی که دارای ایدئولوژی داعشی بودند دستگیر شدند، تنها یکی از نمونه‌های این اشیاه راهبردی و تاثیر منفی آن در داخل عربستان بود.

در حال حاضر پنج کشور عربی در منطقه با مشکلات زیادی مواجه هستند و این روزها منطقه با چندین جنبه مواجه است؛ سوریه، عراق که، یمن، و مصر با مشکلات زیادی مواجه هستند و بهترین گزینه این است که، اما دیگر جنبه‌ای در محاسن با عدم تقسیم شدن ایران با کشورهای دیگر آغاز نمیکند و اگر جنگ کنونی با سرکوب شود، همزمان با شکست تروریست‌ها انتلاف شد با ایران وارد مذاکره شود و با آن به یک راه حل سیاسی برسد. عطوان در پایان می‌نویسد: تنها راه حل پیش روی سران کشورهای عربی منطقه، انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشورهای خود،برای تحقق عدالت اجتماعی و سیاسی و ایجاد فرصت‌های شغلی، از بین بردن فساد و شرکت دادن مردم در قدرت و تقسیم گیری برای کشورهایشان است، بازار اوباما رژیم جمهوری آمریکا رها نگفت که خطر داخلی در مقایسه با خطر خارجی بسیار بیشتر عربستان را تهدید می‌کند اما چه کسی از این سخن بدم می‌گیرد زیرا گوش شنوایی برای این پندها در کشورهای عربی وجود ندارد.

انصارالله و ارتش یمن شکست عملیات نظامی عربستان در عدن را اعلام کردند

و سختی مردم یمن و فجایی که به دنبال حملات هوایی آل سعود و محاصره ظالمانه این کشور بر سرشان آمده شرح داده شد. است.

در چنین شرایطی، درگیری‌ها میان افراد مسلح مورد حمایت نظامی سعودی با ارتش و کمیته‌های مردمی در شهر «اتمر» در جنوب یمن به «آش» در مرکز آمده دارد. در این میان، جنگنده‌های متجاوز عربستان سعودی شهر «العریش» در استان عدن را بمباران کرد. این کمیته نیز خبری غیر از گزارش شد، این جنگنده‌ها حمله‌های صدها، جبهه، و عمران را نیز هدف حملات شدید خود قرار دادند. جنگنده‌های عربستان همچنین مسجدی را در شرق عدن با بمباران پخش بمب بمباران کردند.از سوی دیگر، انفجار یک خودرویی به مصف گذاری ششده در نزدیکی مسجد «المؤید» در صنعا، پنج تن از جمله سه کودک کشته و هشت تن دیگر زخمی شدند. شاخه داعش در یمن مسئولیت این انفجار را برعهده گرفته است.

بحرین

کف‌الغفال بحرینی با ابراز اشتیاق شدید درباره شرایط سلامت کودکان در زندان‌های رژیم این کشور گفت: این حلیفه با شکستجه، ممانعت از مداوا و کشتن تدریجی معارضان راه نژادی برای سرکوب اعتراضات به کار گرفته است. «مهدی العطار» مسئول آتش آلی خلیفه پس از این پاکستانی استفاده از شهروندان اعتراضی مردمی در سال‌های اخیر تاکنون، با حمله به چهره‌های پاکستانی و بازداشت آنها، مسکب جدیدی برای پایان دادن به اعتراضات به کار گرفته است. از سوی دیگر، سفارت پاکستان در منامه شمار نیروهای کار کشورش در بحرین را ۱۰۰ هزار تن اعلام کرد و افزود، ۲۰ هزار پاکستانی در «وزارت کشور» بحرین شاعلی هستند. پیش از این پاکستانی استفاده از شهروندان پاکستانی برای سرکوب مخالفان بحرین را رد کرده بود، اما این بار «مقصود لایحه» در «ایران» و مستشار سفارت پاکستان در منامه تاکید کرد: تقریبا ۲۰ هزار پاکستانی در وزارت کشور در بخش امنیتی مشغول به کار هستند.

امارات

«خلیفه» این نهایان، رئیس امارات با صدور قانونی، توهین از بزرگترین میدان‌های شهر و با هدف اطلاع افکار عمومی آلمان و جهان از جنایات و کشتار انتلاف عربستان برزگاز شد. پروازکنندگان این نمایاشگاه به روبروه‌هایی را به زبان‌های مختلف و انگلیسی در میان بازدیدکنندگان توزیع کردند که در آن رنج

که سپتامبر آینده در نیویورک برگزار می‌شود.دنبال گفت:

خبردیگر اینکهدیدان حقوق بشر با انتشار گزارشی رژیم صهیونیستی را به استفاده از زور برای بازداشت و اعتراف گیری از کودکان فلسطینی متهم کرد. دیدبان حقوق بشر در گزارشی

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

افزود: براساس شهادت کودکانی که سال گذشته و در زمان تشدید تنش‌ها در قدس شرقی و کرانه باختری دستگیر شده بودند، مقامات اسرائیلی و افراد داخل خودروها بناشد به ۱۰ بازداشت‌شده کودکان و محل نگهداری آنها دیگر گران‌های آزادین قسام شایحه نظامی حماس بسا تاکید بر در اختیار

فرهنگ

چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نودم - شماره ۲۶۲۰۸



مقاله

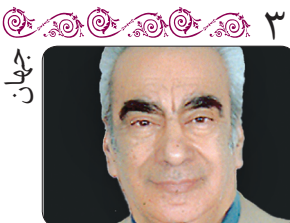
به قلم دکتر محمدعلی موحد
شمس تبریز



یاد استاد باستانی پاریزی
مردی که فراموش نمی شود



از خاطرات یک نسل
نوشتن درباره کودکی



زندگی فریدریش روکرت
گل های نایاب شرقی



معرفی کتاب «حقیقت و روش»
تاریخ، گرانیکاه علوم



گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن
بر مرز دو فرهنگ



از میراث طب سینوی
آب، انسان، زندگی



روایت رنه سیدیو از عصر یونانی

از این راه درصدد کسب ثروت بر می آیند. فرزندان کهنتر خانواده و شکست خوردگان مبارزات سیاسی تمدن خود را به نقاط دور از میهنشان می برند. بزودی دریانوردان یونانی می کوشند جانشین دریانوردان فنیقی که در شرف زوال اند بشوند. سراسر سواحل مدیترانه را مستعمره خود می سازند: از سوی شرق بیزانس را بنا می کنند، از تنگه بوسفور می گذرند در کرانه های دریای سیاه مستقر می شوند؛ از سوی جنوب اجازه تأسیس نمایندگی بازرگانی در مصر را بدست می آورند و شهر سیرن را در لیبی بنا می کنند؛ از سوی غرب به سیسیل رخنه می کنند و در آن جزیره به توسعه سیراکوز می پردازند و در ایتالیا که آن را «یونان بزرگ» می نامند به بنای شهری به نام پارتنوپ دست می زنند که بعدها ناپل نامیده می شود.

فوکایانین بندر ماسالیار احوادث می کنند که بعدها، مبدل به مارسی می شود و از آنجا پیتئاس بی باک برای ماجراجویی عازم سرزمین های مه آلود و اسرارآمیز شمالی می شود. یونانیان تا سواحل اسپانیا به دادوستد اشتغال می ورزند. می خرند، می فروشند، دوره گردی می کنند؛ قاچاق می کنند و سود سرشاری به جیب می زنند. اما بیگانگانی که با آنان معامله می کنند سود بیشتری می برند، چون تمدن می آموزند.

در خود یونان دهات مفلوک مبدل به شهرهای ثروتمند می شود. کورنت به شکل پایتخت در می آید، آژین واسطه معاملات بزرگ می شود، خیوس بازار برده فروشان است، پیره به قول ايسقراط «انباری است که در آن همه چیز به فراوانی یافت می شود». همه این ثروتها از دریا و ماوراء دریا می آید.

اما خاک یونان به نحو بی رحمانه ای عقیم باقی ماند. آتن در بهترین ادوار پیش از ثلث گندم مصرفی خود را تولید نمی کند. بنابراین با کندوها، درختان زیتون و انجیر نمی تواند رونق و قدرت بیابد. صنعت یونان کهنه و قدیمی است. صنعتگران با دست و ابزارهای آهنی ابتدائی، اهرمهای چوبی و دستگاههای دم چرمی برای آهن گذاری کار می کنند. جاده ها جز آثاری که از رد پای چهارپایان باقی مانده نیست، حمل بار بر پشت خر و قاطر صورت می گیرد و به علت فقدان یک سیستم عملی بسته بندی، بیشتر بارها را بر پشت انسان حمل می کنند.

ضمناً در دریا هم دشواری فراوان است. در حماسه هومری کسی در زمستان یا شب مبادرت به دریانوردی نمی کند، دریانوردان نمی گذارند ساحل از نظرشان دور شود، از رویارویی با تندآبها در تنگه ها پرهیز می کنند و سرنوشتشان در دست باد قرار دارد. ادامه در صفحه ۶

بزرگترین درس از تمدن که جهان در طول عمر خود دریافت کرده از سرزمین کوچکی است که در عین حال وضعیت جزیره و شبیه جزیره را دارد و در آن بالکانیهای خشن با مدیترانه تماس حاصل می کنند. یونان کشوری است کوهستانی، فقیر و آفتاب سوخته، بدون منابع کشاورزی و بدون تسهیلات صنعتی. اما بی مهری خاک را دریا جبران می کند. مدیترانه که در گذشته در کرانه های آن اقوامی به رونق و پیشرفت دست یافته اند موجب خوشبختی یونانیان می شود و آنان را دریانورد، دریازن و بازرگان بار می آورد. بر فراز دماغه های مرتفع یونان که تجاوزگران آخایائی با اهالی بومی آمیخته اند، نژادها باهم ترکیب می شوند: کرتیها نخست به تجارت با ناحیه آرگولی می پردازند و میسن که پرتو کمربندی از عظمت گذشته دارد پشت حصارهایش شاهد شکوفائی نخستین تمدن اروپایی می گردد. آئولیا و ایونیا که گروه های هند و اروپایی هستند به آخایائیها می پیوندند. دوریها نیز که از شاخه شمال اروپائی هستند به نوبه خود اقوامی را که پیش از آنان قدم به خاک یونان گذاشته اند کنار می زنند و به عنوان ارباب مستقر می شوند و بومیان را تحت انقیاد در می آورند - از قبیل اسپارتهایا - یا اینکه آنان را مجبور به مهاجرت می سازند. اما به کجا بروند؟ آخایائیها راهی جز دریا پیش رویشان ندارند و بدین جهت به استعمار کرانه های مدیترانه ای آسیای صغیر می پردازند.

ضمن مهاجرت با کسانی برخورد می کنند که سرزمینهای مورد نظرشان را اشغال کرده اند. جنگ افسانه ای تروا بی شک چیزی جز برخورد مهاجران آخایائی تحت رهبری آگاممنون اهل میسن با اقوام آسیائی نبوده است. آیا دقیقاً می دانیم شهر پریم در کجا واقع است؟ آیا می دانیم که هومر که سه یا چهار قرن بعد داستان حماسی مشهور این شهر را سروده یک شاعر نابغه بوده است یا یک آوازه خوان دوره گرد؟ احتمال می رود نام آشیل یادآوری و تلخیص آخایائیها بوده باشد. همچنین امکان دارد داستان اسب تروا مظهر پیدایش پیروزمندانه سوار کاران جنگجو در دورانی باشد که هنوز جز پیاده نظام و ارابه چیزی نمی شناخته اند. آنچه مسلم است یونانیها تحت فشار اقوام دوری و برای پرهیز از ازدیاد جمعیت در سرزمین بی حاصل خود، در جزایر دریای اژه و کرانه های آسیای صغیر پراکنده می شوند. شهرهایی که از این مهاجرت پدید می آیند فوکایا، افس، میله، امیزر، ساموس و غیره مبدل به کانونهای تمدن یونانی و مراکز بازرگانی می شوند. در آن هنگام یونان واقعی دیگر در خاک اروپا قرار ندارد. یونانیان راه دریا را یاد گرفته و از این پس

آموزه

آری، از توحش به تمدن
راهی دراز است اما از
تمدن به توحش گامی
بیش نیست!



ویل دورانت



کریم فیضی

اگر امواج نبودند

از همین جا، شما می توانید ملاحظه کنید که موج چیست و چه نقشی را در جهان امروز و گذران زندگی امروز برعهده دارد و تا کجا نفوذ کرده و صاحب حضور شده است.

واقعیت موج و حضور جدی و عملی آن در زندگی و حیات انسان امروز تا به آن حد رسمی و عمومی است که تقریباً بدون بهره مندی از شاخص ها و معیارها و شاخص های آن، ما حرفی برای گفتن نداریم. ابزار عبور سخن از شخصی به شخصی دیگر، امواجند و درجه های اتصال و ارتباط بی هیچ شبهه ای، یگانه راهشان باز امواجند.

بسیاری از الفاظ و معانی و بسیاری از مفاهیم جدید، میراث موجند، چون موجودیت بعد از آغاز خویش را مرهون موجند. فی المثل، اگر در مقام بحث از جهان و کیهان و عالم، سخن ما به برخی از موقف های فکری عمیق و دقیق رسید و خواستیم دیدگاه خویش را در جایی ثبت و ضبط کنیم و احیاناً آن را با دیدگاه فلان متفکر شرقی یا غربی، از جمله تالس ملطی مقایسه و تطبیق کنیم، در هر حال، باید موج را به یاد بیاوریم که به اشکال گوناگون، به هر حال، بخشی از امکان را مهیا ساخته است.

اگر ما در بحث دو به دو با دوست یا استاد یا شاگرد یا دشمنان به این نتیجه برسیم که حق با پوچگریان بود که عالم را بی معنی می دانستند یا حق با پیامبران الهی و صاحبان شرایع و حکماست که عالم را معنادار می دانند، در اینجا سخن ما و نتیجه ما، هر چه باشد، مدیون و مرهون موج است و اگر موج نمی بود، تا آن گروه یان سخن یا آن دیدگاه را از گذشته به امروز و از گردنه های ما قبل تاریخ به ما بعد تاریخ سوق بدهد. ما از چه چیزی می گفتیم؟ پوچگریان که بودند و حکما که بودند؟ سخنانشان چه بود؟ بی معنایی و با معنایی چه معنایی داشت؟ اصلاً خود سخن چه بود و چرا حرف می زدیم؟

به فرض که حرف می زدیم، چرا به جای این حرف و بحث از جهان و کیهان و کهکشان، چرا از گاو و گوسفند حرف نمی زدیم؟ بخشی از این مسائل، نشان دهنده این واقعیت است که ما، چه بدانیم و چه ندانیم، حتی در موضع فهم و ادراک و ارتباط برقرار کردن با الفاظ و معانی که ابزار ما برای اندیشیدن و رسیدن به مفاهیم و مواجهه با دیگری است، دقیقاً وامدار امواجیم.

اگر امواج نبودند، علم و اندیشه چگونه می توانست از امروز قرن بیست و یکم به گذشته های ماقبل تمدن مربوط شود؟ آیا بدون حضور و مداخله و نقش آفرینی موج، امکان سخن گفتن به این صورت وجود می داشت؟ آیا شرق و غرب مفهوم امروزی خویش را داشت؟ یا ادراک ما نسبت به گذشته و حال و آینده به این صورت بود؟ آیا می توانستیم صاحب منظومه الفاظ و افکاری باشیم که به بهره مندی از آتشی سخن را میزان کنیم و اندیشه های را بیان کنیم؟ آیا می توانستیم صاحب طبقه بندی های متعارف و دسته بندی های ضروری بشویم؟

آیا با نبود موج، انیشتین و زرتشت - فی المثل - یا علامه حلی و سینو به بگذاریم؟ آیا این امکان برای ما وجود می داشت که به آنچه که «قدر جامع» و «قدر مسلم» و «تعریف» و «نظریه» و «ثوری» خوانده می شود، دست پیدا کنیم و صاحب اصول موضوعه باشیم؟ باز بخشی از حقیقت داری، همین مسائل نشان می دهد که...



اقتصاد

ترجمه: صالح واحدی

جهان توسعه یافته

پیشرفت اقتصادی، آلت گرین اسپن/۷

الکل ذرت گران قیمت است و قابلیت آن برای گرفتن جای بنزین کم است. بنابراین امروزه چندان قابل استفاده نیست. یک باشل ذرت حدود ۳۰ لیتر الکل به دست می‌دهد و این بدان معناست که کل ۱۱ میلیارد باشل ذرت تولیدی آمریکا در سال ۲۰۰۶ قابلیت تبدیل به ۵/۲ میلیون بشکه الکل در روز را دارد. چنین حجمی از اتانول می‌تواند جایگزین روزانه ۳/۹ میلیون بشکه بنزین شود که فقط معادل یک سوم مصرف روزانه وسایط نقلیه آمریکا و کمتر از یک پنجم مصرف ۲۱ میلیون بشکه‌ای سوخت این کشور در سال ۲۰۰۶ است.

تازه اگر همه ذرت تولیدی خود را در ایسن راه به کار گیریم که در آن صورت همه دام‌های مان نیز از گرسنگی خواهند مرد، تولید الکل سلولزی از بازمانده محصولات کشاورزی موضوع قابل تأمل تری است. در مطالعه‌ای که مشترکا توسط وزارت کشاورزی و وزارت انرژی آمریکا انجام شده تخمین زده شده که تولید سوخت از محصولات کشاورزی یا موجودات زنده می‌تواند تا یک سوم مصرف نفت فعلی ما را پاسخگو باشد. دیگر کشورها نیز می‌توانند با تولید سوخت از منابعی نظیر روغن‌های گیاهی و منابع مشابه نیاز به نفت اوپک را کاهش دهند. حال اگر در استفاده از الکل توفیقی حاصل نشود و قیمت بنزین هم همچنان بالا باشد، استفاده از موتورهای دوگانه سوز قابل شارژ جای خود را باز خواهد کرد. تکنولوژی باتری هم به تدریج ارتقا می‌یابد. اکنون انرژی الکتریسیته فراوانی تولید می‌شود که می‌توان از آن برای شارژ باتری وسایط نقلیه دارای این تکنولوژی استفاده کرد و اگر قیمت الکتریسیته برای ساعات اوج مصرف افزایش یابد، طبیعتا انرژی بیشتری در دسترس خواهد بود. به علاوه اگر ترس ما از انرژی هسته‌ای ریخته شود دیگر نباید نگران باشیم که تأسیسات تولید برق که سوخت فسیلی مصرف می‌کنند موجب آلودگی محیط زیست شوند.

اتومبیل‌های دوگانه سوز معمولی، اتومبیل‌هایی که با الکل سلولزی کار می‌کنند و اتومبیل‌های دارای باتری شارژی می‌توانند جلوی اتلاف بسیار نفت در بزرگراه‌های آمریکا را بگیرند. افزایش رانندمان موتورهای گازوئیلی نیز می‌تواند به کاهش مصرف سوخت بیانجامد. اما سرعت گرفتن این روند انتقالی منوط به عرضه بسیار زیادتر الکل سلولزی یا افزایش شدید قیمت بنزین است. وضع مالیات‌های جدید بر مصرف بنزین هم عامل کمی خواهد بود. این نظر وجود دارد که افزایش مالیات بر مصرف بنزین به لحاظ سیاسی غیرممکن است. اما من معتقدم که بعضی وقت‌ها وظیفه رهبران سیاسی این است که عملکرد غلط جامعه را برای مردم و نمایندگان آنها روش کنند و اگر چنین نکنند دیگر شایسته نام رهبران جامعه نیستند. وضع مالیات بر بنزین به ویژه اگر در یک دوره چند ساله شکل بگیرد، فشار سنگینی بر مردم وارد نخواهد کرد.

هزینه‌های سوخت اتومبیل برای خانواده‌های آمریکایی در ابتدای سال ۲۰۰۷ سه درصد کل درآمد آنها و معادل نسبت مذکور طی سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۳ بوده که بسیار پایین‌تر از نسبت تحمیل شده ۴/۵ درصدی طی بحران دهه ۱۹۸۰ بوده است. حتی وقتی در جولای ۲۰۰۶ هر گالن رشد بی‌سابقه ۳ دلاری را تجربه کرد، باز هم نسبت هزینه سوخت به درآمد افراد از ۳/۸ درصد تجاوز نکرد. با این همه آمریکایی‌ها به قیمت بنزین بسیار حساس هستند و وقتی افزایش می‌یابد اعتراض و شکایت می‌کنند. آنها شکایت می‌کنند، اما همچنان پشت فرمان اتومبیل می‌نشینند و می‌رانند. آنها در مقابل افزایش قیمت بنزین فقط مدت کوتاهی سعی می‌کنند کمتر از اتومبیل خود استفاده کنند اما کمی بعد همه چیز طبق روال گذشته پیش می‌رود. میانگین استفاده از اتومبیل برای هر آمریکایی که در دهه ۱۹۸۰ معادل ۱۰۵۰۰ مایل در سال بوده، در سال ۲۰۰۶ به ۱۴۸۰۰ مایل رسیده که رشد سالیانه ۱/۳ درصدی را نشان می‌دهد.

بعد از سال ۲۰۰۲ که رشد قیمت بنزین خیلی سریع بوده هم میزان استفاده از اتومبیل ۰/۲ درصد رشد داشته است. البته استفاده

از اتومبیل‌هایی که مصرف کمتری دارند نیز رو به گسترش بوده که این خود منجر به کاهش مصرف در هر واحد پیمایش شده است. مردم باید بدانند تا زمانی که ایالات متحده نیازمند منابع نفت و گاز کشورهایی است که چندان با ما دوست نیستند، ما از محلی که تحت کنترل خودمان نیست در معرض آسیب قرار داریم. نفت در جهان امروز نقشی بسیار کلیدی دارد و کاهش ناگهانی در عرضه آن می‌تواند به اقتصاد ما و سایر کشورها آسیب بزند. بنابراین امنیت ملی ما اقتضا می‌کند که طوری برنامه بریزیم که کمتر به نفت وابسته باشیم و به عبارت دیگر، نفت یکی از منابع مورد نظر ما باشد و نه منبع منحصر به فرد و غیرقابل جایگزین. امروز اقتصاد جهان منابع عظیم انرژی را می‌بلعد. به رغم اینکه منابع نفت و سایر اشکال انرژی محدود است، پیش‌بینی می‌شود که مصرف آن به ازای هر یک دلار تولید در جهان در بیست و پنج سال آینده همچنان مانند ۲۵ سال گذشته روند افزایشی داشته و به سطح یک چهارم تا دو پنجم بیش از سطح مصرف امروز برسد. بیشتر این نفت هم باید از منطقه‌ای تأمین شود که ثبات سیاسی چندان ندارد، آن چنان که تاکنون دیده‌ایم. وقتی جریان نفت نامطمئن باشد، کشورهایی که اقتصاد آنها و شهروندان آنها وابستگی زیادی به سوخت دارند باید چه کنند؟

جهان توسعه یافته به مسائل سیاسی خاورمیانه توجه زیادی نشان می‌دهد و این دقیقا با امنیت نفت ارتباط دارد. عکس‌العمل نسبت به تلاش مصدق نخست وزیر سابق ایران برای ملی کردن نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۵۱ و سرنگونی او و یا اقدام یاکام



تلاش مصدق برای ملی کردن نفت ایران در سال ۱۹۵۱ و سرنگونی او و اقدام انگلیس و فرانسه برای جلوگیری از تسلط عبدالناصر بر کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ دو مثال تاریخی مهم در این ماجراست

انگلیس و فرانسه برای جلوگیری از تسلط عبدالناصر بر شاهراه کلیدی انتقال نفت (کانال سوئز) در سال ۱۹۵۶ دو مثال تاریخی مهم در این ماجراست. رهبران آمریکا و انگلیس نیز در دامن زدن به هراس از سلاح‌های کشتار جمعی در عراق تحت حکومت صدام حسین، نگران هرج و مرج در منطقه‌ای از دنیا بودند که اقتصاد دنیا به آن وابسته است. از نظر سیاسی من متأسفم به چیزی اذعان کنم که همگان از آن اطلاع دارند: «جنگ عراق عمدتا به خاطر نفت بود!» بنابراین هر گونه برنامه‌ریزی در مورد عرضه و تقاضای جهانی نفت اگر بتواند با در نظر گرفتن نقش هر چه کمتر برای خاورمیانه انجام شود در حقیقت عین دوراندیشی و اجتناب از به بازی گرفتن یک گوریل ۴۰۰ کیلویی است که می‌تواند اقتصاد جهان را به زمین بزند. من ادعا نمی‌کنم که می‌دانم چگونه می‌توان آرامش را در خاورمیانه برقرار کرد، اما می‌دانم که آینده خاورمیانه نقش مهمی در هر گونه برنامه‌ریزی برای آینده بازار انرژی دارد. حتی اگر مصرف انرژی نیز کاهش یابد، باز هم یک بحران نفتی می‌تواند خسارتی سنگین بر اقتصاد جهان وارد کند. تا زمانی که ما نتوانیم از بند آنچه جورج دبلیو بوش آن را «اعتیاد به نفت» می‌خواند رها شویم ثبات اقتصادهای ملی و بالمآل اقتصاد جهانی در معرض ریسک قرار دارد.

برگرفته از: «عصر تلامط»

نوشتنی درباره کودکی

آرش تبریزی

ناصر! پاشو... پاشو... بدو، بدو بابا... بیدار شو پسر. اینقدر نخواب!

می‌شنوم که کسی صدایم می‌زند و می‌خواهد بیدار شوم. اتاق تاریک است. صدای «بارک‌الله پسر، پاشو» را میان خواب و بیداری می‌شنوم ولی هنوز جایی را نمی‌بینم، چون جایی روشن نیست. به شدت خوابم می‌آید ولی پدرم اصرار دارد بیدار شوم. چشم‌هایم بسته است و عقلم خواب‌آلود. با گرم شدن چشم‌هایم، دوباره به خواب می‌روم اما پدرم نمی‌خواهد بخوابم: ...!...! دخترها بهت می‌خندن‌ها! پاشو... دیر میشه‌ها. فکر می‌کنم که اگر دیر بشود، چه می‌شود. پدرم این بار به صدا زدن بسنده نمی‌کند. با دست‌های بزرگش تکانه می‌دهد، لحاف را از رویم کنار می‌زند و می‌گوید: اگه دیر بشه، شلوغ میشه، اون وقت تا خود صبح باید وایسی توی نوبت.

چاره‌ای جز بیدار شدن ندارم. برمی‌خیزم و در جای خودم می‌نشینم. خواب از سر و صورتم می‌بارد. پدرم کلید لامپ را می‌زند و با روشن شدن لامپ، چشم‌هایش جز جز می‌کند. انگار لامپ را توی چشم‌هایم فرو کرده‌اند. پدرم که این حالت را می‌شناسد، می‌گوید: یک خورده چشاتو ببندی، خوب میشه. چشم‌هایم را می‌بندم و بعد با فرمان پدرم بازش می‌کنم. جز من و او کسی بیدار نیست. مادرم در آن طرف اتاق خوابیده و خواهر شیرخوارام زهرآرام در کنارش به خواب رفته است. باز ماندن دهانش زیبایی خوابش را دوچندان کرده است. بعد هم دیگر خواهرانم ردیف در کنار هم خوابند. راحله طبق معمول در جایش نیست. او راحت نمی‌خوابد. پدرم می‌گوید: مثل بچه آدم که نمی‌خوابد، توی خواب با لحاف و تشک کشتی می‌گیرد و به گوشه‌ای دیگر پرت می‌شود.

نمی‌دانم این چندمین بار است که نیمه‌شب، قبل از طلوع آفتاب توسط پدرم از خواب ناز کنده می‌شوم تا بروم نانوائی و سنگک بخرم. تا آنجا که یادم می‌آید از مدتها پیش کارم همین است که بیخواب شوم و خواب‌آلوده بلوز و کاپشن بپوشم، بروم نانوائی. قبل از من پدرم این بلا را سسر پروین می‌آورد ولی مادرم بعد از اینکه پروین گفت از تاریکی می‌ترسد، نگذاشت دخترش بیخواب و پریشان شود. پدرم هنوز اصرار داشت که پروین باید این کار را بکند ولی مادرم حرفی زد که پدرم بی‌خیال شد و افتاد به جان خواب من. گفت: مرد! تو با این هیکل درشت خجالت نمی‌کشی یک دختر را نصف شب می‌فرستی تا برایت سنگک بخرد؟ فکر نمی‌کنی اتفاقی می‌افتد؟ دختر بچه را نصف شب می‌فرستن توی کوچه؟

از آن روز به بعد، فرشته عذاب از دوش پروین برخاسته و روی سر من نشسته است. خوشم نمی‌آید بیخواب شوم و بجای بستر گرم و نرم، توی هوای سرد، در تاریکی بروم سنگک بخرم. کار راحتی نیست. خوشایندم نیست. تازه سنگک آنجا آماده نیست تا بروم چند عددش را تا کنم و جمع کنم بیاورم، بلکه نوبتی است و صف دارد. کمی که دیر می‌رسم می‌شوم بعد از نفر پنجم. تا پنجم خوب است. زود نان می‌رسد ولی بعد از نفر پنجم مکافات دارد، چون زن‌ها هم می‌آیند، کسانی که یکدانه و دوتایی هستند هم سروکله‌شان پیدا می‌شود و یکدفعه نانوائی شلوغ می‌شود و حالا حالاها باید بایستم و صبر کنم. در این وسط گاهی اصلا معلوم نمی‌شود نان‌هایی که پخته می‌شود و جلوی چشم همه از تنور درمی‌آید، در آن پشت‌مشت‌ها چه می‌شود. حاج یدالله که صاحب نانوائی است، مغرورتر و خودسری‌تر از آن است که از نگاه‌های پرسشگر مردان و زنان و بچه‌هایی چون من که جرأت نداریم از حق خودمان دفاع کنیم، شرم کند و انتظار کشندگان را روانه کند، نه فلان فامیل خودش را و نه فلان کبابی و فلان کله‌پاچه‌پز را.

از بخت بد ما، حاج یدالله از معدود نانواهای محله شلوغ و پرجمعیت ماست و تنها سنگکی منطقه است. به‌طور کلی، نانوائی کمی در دور و اطراف کار می‌کند. به همین جهت همه نانوائی‌ها همیشه خدا شلوغند و از کله سحر که زمان نان گرفتن من است تا بوق شب، همیشه جلوی آنها صف بسته است. در این میان مغازه حاج یدالله از همه جاشلوغ‌تر است. با اینکه کیفیت نان‌هایش خوب نیست و هر روز بدتر هم می‌شود، ولی مردم از روی ناچاری می‌آیند و به صف می‌ایستند می‌خرند و می‌برند، بی‌آنکه کسی حرفی بزند. یدالله که تا سال قبل مشهدی یدالله بود، آدم خاصی است. قیافه نخراشیده و نتراشیده‌ای دارد. صورتش میان خنده و گریه در نوسان است. از آدم‌هایی است که نمی‌توان بهشان نزدیک شد و انس پیدا کرد. همیشه قیافه می‌گیرد و حرف نمی‌زند. انگار پسرش مرده است. پسرانش را می‌شناسم. همه می‌شناسند...

ادامه دارد



شهرام تقی زاده انصاری

زندگی فریدریش روکرت گل‌های نایاب شرقی



شهرام تقی زاده انصاری

فراموش نکنیم که هامر پورگشتال روکرت را به رشته مطالعات شرقی راهنمایی کرد و در سال ۱۸۲۶ هم او را به عنوان نامزد کرسی استادی دانشگاه اولانگن معرفی کرد.

در ترجمه‌هایی که این شاعر استاد از زبان‌های هندوستان به عمل آورده نیز باید گفت که ترجمه‌های منظومی خوب‌تر و کامل‌العیارتر از آنها نمی‌توان تصور کرد. اما با وجود این تراجم منظومی که متجاوز از ۱۰۰/۰۰۰ بیت است، شهرت اصلی روکرت نتیجه ترجمه‌هایی است که از زبان فارسی به زبان مادری خود به عمل آورده است.

خانم پروفیسور آنه ماری شیمل می‌نویسد: «در سال ۱۸۲۰ روکرت مجموعه دلاویزی از غزل‌های به نام مولانا جلال‌الدین رومی شامل ۴۴ غزل را نشر کرد. گرچه این رساله را نمی‌توان ترجمه حقیقی شمرد - زیرا قسمتی از آنها مستند به ترجمه‌های هامر پورگشتال است - ولی روحیه آن عارف بزرگ و نغمه عشق ازلی او را به کمال وضوح برای خوانندگان غربی آشکار می‌سازد. در این اشعار دلکش بود که شاعر دانشمند برای نخستین بار طرز گفتن «غزل» را در زبان آلمانی به کار برد. سپس آن را در آثار دیگر خود تکرار نمود تا آنجا که این طرز از شیوه‌های معروف و مقبول در ادبیات آلمانی گردید.»

دو سال بعد روکرت شاعر دانشمندی که عشق نامتناهی مولوی را در شعر آلمانی نشانده و به هم‌وطنان خود هدیه کرده بود، گلدسته دیگری به نام «گل‌های شرقی» نشر کرد که از

دیوان حافظ شیرازی ملهم بود و ظرافت و لطافت گفتار و افکار وی را کاملاً منعکس می‌نمود. حافظ برای روکرت «هم صحبت دیرینه» ای بود که روکرت از خواندن اشعار او هیچ سیر نمی‌شد. چندین سال بعد از نشر مجموعه مزبور شاعر دانشمند آلمانی باز تقریباً ۸۰ غزل و ۳۰ رباعی از دیوان شاعر شیرازی را که گوته فریفته او بود، به نظم ترجمه کرد و این ترجمه مکمل‌ترین و معتبرترین ترجمه اشعار حافظ در زبان آلمانی است. هرچند این ترجمه نفیس فقط بعد از وفات مترجم و به دست یکی از شاگردان آن شاعر زیر دست در رساله‌ای که اکنون نایاب است به طبع رسید.

شکی نیست که شاهنامه فردوسی که متن فارسی آن در بدایت قرن نوزدهم چاپ شده بود، بی‌اندازه مطبوع طبع روکرت واقع شد و سال‌های سال روکرت به مطالعه آن مشغول بود. در سال ۱۸۳۸ داستان مشهور «کشتن رستم سهراب» را به صورت یک قصه منظوم حزین دل‌نشین به زبان آلمانی انشاء کرد.

پس از آن، کتاب معظم فردوسی را از آغاز تا انجام به نظم فصیح آلمانی ترجمه نمود و حواشی مفیدی نیز بر این اثر حیرت آور اضافه کرد. وی در عین آنکه به ترجمه فردوسی سرگرم بود، اشعار شیخ سعدی شیرازی توجه این شاعر کوشا را به خود جلب کرد و ترجمه‌های منظوم از غزلیات متفرق و قصاید گزیده سعدی را که هم از دیوان و هم از صاحب‌نامه انتخاب کرده بود، تماماً «و اشعار گلستان را قسماً» به نظم آلمانی در آورد. روکرت به اشعار اخلاقی تمایل داشت و بدین سبب آثار سعدی را سخت می‌پسندید.

لیکن همه این تراجم آبداری که این شاعر هنرمند از ادبیات فارسی فراهم کرد در مدت حیات وی به طبع نرسید، زیرا فقط نفس ترجمه کردن و شعر گفتن و تحقیق علمی بود که روکرت را خشنود می‌کرد، و گرنه به گزارش‌های ناشرین برای نشر آثارش رغبت

چندانی نشان نمی‌داد. وی با روانی طبع و سهولتی که در شعر گفتن داشت، گاهی آثار قدیم خود را فراموش می‌کرد و نسبت به ثمرات اشتغالات خود اهمال می‌ورزید. این رویه موجب آن شد که آن ترجمه‌های بی‌نظیر فقط بعد از وفات شاعر به طبع رسید و هنوز نیز بسا نسخه‌های خطی در متروکات او می‌توان یافت که برای نشر در انتظار اقدام عالمی زبان شناس است. اما وی قسمتی از ترجمه غزلیات و قطعه‌های مولانا جامی را که از مخطوطات محفوظ در کتابخانه گوتا استنساخ کرده بود و از تراجم زیبا و دل‌انگیز او به شمار می‌رود در سال‌های ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۲ در مجلات شرق‌شناسی آلمانی نشر کرد. گذشته از اینها در آثار پراکنده روکرت و هم‌چنین در اوراقی که از وی به جا مانده است تراجم بسیار شاعرانه‌ای از اشعار حماسی نظامی یافت می‌شود.

این دانشمند خستگی ناپذیر از ترجمه اشعار محلی نیز، مثلاً دوبیتی‌های گیلان و ترانه‌های مازندران، غفلت ننموده است. یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب‌های روکرت ترجمه و شرح باب هفتم کتاب «هفت قلزم» است که رساله‌ای فارسی در علم عروض و معانی و بیان است که در هندوستان نوشته شده و در آن آگاهی روکرت به دقیق‌ترین مسائل علم بدیع و فنون نظم نمایان می‌شود.

قسمتی از ترجمه گزیده قرآن روکرت در سال ۱۸۸۸ منتشر شد. او در آن سعی کرده است، قدرت شعری و جلای زبان شرقی را حفظ کرده و برای نخستین بار، خصوصیت شعری قرآن را در ادبیات زبان آلمانی ارایه دهد. روکرت آن کوکب پر نور آسمان شرق‌شناسی و آن در فرید

عقد شاعران آلمانی با ترجمه‌های خود، گزیده‌ترین آثار شعر فارسی را در دسترس ملل آلمانی قرار داده است. زیبایی این ترجمه‌ها با وجود کمال دقت در حفظ معنی و رعایت صورت شعر اصلی به راستی محیر العقول است، و باید گفت تاکنون هیچ شاعری و هیچ عالمی در زیر این گنبد فیروزه گون به ایجاد نظیر آنها توفیق نیافته است.

حال اگر سؤال شود که مقصود دانشمند زبان‌شناس معتبری چون روکرت از این ترجمه‌های بی‌شمار چه بود می‌گوئیم: مقصود او نشان دادن وحدت اصل نوع بشر بود. زیرا در نظرو اشعار زبان‌های گوناگون دنیا به گوش مردم عارف زبانی واحد است. زبانی ازلی که در ازل در فردوس خوانده‌اند، نغمه‌ای ابدی که در آن احساسات جاوید مردمان را سرود ماند. شناختن شعر ملی شناختن روح آن ملت است. تنها وسیله مطمئن برای ایجاد دوستی و تفاهم میان ملت‌ها و اقوام عالم کلام شاعران است. بدین سبب بود که روکرت، آن دانشمند عالی‌قدر و شاعر توانا، طبع بلند و علم وسیع خود را برای خدمت به شعر عالم وقف کرد و به طوری که خود تأکید کرده است در هر بیت فارسی یا عربی که از آن شعر نوی در زبان آلمانی به وجود می‌آورد، قدم کوچکی در تحکیم تفاهم میان اقوام و ملت‌ها می‌دید.»

اکنون که ۲۲۵ سال از تولد آن شاعر بلند پایه می‌گذرد، شایسته است که پیام او را از نویشتن تا دوستان ما در مشرق زمین، عظمت خدمت‌های روکرت را در شناساندن فرهنگ شرق در اروپا بشناسند تا ملل آلمانی زبان از برکت ترجمه‌های او عظمت فرهنگ اسلامی و جمال شعر فارسی را دریابند.

منابع: دایرة المعارف مستشرقان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه صالح طباطبایی، روزنه، ۱۳۷۷/۱۳۷۷ Ruckert and Friedrich Ruckert, ۱۹۶۷, seine Werke, Frankfurt ubersetzungen, Persischer Poesie, Annemarie Otto, H. ۱۹۶۶, Schimmel

آب انسان، زندگی از میراث طب سینوی/ ۱۲



ترجمه: ملک زاده

شیخ رئیس ابن سینا می‌گوید: یکی از انواع آبهای مطلوب آب باران است، به ویژه بارانی که در تابستان می‌آید و از ابرهای همراه غرش رعد ناشی می‌شود. بارانی که از ابرهای همراه با بادهای توفانی حاصل می‌شود بوسیله بخار مولد و ابر بارنده تیرگی و گوهر نایش نایاب می‌گردد و در آن کدورت بوجود می‌آید. آب باران با اینکه از آبهای

مطلوب است خیلی زود متعفن می‌شود، زیرا این آب بسیار لطیف است و تبه‌کنندگان خاکی و هوایی در آن زود تأثیر می‌گذارند و تعفن در آن راه می‌یابد. اگر آب متعفن شود اخلاط را در بدن به عفونت دچار می‌سازد و با سینه و صدا ناسازگار است. گروهی معتقدند تعفن سریع آب باران از آن است که باران زاده بخاری است که از رطوبتهای گوناگون از زمین بر می‌خیزد و مجدداً به زمین بر می‌گردد. اگر پندار آنان درست بود و منشاء باران همان بود که آنها می‌گویند آب باران جزو آبهای نامطلوب بود و کسی آن را نمی‌ستود. گفتار آنان درست نیست. علت تعفن سریع آب باران لطافت گوهر است و هر لطیف گوهری برای تعفن آمادگی کامل دارد. اگر آب باران را بی‌درنگ بجوشانند تعفن را کمتر پذیرا خواهد بود.

اگر کسی موقعی بناچار آب باران متعفن را بنوشد و مواد ترش (حموضات) در پی آن بخورد زبانی بدو نمی‌رسد.

آب چاه و قنات در مقایسه با آب سرچشمه نامطلوب به شمار می‌رود، چه این آب مدت‌ها در دل خاک زندانی بوده است، با خاکی‌ها آمیخته است و مواد متعفن در آن وارد شده است. این آب بوسیله نیروی بازوی انسان و با بکار بردن فن و حيله به بیرن تراویده است. آبی نیست که دارای نیروی جهش و حرکت بطرف سطح زمین باشد. بدین نوع این آبها آبی است که در لوله‌های سربی جریانش داده‌اند. سرب از نیروی آب میکاهد و غالباً سبب قرچه روده می‌شود.

آب نرئز (آب تراوشی غیرچشمه) بدتر از آب چاه است زیرا معمولاً چاه‌ها را لارویی می‌کنند و جوشانی آن را تازه می‌گردانند و این آب در حرکت پایدار است و در مخزن خود زیاد راکد نیست و مدت زیادی در خلل و فرج زمین نمی‌ماند. لیکن آب نرئز در خلل و فرج زمین‌های گندیده زیاد می‌ماند و با حرکت آرام به سطح زمین میرسد. بیرون آورنده آن فقط انبوهی آب است و نیروی جریان دهنده چشمه آنرا خارج نکرده است. آب نرئز همیشه از زمین‌های متعفن منشاء می‌گیرد.

آبهای برفی و یخی غلیظ هستند. آبهای میان‌بیشه‌های انبوه بویژه آنهایی که با هوا تماس دارند نامطلوب و سنگین می‌باشند. این آبها که در زمستان بر اثر برف سرد می‌شوند موجد بلغم می‌گردند و در تابستان که بر اثر حرارت خورشید گرم و متعفن می‌شوند بیماری مراره را بوجود می‌آورند. و از آنجا که آبهای غلیظ هستند و آمیزه خاکی دارند و لطیف آنها تحلیل رفته است کسانی که آنها را مینوشند ممکن است به بیماریهای طحال، تنگی مراق، متوقف گشتن

احشاء و شکستگی یا سستی در دست و پا و کتف و گردن دچار گردند. کسی که این نوع آب را می‌نوشد اشتهای غذا بر او چیره می‌شود، تشنگی زیاد روی می‌آورد، شکم وی بند می‌آید و بدشواری تخلیه مبتلا می‌شود و چه بسا به بیماری استسقاء نیز گرفتار می‌گردد، زیرا مواد آبکی در آنها محبوس می‌شود؛ حتی ممکن است به ذات الریه و

لیز خوردن امعاء و طحال مبتلا شود و پاهای او باریک و کبدش ناتوان گردد. این مبتلایان به سبب بیماری طحال کمتر غذا را می‌پذیرند. شاید هم بر اثر این آبها، دیوانگی و بواسیر و شکم فروهشتگی و ورم‌های نرم به ویژه در موسم تابستان پیدا شود.

زنانی که این نوع آب را می‌خورند در حالت بارداری و زایمان درد زیاد می‌کشند و جنین‌های باد کرده می‌زایند. بارداری دروغین در آنها زیاد دیده می‌شود.

خردسالان با مصرف این آب به ادرار بول و بزرگسالان به شکم‌گندگی و دملهای ساق دچار می‌شوند و این دملها شفا نمی‌یابند. در این اشخاص اشتها زیاد، اسهال دشوار و آنهم با درد و زخم احشاء همراه می‌باشد؛ تب چهار روزه (ربع) و در پیران تب سوزنده پیدا می‌شود زیرا پیران مزاج و شکم خشک دارند.

آب راکد از هر نوع که باشد برای معده نامساعد است. آبی که تازه از چشمه می‌جوشد مانند آب راکد است و تنها امتیازش نسبت به آن در این است که آب چشمه دریک جا زیاد نمی‌ماند. آب چشمه تا موقعی که به جریان نیفتاده است حتماً نوعی سنگینی دارد و ممکن است در آب تازه از چشمه آمده خاصیت قبض‌کنندگی باشد. چنین آبی در درون بسیار زود گرم می‌شود و برای اشخاص تبار و بیماران مراره ناسازگار است، لیکن در بیماریهایی که نیاز به بند آمدگی یا پخته گشتن مواد هست مطلوب می‌باشد.

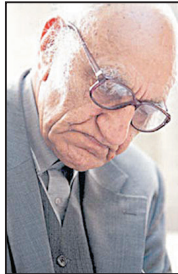
آبی که با گوهر معدنی آمیخته است و یا بسترش معدنی است و آبی که در آن زالو وجود دارد بسیار نامطلوب است. در برخی از این آبهای فوایدی نیز نهفته است: مثلاً آبی که با گوهر معدنی آمیخته است و در آن گوهر آهن چیرگی دارد احشاء را تقویت می‌کند و بیماری ذرب (اسهال با منشاء معدی) را متوقف می‌سازد؛ چنین آبی اشتها را برمی‌انگیزد. درباره این آبها و عوامل همراه آنها بعداً سخن خواهیم گفت.

یخ و برف اگر پاکیزه باشند و با نیروی نامطلوب نیامیزند وقتی ذوب می‌شوند و یا آب را بوسیله آنها از بیرون سرد می‌گردانند و یا آنها را در آب می‌اندازند زبانی ندارند. آبهای برفی و یخی در هیچ مرحله‌ای باهم تفاوت زیادی ندارند، لیکن از سایر آبها سنگین‌ترند و برای درد اعصاب مناسب نیستند. آب برف نیز اگر جوشانده شود مطلوب می‌گردد. لیکن اگر یخ از آب نامطلوب باشد و یا برف بعد از نزول در زمین با نیروی بیگانه برخورد کند بهتر آن است که برای سرد کردن آب بوسیله آن، آبراز از برخورد مستقیم با آن حفظ کرد. ادامه دارد

یاد استاد باستانی‌پاریزی – ۱

مردی که فراموش نمی‌شود

کاظم آذری سیسی؛ پنجم فروردین ماه ۱۳۹۳ بود. هنوز تعطیلات عید پایان نیافته بود، تک و تنها در خانه، خودم را با ویژه‌نامه‌های نوروزی مطبوعات سرگرم کرده بودم. طرف‌های عصر حوصله‌ام سر رفت. به خودم گفتم بروم سساعتی را در فضای روحانی صحن شیخ محمود شبستری بگذرانم شاید کمی به آرامش برسم. وقتی از درب اصلی صحن آرامگاه شیخ، وارد می‌شدم پشت سرم سه چهار تا بقول جوانها پیامک رسید. اهمیت ندادم. اول سر قبر شیخ رفتم و فاتحه‌ای برایش خواندم، بعد در گوشه‌ای در صحن آرامگاه نشستم.



آرامگاه شیخ خلوت بود تک و توک مسافر برای زیارت قبر شیخ آمده بودند بعد از چندی که در فضای آرامگاه آسودم به طرف درب خروجی روانه شدم در همان لحظه هم چند تا پیامک دیگر رسید. بی اختیار دستم به طرف تلفن همراه رفتم و پیام‌ها را خواندم. پنج تا پیام پشت سرم از دوستان تهرانی ام بود که «باستانی‌پاریزی به لقائالله پیوست» در همانجا انا لاهی خواندم و نشستم. دوستان تهرانی ام می‌دانستند که من یکی از ارادتمندان استاد پاریزی هستم. لحظه غم انگیزی بود. به خودم گفتم: از این به بعد چه کسی تاریخ ایران را روایت خواهد کرد؟

برگشتم به طرف صحن، وقتی از جلو سالن سخنرانی رد می‌شدم درش بسته و از شیشه درب، تریون سالن سخنرانی پیدا بود. زمانی را به خاطر آوردم در سال ۱۳۸۷، استاد باستانی پشت همین تریون به مناسبت بزرگداشت عارف ربانی، شیخ محمود شبستری سخنرانی می‌کرد. در این سخنرانی بود که گفتند: «شیخ محمود شبستری مدت‌ها ساکن کرمان بود و داماد کرمانی‌هاست».

در آن موقع من برای اولیسن بار بود که این موضوع را از زبان استاد باستانی می‌شنیدم و تا آن موقع در هیچ یک از کتاب‌ها و مقاله‌هایش این مطلب را نخوانده بودم و به نظر رسید این بیشتر به عادت معهود ایشان برمی گشت که بعضی از روایت‌های تاریخی در کتاب‌ها و مقالاتش و به نحوی چه با ربط و چه بی ربط گریزی به تاریخ کرمان می‌زد.

وقتی سخنرانی اش تمام شد و از پشت تریون پایین آمد مردم دور و برشان را گرفتند و بیشتر جوانان دلشجو، مرا باش فکر می‌کردم که در این جمع فقط

ترجمه حمید بهشتی: حقیقت و روش به آلمانی (Wahrheit und Methode)یکی از برجسته‌ترین و فاخرترین آثارهانس گئورگ گادامر، فیلسوف شهر آلمانی است. این کتاب که چاپ نخست آن در سال ۱۹۶۰ از سوی انتشارات Tübingen روانهٔ بازار شد، واکنشی بود به روش‌های پوزیتیویستی مدرنیته که از سوی دانشمندان علوم طبیعی (Naturwissenschaften) به مثابهٔ یگانه روش درست و موثق برای شناخت جهان پیرامون پشتیبانی می‌شد. دانشمندان علوم طبیعی که با بکار بردن روشهای آزمایشگاهی به نتایج درخشان و دستاوردهای علمی سست‌گرکی دست یافته بودند، باد در غیغ انداختند و از اواخر سدهٔ نوزدهم تا میانه‌های سدهٔ نوزدهم، پوزیتیوسم را به عنوان یک روش جهانی و مطلق ترویج دادند. علوم انسانی (Geisteswissenschaften)، در این میان بواسطهٔ ضدیت با مکتب‌های مدرسی و شیوه‌های کلیسایی و نیز ذهنیت مخدوش از قرون وسطا، بکلی از گردونهٔ شناخت و حتی اعتبار خارج شد؛ انتظار دانشمندان این روزگارانه، این بود که هر شناختی باید در هر زمان و مکانی در این گرهٔ خاکی، یکسان، پیش‌بینی‌پذیر و قابل تعمیم باشد؛ همانند آب که در همه جا در دمای صد درجه می‌جوشد! در این گیرودار، گادامر توانست نوشتن کتاب حقیقت و روش، چارچوب کلی و بنیادی علوم انسانی را پی‌ریزی کند و به زمانهٔ خود بفهماند که مقایسهٔ انسان با آب، اشتباه و چه بسا ناپیخرانه است؛ چرا که انسانها از یک «خودآگاهی معنی‌دار تاریخی» (wirkungsgeschichtliche Bewußtsein) برخوردارند که شبکه‌ای پیچیده از تاریخ و فرهنگ و عقاید و باورها را به گرد آنان تنیده است. حقیقت و روش سبب گردید که فلسفه و جامعه‌شناسی جرات بکار بردن یک روش علمسی برای تحقیقات خود بیابند. این کتاب، موج بزرگی از اندیشمندان را با خود همراه ساخت و «هرمونیک» را به عنوان یک روش پذیرفته در علوم انسانی بازشناساند. یورگن هابرماس، دیگر فیلسوف شهر آلمانی از این کتاب تاثیر ژرفی پذیرفت؛ چنانکه بعضی اذنان کرده‌اند پایه‌های فکری وی از کتاب حقیقت و روش بالیدن گرفت. بنابراین، آنچه که ما امروزه از آن با عنوان علوم انسانی نام می‌بریم، رهین کتاب «حقیقت و روش» گادامر است که وی از کتاب حقیقت و روش بالیدن گرفت. بنابراین، این کتاب حقیقت و روش شناسی هرمنوتیک است، نه اینکه آن شعر را بخوانم بلکه آن را می‌بلعیدم. با توجه به اینکه این شعر از حال و هوای روستایی یار صحبت می‌کرد و بالاخره فضای روستایی که داشتیم که شاعر این شعر باید یک روستایی باشد و ظن من درست بود.

بعدها استاد باستانی پاریزی در مطلبی نوشته بود که: «این شعر را من در کوهستان پاریز، زیر درخت‌های بادام که در فصل بهار گل‌ریزان بود و سطح باغچه را گل‌های بادام پوشانیده بود سرودم». پس تداعی حقیر از فضای روستایی این شعر بی‌دلیل نبود.

مقالات شمس تبریزی ص ۶۴۱. اما کلام یک از آن مشایخ بود که او را از علوم رسمی روگردان ساخت و به وادی سلوک رهنمون شد معلوم نمی‌دارد. جایی از نخستین تجربهٔ خود در سماع یاد می‌آورد: «آن یار گرم کار مرا بگرفت، چون مرغی می‌گردانید. مرا می‌گردانید، دو چشم همچون دو طاس پرخون، آواز آمد که هنوز خام است، به گوشه‌های رها کن تا بر خود می‌سوزد» (همان، ص ۶۷۷).

آن یار گرم حال کی بود؟ و از آن پس چه شد؟ چیزی نمی‌گوید، ولی سن و سال خود را مشخص می‌کند که در آن زمان «هنوز مراقق» یعنی نزدیک به سن بلوغ بود. جامی و دیگران از رکن الدین سجاسی و بابا کمال خجندی به‌عنوان مشایخ شمس نام برده‌اند، اما هیچ ذکری از آن دو در مقالات نمی‌یابیم. سجاسی — شیخ اوحد الدین کرمانی است و شمس از ارتباط خود با اوحد سخن می‌گوید (همان، ص ۲۹۴).

آن یار گرم حال کی بود؟ و از آن پس چه شد؟ چیزی نمی‌گوید، ولی سن و سال خود را مشخص می‌کند که در آن زمان «هنوز مراقق» یعنی نزدیک به سن بلوغ بود. جامی و دیگران از رکن الدین سجاسی و بابا کمال خجندی به‌عنوان مشایخ شمس نام برده‌اند، اما هیچ ذکری از آن دو در مقالات نمی‌یابیم. سجاسی — شیخ اوحد الدین کرمانی است و شمس از ارتباط خود با اوحد سخن می‌گوید (همان، ص ۲۹۴).

از تاج الدین اردبیلی نیز آورده‌اند که او تلقین بجزر مرا پروند انداخته است، همچنانکه خاشاک از دریا به گوشه‌ای افتد» (شمس‌الدین محمد تبریزی،

ترسیم می‌شود.

بازاندیشی خودآگاهانه و منطقی که گسترش و پرورش علوم انسانی را در سدهٔ نوزدهم به بار آورد اساسا بر پایهٔ مدلی از علوم طبیعی بنیان نهاده شده بود.با

معرفی کتاب «حقیقت و روش»

تاریخ؛ گرانگاه علوم

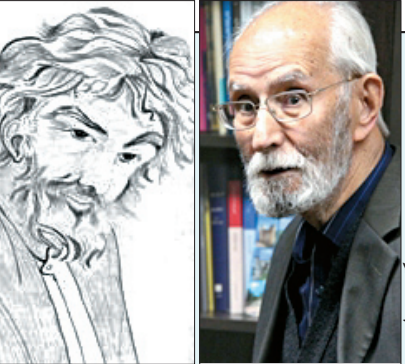


بازکاوی هرچند کوتاه واژهٔ Geisteswissenschaft

پی‌خواهیم برد که این واژه تنها زمانی که جمع بسته می‌شود برای ما آشنا و دریافتنی می‌نماید. از این رهگذر، علوم انسانی در قیاس با علوم طبیعی شناخته می‌شود؛ یعنی بازتابی ایده‌آلیستی از ایدهٔ «انسان» در برابر علمی [علوم طبیعی یا تجربی] که انسان را به پس‌زمینه‌های خود می‌راند. واژهٔ علوم انسانی (Geisteswissenschaften) را به عنوان علوم انسانی که بر سر زبانه‌ها افتاد. میل در تکمیل آثار خود به دنبال طرح افکندن امکانی برای کاربردی کردن منطق استقرائی به‌صورت یک «علم اخلاقی» بود. مترجم [آلمانی] این اصطلاح میل را «علمی غیردقیق» خوانده‌خواند. گرچه همان علت‌یابی تاثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست.

پس باید پرسید چه نوع علمی قادر است با پدیده‌ای این چنین مخخور شود؟ مقصود از «علم» در اینجا چه می‌تواند باشد؟ باین‌حال، حتی اگر یک نوع معرفت‌شناسی پیدا شود که در اساس، برخلاف رویه و اهداف علوم طبیعی به پیش رود، باز هم آن را متمم به منفی‌نگری و گزراه رفتن خواهند کرد و کلیت علوم انسانی را «علمی غیردقیق» خواهند خواند. گرچه همان علت‌یابی تاثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست.

بنابراین، تفاوتی نمی‌کند که آیا یک شخص به آزادی اراده باور دارد یا نه؛ زیرا وی می‌تواند فارغ از این اعتقاد در حوزهٔ زیست اجتماعی نظریات از یک سنت انگلیسی پیروی کرد که دیوید هیوم در



معمولاً اهل تصوف را به دو گروه اصحاب سُکر واصحاب صحو (مستان و هشیاران) تقسیم می‌کنند. به نظر شمس سُکر و صحو دو مرحله‌اند که در طول هم جای دارند. مرحله سُکر که شمس معادل فارسی آن (مستی) را به کار می‌برد بر چهار مرتبه است و صحو یا هشیاری عالمی است که پس از طی مراتب چهارگانهٔ مستی به آن توان رسید. در جایی دیگر از عوالم سه گانهٔ مستی سخن

مقدمهٔ رسالهٔ خود به‌خوبی آن را فرمول‌بندی کرده‌است. علوم اخلاقی [انسانی] با تولید همانندی‌ها، مطابقت‌ها و قاعده‌ها در پی ایجاد قانونی است که بر پایهٔ آن بتوان نشان‌ها و رویه‌های انسانی را پیش‌بینی کرد. با توجه را با چیزی به نام قاعده‌مندی محدود کنیم؛ اما باید توجه داشت که تصمیم آزاد، خود‌متعلق به‌نوعی جهان‌شمولی و قاعده‌مندیی است که از طریق استقرا ممکن می‌شود. مسئله‌ای که از این رهگذر بازگشوده می‌شود مقدمه‌ای برای ایجاد علم طبیعی اجتماع [جامعه‌شناسی] است و پژوهش‌هایی که در حوزهٔ این علم انجام می‌پذیرد، می‌تواند کاربردهای فراوان و حوزه‌های گوناگونی را پوشش دهد که تنها یکی از آن‌ها روان‌شناسی اجتماعی است.

اما مشکل اینجاست که در علوم انسانی کسی نمی‌تواند ماهیت یا روح انسان را در دست بگیرد و همانند علوم طبیعی آن را با سنجه‌های این علم طبیعی قاعده‌مند پیشرو اندازه بگیرد. ماهیت علمی که با تاریخ و جامعه سروکار دارد، نمی‌تواند با روش‌های علوم طبیعی فهمیده شود. درهرصورت، حتی اگر تاریخ را با آنچه که امروزه «علم» نامیده می‌شود تطبیق دهیم و فرض کنیم که برای تاریخ هم می‌توان حکمتی بیرونی و جهان‌شمول صادر کرد، باز هم ماهیت تاریخ اجازه نمی‌دهد که [همانند علوم طبیعی] قانونی فوری را کشف کنیم و آن‌گاه برای همهٔ جهان آن را صادر کنیم. نمی‌توان تنها یک جنبه از انسان را شناخت و آن را به‌عنوان یک کل قلمداد کرد و بر پایهٔ آن پیش‌بینی کرد. آنچه اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، اهمیت دادن به فهم یک پدیدهٔ انسانی در یک قالب و ساختار تاریخی خاص خوداست، و«نگهی فهم چنین پدیده‌هایی همانند فهم علوم طبیعی نیست که در پی شناخت و آن‌گاه ساختن یک قانون جهانی باشد یعنی دربارهٔ همهٔ انسان‌ها، گروه‌ها و دولت‌ها نظری یک‌سان دهد»؛ بلکه تنها در پی کشف این نکته است که چگونه این مردمان یک پدیدهٔ اجتماعی را شکل داده‌اند یا چگونه آن را می‌فهمند؟همین!

ازاین‌روی، روش علمی هواسنجی هیچ تفاوتی با علم فیزیک نمی‌کند، تنها تفاوت این دو این است که داده‌های هواسنجی کامل نیست و به همین خاطر پیش‌بینی‌های آن نامطمئن‌تر است. چنین روندی برای پدیده‌های اخلاقی و اجتماعی نیز صدق می‌کند. روش استقرایی از همهٔ گمانه‌ها نظری یک‌سان‌دهد»؛ بلکه پاسخ به این پرسش است که چگونه یک فرد پدیده‌ای را درک می‌کند؟ روشی که به دنبال ثابت کردن و علت‌یابی تاثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست.

پس باید پرسید چه نوع علمی قادر است با پدیده‌ای این چنین مخخور شود؟ مقصود از «علم» در اینجا چه می‌تواند باشد؟ باین‌حال، حتی اگر یک نوع معرفت‌شناسی پیدا شود که در اساس، برخلاف رویه و اهداف علوم طبیعی به پیش رود، باز هم آن را متمم به منفی‌نگری و گزراه رفتن خواهند کرد و کلیت علوم انسانی را «علمی غیردقیق» خواهند خواند. گرچه همان علت‌یابی تاثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست.

پس باید پرسید چه نوع علمی قادر است با پدیده‌ای این چنین مخخور شود؟ مقصود از «علم» در اینجا چه می‌تواند باشد؟ باین‌حال، حتی اگر یک نوع معرفت‌شناسی پیدا شود که در اساس، برخلاف رویه و اهداف علوم طبیعی به پیش رود، باز هم آن را متمم به منفی‌نگری و گزراه رفتن خواهند کرد و کلیت علوم انسانی را «علمی غیردقیق» خواهند خواند. گرچه همان علت‌یابی تاثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست.

معمولاً اهل تصوف را به دو گروه اصحاب سُکر واصحاب صحو (مستان و هشیاران) تقسیم می‌کنند. به نظر شمس سُکر و صحو دو مرحله‌اند که در طول هم جای دارند. مرحله سُکر که شمس معادل فارسی آن (مستی) را به کار می‌برد بر چهار مرتبه است و صحو یا هشیاری عالمی است که پس از طی مراتب چهارگانهٔ مستی به آن توان رسید. در جایی دیگر از عوالم سه گانهٔ مستی سخن

شد: استقرای منطقی و استقرای هنری، غریزی. این تفکیک هرچند که در ظاهر نوعی دسته‌بندی بنیادی است؛ اما اساس آن بر مبانی زیست‌شناختی [و علوم طبیعی] قرار گرفته است. هر دو علم از روش استقرایی بهره می‌برند؛ اما علوم انسانی با فرایندی از ناخودآگاهی به نتیجه می‌رسد.

از همین جاسست که رویهٔ استقرایی که علوم انسانی در پیش می‌گیرد با شرایط خاصی از روان‌شناسی هم‌راستا و همسوی است. این شرایط روان‌شناختی به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فکری نیازمند است؛ یعنی نیاز به یک حافظه با ذخیره و ابزار پرپر [از اطلاعات] و پذیرش صلاحیت علمی؛ درحالی‌که خودآگاهی در علوم طبیعی کاملاً متفاوت است. حتی اگر علوم طبیعی مدعی بتواند راه و شیوهٔ خود را به مثابهٔ یک راه و روش جهانی بقبولاند، باز هم نخواهد توانست شیوه‌های منطقی که علوم انسانی آن را در پیش گرفته و با «منطق» جان استوارت میل نیز همخوان است، به کار گیرد. واقعیت این است که هلم‌هلتز آن‌چنان در سازوکار جدید علمی ستاره‌شناسی نیوتون غرق شده و شکوه و جبروت آن چشمانش را گرفته بود که حتی یک لحظه هم از خود نپرسید که در به وجود آمدن این سازوکار جدید علمی در سدهٔ هفدهم، چه چیزی بر فلسفی تاثیر داشت؟ اکنون می‌دانیم که چه چیزی بر مدرسهٔ اوکامیست پاریس تاثیر گذاشته است. از نظر هلم‌هلتز، روش‌شناسی کاملاً ایده‌آل علوم طبیعی نه به کاوش تاریخی نیاز دارد و نه به گزاره‌های دست‌وپاگیر معرفت‌شناسی و از همین جاست که وی در فهم شیوهٔ متفاوت علوم انسانی به‌عنوان یک منطق متفاوت، عاجز می‌ماند.

در همین گیرودار، یکی از شاخه‌های علوم انسانی در کشمکش زمانهٔ استیلای علوم طبیعی، دوران جنینی خود را آغاز کرده بود، به‌ویژه در «مدرسهٔ تاریخ» که مطالعه دربارهٔ تاریخ را به گونه‌ای جدی آغاز کرده بود و خودآگاهی منطقی را رواج می‌داد. همان‌گونه که پیش از شکل‌گیری این مدرسه، ی. گد. دروین در کتاب خود با عنوان سرگذشت هلنیسم در سال ۱۸۴۳ عنوان کرد: «من گمان می‌کنم که هیچ شاخه‌ای از معرفت‌شناسی به‌اندازهٔ تاریخ از سازگاری با نظریه، تعریف و سازمان‌دهی گریزان‌تر نیست». دروین بر پایهٔ امر مطلق کانت ابراز می‌دارد که تاریخ «می‌تواند نشانگر و منبع زنده‌ای از زیست تاریخی بشر باشد، و یو ابراز امیدواری می‌کند که «با پیدا شدن ایده‌های نوآورانه‌تر، تاریخ بتواند گرانیگاه علوم انسانی گردد و حرکت علوم انسانی را به سوی یک معرفت بآیند و روشمند آسان سازد».

منبع:
http://www.tarjomaan.com/vdch.html.vnmmt?rxnxfid۲

به هشیاری نمی‌رسند و حال آنکه هشیاری شرط تعلیم و دست‌گیری از دیگران است و شیخی که به هشیاری نرسیده باشد لایق رهبری نیست. شمس بزرگان تصوف را برحسب همین نگرش درجه‌بندی می‌کند. مثلاً می‌گوید احوالدالدین کرمانی به کمال مستی هوا رسیده بود. و سید برهان الدین رزمذی و سلطان العلما، پدر مولانا، هر دو از مستی هوا گذشته و به مستی روحانی رسیده بودند، و در این عالم برهان الدین را موفق‌تر از سلطان العلما می‌داند، اگر چه سلطان العلما را «علوم‌های زیادتی» (همان، ص ۷۰۰) بود و از نظر رسمی بر برهان الدین مرئیت داشت، لیکن «سید را بوی روح و مستی روح بیشتر» بود (همان جا).

شمس بزرگانی مانند حلاج و بایزید را نیز از فرومادگان در عوالم مستی می‌داند و تأکید می‌کند متابعت مستان نباید کرد، چه راه و رای عالم مستی است (همان، ص ۱۰۸۵، ۲۸۰، ۲۸۵، ۶۲۱، ۶۵۷، ۷۲۸، ۱۳۲۸، ۷۴۱) و در این مقام است که ادامه دارد

تجرین

یادی از سیدمحمدفرزان

خدمت به فرهنگ



فرزان

فرزان در طی ده سالی که عهده‌دار مقام اخیر بود، این منطقه را از نظر فرهنگی در شمار پیشرفته‌ترین شهرهای ایران واردود (جلالی‌نابینی، همان‌جسا؛ یغمایی، حبیب، همان‌جا؛ قُتادان، همان‌جا)، در

۱۳۳۰ش، وقتی که فرزان در پاسخ به بخشنامهٔ وزارت فرهنگ که نظر تمامی فرهنگیان را دربارهٔ محتوای کتابهای درسی خواسته بود، ملاحظات عالمانه‌ای به قلم آورد، نظریات او در کمسیون وزارت فرهنگ موردتوجه سیدحسین تقی‌زاده واقع شد، به پیشنهاد تقی‌زاده او را برای بازنگری در کتابهای درسی به تهران فراخواندند (جلالی‌نابینی، همان‌جا؛ همان‌جا؛ مینوی، ج ۲، ص ۴۶۶).

فرزان در تهران در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ش، علاوه بر سمت کارشناسی بررسی ادارهٔ کل نگارش در وزارت فرهنگ و عضویت در کمیسیون تدوین نهایی کتب درسی بر مبنای اصول صحیح تعلیم و تربیت (با شرکت سیدمحمد طباطبایی و مجتبی مینوی)، یکچند عهده‌دار تدریس در دانشکدهٔ الهیات و ادبیات دانشگاه تهران نیز بود (مینوی، همان‌جا؛ افشار، همان، ص ۸۱۳؛ یغمایی، اقبال، ص ۵۶۴،۵۶۵؛ یغمایی، حبیب، ص ۱۳۹۰؛ جلالی‌نابینی، همان، ص ۱۲۷؛ قُتادان، ص ۱۰۰۹؛ محیط طباطبایی، ص ۱۴۴،۱۴۵). در سال ۱۳۳۷ش از وزارت

فرهنگ بازنشته شد و در ۱۴ آذر ۱۳۳۹، به پیشنهاددکتر معین، رئیس وقت لغت‌نامهٔ دهخدا، به عضویت سازمان دایرالمعارف ایران و شیعه، از مؤسّسات وابسته به دانشکدهٔ ادبیّات دانشگاه تهران، درآمد (قُتادان، ص ۱۰)، در ۱۳۴۴ش به بابلسر مهاجرت کرد و تا ۱۳۴۷ش در این شهر ماند و در سال ۱۳۴۷ش از وزارت فرهنگستان ایران انتخاب شد. او سرانجام در ۲۳ فروردین ۱۳۴۹ در تهران درگذشت و در آرامگاه ابوالفتح رازی، در شهرری، به خاک سپرده شد (اسلامی ندوشن، ص ۳۹۴، جلالی‌نابینی، «جناب علامه سیدمحمد فرزان»، ص ۱۸۸،۱۸۷، ۱۹۳؛ یغمایی، حبیب، همان‌جا؛ سیمعی گیلانی، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ قُتادان، همان‌جا).

تصویر شخصیت فرزان در آثار و اظهارنظرهای معاصران و شاگردان او با عباراتی احترام‌انگیز توصیف شده است. مناعت طبع و آزادگی، دینداری و خلوص نیت، شیفتهٔ معلمی و آموختن به دیگران، سخنوری و فروتنی و دوری از نظاره و تملقِ جملگی از صفاتی است که برای او برشمرده‌اند (تک: اسلامی ندوشن، ص ۳۹۴،۳۹۶؛ یغمایی، اقبال، همان‌جا؛ یغمایی، حبیب، ص ۱۳۸۹-۱۳۹۰؛ جلالی‌نابینی، «علامه سیدمحمد فرزان، استاد بزرگ ادب»، ص ۳۴؛ مینسوی، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۷). بیش از هر چیز شیفتهٔ علوم قرآنی و تفاسیر آن بود و در کنار مطالعهٔ تفاسیر، به اخبار و احادیث و فقه اسلامی و تواریخ و سیر و ملل و نحل علاقه داشت. همهٔ دانشمندان معاصر او به وسعت دانش و تسلط او بر زبان و ادب فارسی و زبان اقار و اعتراف کرده‌اند و روحش شاد باد

مقاله

به قلم دکتر محمدعلی موحد ۲/

شمس تبریز

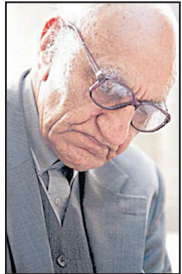
دلزدگی از علوم رسمی و کشش به سوی معنویات تجربه‌ای بود، همراه و هماهنگ با آن عوالم نوجوانی که در بالا به آن اشارت رفت. تبریز در آن روزگار به شهر «هفتاد بابا» معروف بود (شمس الدین محمد تبریزی، شهر هفتاد بابا، ص ۳۹۷). باباهامشایخ بزرگ عصر در طریقت و عرفان بودند. شمس از رونق تصوّف در شهر خود یاد می‌کند:

«آنجا کسانی بوده‌اند که من کم‌ترین ایشانم، که بحر مرا پروند انداخته است، همچنانکه خاشاک از دریا به گوشه‌ای افتد» (شمس‌الدین محمد تبریزی،

یاد استاد باستانی‌پاریزی – ۱

مردی که فراموش نمی‌شود

کاظم آذری سیسی؛ پنجم فروردین ماه ۱۳۹۳ بود. هنوز تعطیلات عید پایان نیافته بود، تک و تنها در خانه، خودم را با ویژه‌نامه‌های نوروزی مطبوعات سرگرم کرده بودم. طرف‌های عصر حوصله‌ام سر رفت. به خودم گفتم بروم سساعتی را در فضای روحانی صحن شیخ محمود شبستری بگذرانم شاید کمی به آرامش برسم. وقتی از درب اصلی صحن آرامگاه شیخ، وارد می‌شدم پشت سرم سه چهار تا بقول جوانها پیامک رسید. اهمیت ندادم. اول سر قبر شیخ رفتم و فاتحه‌ای برایش خواندم، بعد در گوشه‌ای در صحن آرامگاه نشستم.



آرامگاه شیخ خلوت بود تک و توک مسافر برای زیارت قبر شیخ آمده بودند بعد از چندی که در فضای آرامگاه آسودم به طرف درب خروجی روانه شدم در همان لحظه هم چند تا پیامک دیگر رسید. بی اختیار دستم به طرف تلفن همراه رفتم و پیام‌ها را خواندم. پنج تا پیام پشت سرم از دوستان تهرانی ام بود که «باستانی‌پاریزی به لقائالله پیوست» در همانجا انا لاهی خواندم و نشستم. دوستان تهرانی ام می‌دانستند که من یکی از ارادتمندان استاد پاریزی هستم. لحظه غم انگیزی بود. به خودم گفتم: از این به بعد چه کسی تاریخ ایران را روایت خواهد کرد؟

برگشتم به طرف صحن، وقتی از جلو سالن سخنرانی رد می‌شدم درش بسته و از شیشه درب، تریون سالن سخنرانی پیدا بود. زمانی را به خاطر آوردم در سال ۱۳۸۷، استاد باستانی پشت همین تریون به مناسبت بزرگداشت عارف ربانی، شیخ محمود شبستری سخنرانی می‌کرد. در این سخنرانی بود که گفتند: «شیخ محمود شبستری مدت‌ها ساکن کرمان بود و داماد کرمانی‌هاست».

در آن موقع من برای اولیسن بار بود که این موضوع را از زبان استاد باستانی می‌شنیدم و تا آن موقع در هیچ یک از کتاب‌ها و مقاله‌هایش این مطلب را نخوانده بودم و به نظر رسید این بیشتر به عادت معهود ایشان برمی گشت که بعضی از روایت‌های تاریخی در کتاب‌ها و مقالاتش و به نحوی چه با ربط و چه بی ربط گریزی به تاریخ کرمان می‌زد.

وقتی سخنرانی اش تمام شد و از پشت تریون پایین آمد مردم دور و برشان را گرفتند و بیشتر جوانان دلشجو.

مرا باش فکر می‌کردم که در این جمع فقط

ترجمه حمید بهشتی: حقیقت و روش به آلمانی (Wahrheit und Methode)یکی از برجسته‌ترین و فاخرترین آثارهانس گئورگ گادامر، فیلسوف شهیر آلمانی است. این کتاب که چاپ نخست آن در سال ۱۹۶۰ از سوی انتشارات Tübingen روانهٔ بازار شد، واکنشی بود به روش‌های پوزیتیویستی مدرنیته که از سوی دانشمندان علوم طبیعی (Naturwissenschaften) به مثابهٔ یگانه روش درست و موقّق برای شناخت جهان پیرامون پشتیبانی می‌شد. دانشمندان علوم طبیعی که با بکار بردن روشهای آزمایشگاهی به نتایج درخشان و دستاوردهای علمی سست‌گرّی دست یافته بودند، باد در غیغ انداختند و از اواخر سدهٔ نوزدهم تا میانه‌های سدهٔ نوزدهم، پوزیتیوسم را به عنوان یک روش جهانی و مطلق ترویج دادند. علوم انسانی (Geisteswissenschaften)، در این میان بواسطهٔ ضدیت با مکتب‌های مدرسی و شیوه‌های کلیسایی و نیز ذهنیت مخدوش از قرون وسطا، بکلی از گردونهٔ شناخت و حتی اعتبار خارج شد؛ انتظار دانشمندان این روزگارانه، این بود که هر شناختی باید در هر زمان و مکانی در این گرهٔ خاکی، یکسان، پیش‌بینی‌پذیر و قابل تعمیم باشد؛ همانند آب که در همه جا در دمای صد درجه می‌جوشد! در این گِیرودار، گادامر توانست با نوشتن کتاب حقیقت و روش، چارچوب کلی و بنیادی علوم انسانی را پی‌ریزی کند و به زمانهٔ خود بفهماند که مقایسهٔ انسان با آب، اشتباه و چه بسا ناپیخرانه است؛ چرا که انسانها از یک «خودآگاهی معنی‌دار تاریخی» (wirkungsgeschichtliche Bewußtsein) برخوردارند که شبکه‌ای پیچیده از تاریخ و فرهنگ و عقاید و باورها را به گرد آنان تنیده است. حقیقت و روش سبب گردید که فلسفه و جامعه‌شناسی جرات بکار بردن یک روش علمسی برای تحقیقات خود بیابند. این کتاب، موج بزرگی از اندیشمندان را با خود همراه ساخت و «هرمونیک» را به عنوان یک روش پذیرفته در علوم انسانی بازشناساند. یورگن هابرماس، دیگر فیلسوف شهیر آلمانی از این کتاب تأثیر ژرفی پذیرفت؛ چنانکه بعضی اذعان کرده‌اند پایه‌های فکری وی از کتاب حقیقت و روش بالیدن گرفت. بنابراین، آنچه که ما امروزه از آن با عنوان علوم انسانی نام می‌بریم، رهین کتاب «حقیقت و روش» گادامر است که وی از کتاب حقیقت و روش بالیدن گرفت. بنابراین، این کتاب حقیقت و روش شاخه از معرفت‌شناسی نیز روشی نوآیند برای این شاخه است و فکانه علمی است که برای تحقیق عرضه کند. متأسفانه با آنکه این کتاب از نوشته‌های کلاسیک و بسیار ارزشمند در حوزهٔ فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ و روش‌شناسی هرمنوتیک است، هنوز به فارسی ترجمه نشده است و فکانه بزرگ آن در جامعهٔ علمی کشور احساس می‌شود. در اینجا برای نخستین بار در ایران، صفحات ابتدایی و مهم متن اصلی کتاب حقیقت و روش به زبان آلمانی انتخاب و ترجمه شده است که در آن وضعیت سلطهٔ علوم طبیعی و کوشش برای طرح افکندن چارچوبی برای علوم انسانی

ترسیم می‌شود.

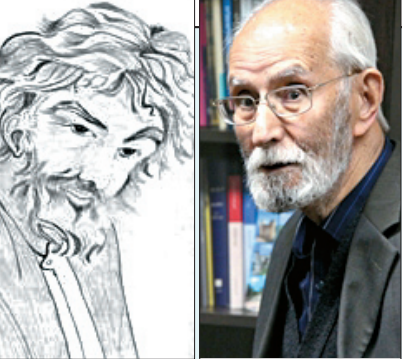
بازاندیشی خودآگاهانه و منطقی که گسترش و پرورش علوم انسانی را در سدهٔ نوزدهم به بار آورد اساسا بر پایهٔ مدلی از علوم طبیعی بنیان نهاده شده بود. با

معرفی کتاب «حقیقت و روش»

تاریخ؛ گرانگاه علوم



بازکاوی هرچند کوتاه واژهٔ Geisteswissenschaft پی‌خواهیم برد که این واژه تنها زمانی که جمع بسته می‌شود برای ما آشنا و دریافتنی می‌نماید. از این رهگذر، علوم انسانی در قیاس با علوم طبیعی شناخته می‌شود؛ یعنی بازتابی ایده‌آلیستی از ایدهٔ «انسان» در برابر علمی [علوم طبیعی یا تجربی] که انسان را به پس‌زمینه‌های خود می‌راند. واژهٔ علوم انسانی (Geisteswissenschaften) را به عنوان علوم انسانی که بر سر زبانه‌ها افتاد. میل در تکمیل آثار خود به دنبال طرح افکندن امکانی برای کاربردی کردن منطق استقرائی به‌صورت یک «علم اخلاقی» بود. مترجم [آلمانی] این اصطلاح میل را «علمی غیردقیق» خوانده‌خواند. گرچه همان علت‌یابی تأثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست. بنابراین، تفاوتی نمی‌کند که آیا یک شخص به آزادی اراده باور دارد یا نه؛ زیرا وی می‌تواند فارغ از این اعتقاد در حوزهٔ زیست اجتماعی نظریات از یک سنت انگلیسی پیروی کرد که دیوید هیوم در



سرخاب خائفه داشت و در همان جا به خاک سپرده شد. مزار پیر سله باف در جنوب غرب شهر در محله چرنداب کنار مزار ابومنصور محمدبن اسعد مشهور به حفهٔ نیشابور است. از امام حفده در مقالات به بزرگی یاد می‌شود. او مدیوح خاقانی بود و فضایل و کرامات بسیار از او نقل کرده‌اند.

پیر سله‌باف رسم خرقه دادن را که در میان سلسله‌های تصوف معمول و متداول بود قبول نداشت (شمس‌الدین محمد تبریزی، مقالات شمس تبریزی، ص ۷۵۶). شمس نیز از آن رسم تیزی می‌جوید: «او... از من خرقه خواسته و مولانا گفته خرقه نیست قاعده من، خرقه من صحبت است و آنچه تو از من حاصل کنی، خرقهٔ من آن است» (همان ص ۲۲۴). شاید مخالفت شمس با برخی دیگر از رسوم خانقاهی مانند چله‌داری و خلوت نشینی هم ریشه در تعالیم شیخ ابوبکر سله‌باف داشته باشد (همان، ص ۱۷۱، ۱۸۴، ۷۵۶)؛ شمس الدین محمد تبریزی، ص ۶۰ – ۱۲۲، ۱۲۲).

مقدمهٔ رسالهٔ خود به‌خوبی آن را فرمول‌بندی کرده‌است. علوم اخلاقی [انسانی] با تولید همانندی‌ها، مطابقت‌ها و قاعده‌ها در پی ایجاد قانونی است که بر پایهٔ آن بتوان نشانه‌ها و رویه‌های انسانی را پیش‌بینی کرد. با توجه را با چیزی به نام قاعده‌مندی محدود کنیم؛ اما باید توجه داشت که تصمیم آزاد، خود‌متعلق به‌نوعی جهان‌شمولی و قاعده‌مندی است که از طریق استقرا ممکن می‌شود. مسئله‌ای که از این رهگذر بازگشوده می‌شود مقدمه‌ای برای ایجاد علم طبیعی اجتماع [جامعه‌شناسی] است و پژوهش‌هایی که در حوزهٔ این علم انجام می‌پذیرد، می‌تواند کاربردهای فراوان و حوزه‌های گوناگونی را پوشش دهد که تنها یکی از آن‌ها روان‌شناسی اجتماعی است.

اما مشکل اینجاست که در علوم انسانی کسی نمی‌تواند ماهیت یا روح انسان را در دست بگیرد و همانند علوم طبیعی آن را با سنجه‌های این علم طبیعی قاعده‌مند پیشرو اندازه بگیرد. ماهیت علمی که با تاریخ و جامعه سرورکار دارد، نمی‌تواند با روش‌های علوم طبیعی فهمیده شود. درهرصورت، حتی اگر تاریخ را با آنچه که امروزه «علم» نامیده می‌شود تطبیق دهیم و فرض کنیم که برای تاریخ هم می‌توان حکمی بیرونی و جهان‌شمول صادر کرد، باز هم ماهیت تاریخ اجازه نمی‌دهد که [همانند علوم طبیعی] قانونی فوری را کشف کنیم و آن‌گاه برای همهٔ جهان آن را صادر کنیم. نمی‌توان تنها یک جنبه از انسان را شناخت و آن را به‌عنوان یک کل قلمداد کرد و بر پایهٔ آن پیش‌بینی کرد. آنچه اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، اهمیت دادن به فهم یک پدیدهٔ انسانی در یک قالب و ساختار تاریخی خاص خوداست، و«نگهی فهم چنین پدیده‌هایی همانند فهم علوم طبیعی نیست که در پی شناخت و آن‌گاه ساختن یک قانون جهانی باشد یعنی دربارهٔ همهٔ انسان‌ها، گروه‌ها و دولت‌ها نظری یک‌سان دهد»؛ بلکه تنها در پی کشف این نکته است که چگونه این مردمان یک پدیدهٔ اجتماعی را شکل داده‌اند یا چگونه آن را می‌فهمند؟همین!

پس باید پرسید چه نوع علمی قادر است با پدیده‌ای این چنین مخمور شود؟ مقصود از «علم» در اینجا چه می‌تواند باشد؟ باین‌حال، حتی اگر یک نوع معرفت‌شناسی پیدا شود که در اساس، برخلاف رویه و اهداف علوم طبیعی به پیش رود، باز هم آن را متهم به منفی‌نگری و کژراهه رفتن خواهند کرد و کلیت علوم انسانی را «علمی غیردقیق» خواهند خواند. گرچه همان علت‌یابی تأثیر گذاری‌های خاص نیست، بلکه به دنبال پی‌افکندن مجموعه‌ای از قاعده‌مندی‌هاست. بنابراین، تفاوتی نمی‌کند که آیا یک شخص به آزادی اراده باور دارد یا نه؛ زیرا وی می‌تواند فارغ از این اعتقاد در حوزهٔ زیست اجتماعی نظریات را تأیید کرد. هلم‌هلتز میان دو نوع استقرا تفکیک قابل

شد: استقرای منطقی و استقرای هنری، غریزی. این تفکیک هرچند که در ظاهر نوعی دسته‌بندی بنیادی است؛ اما اساس آن بر مبانی زیست‌شناختی [و علوم طبیعی] قرار گرفته است. هر دو علم از روش استقرایی بهره می‌برند؛ اما علوم انسانی با فرایندی از ناخودآگاهی به نتیجه می‌رسد.

از همین جاسست که رویهٔ استقرایی که علوم انسانی در پیش می‌گیرد با شرایط خاصی از روان‌شناسی هم‌راستا و همسوی است. این شرایط روان‌شناختی به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فکری نیازمند است؛ یعنی نیاز به یک حافظه با ذخیره و ابزار پرپر [از اطلاعات] و پذیرش صلاحیت علمی؛ درحالی‌که خودآگاهی در علوم طبیعی کاملاً متفاوت است. حتی اگر علوم طبیعی مدعی بتواند راه و شیوهٔ خود را به مثابهٔ یک راه و روش جهانی بقبولاند، باز هم نخواهد توانست شیوه‌های منطقی که علوم انسانی آن را در پیش گرفته و با «منطق» جان استوارت میل نیز همخوان است، به کار گیرد. واقعیت این است که هلم‌هلتز آن‌چنان در سازوکار جدید علمی ستاره‌شناسی نیوتون غرق شده و شکوه و جبروت آن چشمش را گرفته بود که حتی یک لحظه هم از خود نپرسید که در به وجود آمدن این سازوکار جدید علمی در سدهٔ هفدهم، چه چیزی بر فلسفی تأثیر داشت؟ اکنون می‌دانیم که چه چیزی بر مدرسهٔ اوکامیست پاریس تأثیر گذاشته است. از نظر هلم‌هلتز، روش‌شناسی کاملاً ایده‌آل علوم طبیعی نه به کاوش تاریخی نیاز دارد و نه به گزاره‌های دست‌وپاگیر معرفت‌شناسی و از همین جاست که وی در فهم شیوهٔ متفاوت علوم انسانی به‌عنوان یک منطق متفاوت، عاجز می‌ماند.

در همین گیرودار، یکی از شاخه‌های علوم انسانی در کشمکش زمانهٔ استیلای علوم طبیعی، دوران جنینی خود را آغاز کرده بود، به‌ویژه در «مدرسهٔ تاریخ» که مطالعه دربارهٔ تاریخ را به گونه‌ای جدی آغاز کرده بود و خودآگاهی منطقی را رواج می‌داد. همان‌گونه که پیش از شکل‌گیری این مدرسه، ی. گد. دروین در کتاب خود با عنوان سرگذشت هلنیسم در سال ۱۸۴۳ عنوان کرد: «من گمان می‌کنم که هیچ شاخه‌ای از معرفت‌شناسی به‌اندازهٔ تاریخ از سازگاری با نظریه، تعریف و سازمان‌دهی گریزان‌تر نیست». دروین بر پایهٔ امر مطلق کانت ابراز می‌دارد که تاریخ «می‌تواند نشانگر و منبع زنده‌ای از زیست تاریخی بشر باشد، و ی ابراز امیدواری می‌کند که «با پیدا شدن ایده‌های نوآورانه‌تر، تاریخ بتواند گرانیگاه علوم انسانی گردد و حرکت علوم انسانی را به سوی یک معرفت بآیند و روشمند آسان سازد».

منبع:
http://www.tarjomaan.com/vdch.html.vnmmt?rxnxfdd۲

به هشپاری نمی‌رسند و حال آنکه هشپاری شرط تعلیم و دست‌گیری از دیگران است و شیخی که به هشپاری نرسیده باشد لایق رهبری نیست. شمس بزرگان تصوف را برحسب همین نگرش درجه‌بندی می‌کند. مثلاً می‌گوید احوالدالدین کرمانی به کمال مستی هوا رسیده بود. و سید برهان الدین رمزی و سلطان العلما، پدر مولانا، هر دو از مستی هوا گذشته و به مستی روحانی رسیده بودند، و در این عالم برهان الدین را موفق‌تر از سلطان العلما می‌داند، اگر چه سلطان العلما را «علوم‌های زیادتی» (همان، ص ۷۰۰) بود و از نظر رسمی بر برهان الدین مرئّی داشت، لیکن «سید را بوی روح و مستی روح بیشتر» بود (همان جا).

شمس بزرگانی مانند حلاج و بایزید را نیز از فرومادگان در عوالم مستی می‌داند و تأکید می‌کند متابع مستان نباید کرد، چه راه و رای عالم مستی است (همان، ص ۱۰۸۵، ۲۸۰، ۲۸۵، ۶۲۱، ۶۵۷، ۷۲۸، ۱۳۸، ۷۴۱). و در این مقام است که ادامه دارد

تجرب

یادی از سیدمحمدفرزان

خدمت به فرهنگ



فرزان در طّی ده سالی که عهده‌دار مقام اخیر بود، این منطقه را از نظر فرهنگی در شمار پیشرفته‌ترین شهرهای ایران واردود (جلالی‌نابینی، همان‌جا؛ یغمایی، حبیب، همان‌جا؛ قُتّادان، همان‌جا)، در ۱۳۳۰ش، وقتی که فرزان در پاسخ به بخشنامهٔ وزارت فرهنگ که نظر تمامی فرهنگیان را دربارهٔ محتوای کتابهای درسی خواسته بود، ملاحظات عالمانه‌ای به قلم آورد، نظریّات او در کمسیون وزارت فرهنگ موردتوجه سیدحسن تقی‌زاده واقع شد، به پیشنهاد تقی‌زاده او را برای بازنگری در کتابهای درسی به تهران فراخواندند (جلالی‌نابینی، همان‌جا؛ همان‌جا؛ مینوی، ج ۲، ص ۴۶۶).

فرزان در تهران در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ش، علاوه بر سمت کارشناسی بررسی ادارهٔ کل نگارش در وزارت فرهنگ و عضویت در کمیسیون تدوین نهایی کتب درسی بر مبنای اصول صحیح تعلیم و تربیت (با شرکت سیدمحمّد طباطبایی و مجتبی مینوی)، یکچند عهده‌دار تدریس در دانشکدهٔ الهیات و ادبیات دانشگاه تهران نیز بود (مینوی، همان‌جا؛ افشار، همان، ص ۸۱۳؛ یغمایی، اقبال، ص ۵۶۴، ۵۶۵؛ یغمایی، حبیب، ص ۱۳۹۰؛ جلّالی‌نابینی، همان، ص ۱۲۷؛ قُتّادان، ص ۱۰۹؛ محیط طباطبایی، ص ۱۴۴، ۱۴۴). در سال ۱۳۳۷ش از وزارت فرهنگ بازنشسته شد و در ۱۴ آذر ۱۳۳۹، به پیشنهاددکتر معین، رئیس وقت لغت‌نامهٔ دهخدا، به عضویت سازمان دایرالمعارف ایران و شیعه، از مؤسّسات وابسته به دانشکدهٔ ادبیّات دانشگاه تهران، درآمد (قُتّادان، ص ۱۰). در ۱۳۴۴ش به بابلسر مهاجرت کرد و تا ۱۳۴۷ش در این شهر ماند و در سال ۱۳۴۷ش از وزارت فرهنگستان ایران انتخاب شد. او سرانجام در ۲۳ فروردین ۱۳۴۹ در تهران درگذشت و در آرامگاه ابوالفتح رازی، در شهرری، به خاک سپرده شد (اسلامی ندوشن، ص ۳۹۴، جلّالی‌نابینی، «جناب علامه سیدمحمد فرزان»، ص ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۹۳؛ یغمایی، حبیب، همان‌جا؛ سمیعی گیلانی، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ قُتّادان، همان‌جا).

تصویر شخصیت فرزان در آثار و اظهارنظرهای معاصران و شاگردان او با عباراتی احترام‌انگیز توصیف شده است. مناعت طبع و آزادگی، دینداری و خلوص نیت، شیفتهٔ معلّی و آموختن به دیگران، سخنوری و فروتنی و دوری از نظاره و تملّق جملگی از صفاتی است که برای او برشمرده‌اند (تک: اسلامی ندوشن، ص ۳۹۴، ۳۹۶؛ یغمایی، اقبال، همان‌جا؛ یغمایی، حبیب، ص ۱۳۸۹-۱۳۹۰؛ جلّالی‌نابینی، «علامه سیدمحمد فرزان، استاد بزرگ ادب»، ص ۳۴؛ مینوی، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۷). بیش از هر چیز شیفتهٔ علوم قرآنی و تفاسیر آن بود و در کنار مطالعهٔ تفاسیر، به اخبار و احادیث و فقه اسلامی و تواریخ و سیر و ملل و نحل علاقه داشت. همهٔ دانشمندان معاصر او به وسعت دانش و تسلّط او بر زبان و ادب فارسی و زبان اقار و اعتراف کرده‌اند و روحش شاد باد

مقاله



به قلم دکتر محمدعلی موحد/۲

شمس تبریز

دلزدگی از علوم رسمی و کشش به سوی معنویات تجربه‌ای بود، همراه و هماهنگ با آن عوالم نوجوانی که در بالا به آن اشارت رفت. تبریز در آن روزگار به شهر «هفتاد بابا» معروف بود (شمس الدین محمد تبریزی، شهر هفتاد بابا، ص ۳۹۷). باباهای مشایخ بزرگ عصر در طریقت و عرفان بودند. شمس از رونق تصوّف در شهر خود یاد می‌کند: «آنجا کسانی بوده‌اند که من کم‌ترین ایشانم، که بحر مرا برون انداخته است، همچنانکه خاشاک از دریا به گوشه‌ای افتد» (شمس‌الدین محمد تبریزی،

مقالات شمس تبریزی ص ۶۴). اما کلام یک از آن مشایخ بود که او را از علوم رسمی روگردان ساخت و به وادی سلوک رهنمون شد معلوم نمی‌دارد. جایی از نخستین تجربهٔ خود در سما یاد می‌آورد: «آن یار گرم کار مرا بگرفت، چون مرغی می‌گردانید. مرا می‌گردانید، دو چشم همچون دو طاس پرخون، آواز آمد که هنوز خام است، به گوشه‌های رها کن تا بر خود می‌سوزد» (همان، ص ۶۷۷).

آن یار گرم حال کی بود؟ و از آن پس چه شد؟ چیزی نمی‌گوید، ولی سن و سال خود را مشخص می‌کند که در آن زمان «هنوز مرافق» یعنی نزدیک به سن بلوغ بود. جامی و دیگران از رکن الدین سجاسی و بابا کمال خجندی به‌عنوان مشایخ شمس نام برده‌اند، اما هیچ ذکری از آن دو در مقالات نمی‌یابیم. سجاسی – شیخ اوحد الدین کرمانی است و شمس از او ارتباط خود با اوحد سخن می‌گوید (همان، ص ۲۹۴). از تاج الدین اردبیلی نیز آورده‌اند که او تلقین ذکر از شیخ زاهد گیلانی داشته و شیخ زاهد به واسطهٔ



کشتیها به علت نداشتن سکان ثابت، بیشتر دارای ظرفیت کم و ناچیزی هستند. اما اژه و مدیترانه برای کشتیرانی در امتداد ساحل و از بندری به بندر دیگر بسیار مناسباند. گاهی اوقات پاروهای سه ردیفه پاروزنان یونانی فقدان باد را جبران می‌کنند. و یونانیان با استعداد و قریحه‌ای که دارند نام یونان را در آن سوی دریاها عالم گیر می‌سازند.

ضعف یونان

یونانیان که خداوند استعداد فراوانی به آنان عطا کرده است، نقائص بزرگی نیز دارند - نه تنها مردمانی دزدند بلکه دروغگو، لافزن و بی‌اندازه پرحرف نیز هستند. گویی سیاستمدار متولد شده‌اند. هر دکانی به دکان دیگر، هر دهی به دهی دیگر و هر تجارتخانه‌ای به تجارتخانه دیگر به شدت حسادت می‌ورزد. به جای اینکه باهم کنار بیایند، همدیگر را می‌کشند. حتی در برابر خطر بیگانه در سبکت کردن هیجانات خود و متحد شدن باهم ناتوانند. نفع مخصوص خود را همیشه بر نفع عمومی ترجیح می‌دهند. یونان به علت اینکه نتوانست به اتحاد دست یابد، محکوم به نابودی شد.

یونان یک اصطلاح جغرافیایی است. تاریخ کهن جز گروه‌های دچار تفرقه و رقیب در این سرزمین چیزی نشان نمی‌دهد. روم توانست یک دولت مرکزی و واحد ایجاد کند، اما یونان جز دولت شهرهای دشمن یکدیگر چیزی بوجود نیاورد.

در درون هر شهر نیز فردگرایی مسلط است. به همین فردگرایی است که تازه‌ترین نوآوریها و بارورترین دلیرها را مدیونیم. اما در اثر همین فردگرایی است که دولت شهرها در اثر مبارزات درونی و بازی فرقه‌ها دچار نابودی و تجزیه می‌شوند.

به یقین هر شهر یونانی در ابتدا رژیم پادشاهی داشته همانطور که هر خانواده‌ای رژیم پدرسالاری را می‌شناخته است. از این پادشاهی مطلقه جز تصاویر مبهم چیزی باقی نمانده است. تزه پادشاه آتن، بلروفون پادشاه کورنت، دانائوس پادشاه آگوس، پرسه پادشاه میسن، منلاس پادشاه اسپارت، اودیپ پادشاه تب بیشتر نزدیک به خدایان تا انسان. همه این پادشاهان به دنبال ورود قبایل دوری مضمحل می‌شوند و یونان رژیم اولیه خود را یک نظام بربر تلقی می‌کند و حال آنکه برعکس، ورود بربرهاست که انهدام رژیمهای مزبور را تسریع می‌کند.

در واقع همزمان با ورود دوربها رؤسای هر گروه سلطنت را به نفع خودش مصادره کرد: شهرهای یونان از رژیم پادشاهی به رژیم اشرافی گذر کردند و مالکیت اراضی و قدرت سیاسی فقط به نجبا تعلق گرفت.

به محض اینکه تجارت رونق می‌یابد، مرحله جدیدی آغاز می‌شود. در این حال بورژوازی تاجریشه دست اشراف را کوتاه می‌کند و امتیازات ناشی از ولادت جای خود را به امتیازات ناشی از ثروت می‌دهد. این همان رژیم ارباب و رعیتی است. ثروتمندان قوانین خود را تحمیل می‌کنند.

اما مردم می‌غردند و دست به شورش می‌زدند. کشمکشهای اجتماعی آغاز می‌شود. اما چه کسی قادر به حل آنهاست؟ گاهی مردی از صف نجبا، بازرگانان یا زحمتکشان بیرون می‌آید و وجودش را تحمیل می‌کند. اگر این شخص بتواند بحران قدرت را حل کند همه مقدمش را گرامی می‌دارند. او را فرمانروای مستبد یا جبار می‌نامند که معنی آن به سادگی همان ارباب است. تعداد جباران نیکوکار کم نیست: پولیکرات در ساموس، پیزیسترات و

پریکلس در آتن، ژلون و دنیس در سیراکوز... اما دولت شهرهای یونان گرفتار جباران دسیسه‌کار و نالایقی هم می‌شوند. جبارانی که از میان توده مردم برخاسته‌اند، اما همین که فقط نسبت به طبقه نجبا خشونت نشان نداده و مردم عادی را نیز هدف قرار می‌دهند، منغور می‌شوند. وانگهی بی‌بند و باری یونانیان بارژیمهای دیکتاتوری فوق‌نمی‌دهد. بدین جهت توده مردم دست به یکی می‌کنند و فرمانروای ستمگر و جبار را سرنگون می‌سازند.

روایت رنه سدیپو از

عصر یونانی

این بار دموکراسی پیروز می‌شود. حکومت مردم بر مردم تنها راه و اوج تحول سیاسی بنظر می‌رسد. «دموس» یعنی توده مردم پادشاه است و از این کار به خود می‌بالد. نصیحت کهن اولیس را فراموش می‌کند که «حکومت عده زیاد خوب نیست». از آزادی، نطق و بیان و پرگویی سرمست



می‌شود. این دوره عظمت دلبستگی یونان به مرام و عقایدش می‌باشد که شاهکارهایی می‌آفریند و فاجعه‌هایی بوجود می‌آورد.

با این همه دموکراسی یونان به طرز شگفت‌انگیزی متعلق به یک طبقه خاص است. از ۴۵۰/۰۰۰ نفر سکنه آتن در حدود ۲۵۰/۰۰۰ نفر برده، بیش از ۸۰/۰۰۰ نفر بیگانه و تنها ۱۲۰/۰۰۰ نفر شهروند محسوب می‌شوند. اگر از این رقم زنان و کودکان را کسر کنیم سی چهل هزار نفر باقی می‌ماند که در امور عمومی شرکت می‌کنند؛ دموکراسی طبقه ممتاز که یک نفر از پانزده نفر حق استفاده از حقوق سیاسی را دارد. دموکراسی که درهای آن بر روی هر کسی که شهروند به دنیا نیامده باشد بسته است. دموکراسی نوظهوری که چون به نیروی انسانی برای حمل بار، کشیدن ارابه و پارو زنی در کشتیها نیاز دارد، حتی بحث درباره بردگی را جایز نمی‌داند.

اما همین وضع باعث می‌شود که در سرایش سقوط بیفتد. دموکراسی یونان گرایش به بی‌استعدادی، سهل‌انگاری، وسوسه و لخرجی می‌یابد و سرانجام مبدل به عوامفریبی می‌شود. بهترین خادمان شهر را از ترس اینکه مبادا به رهبر مبدل شوند محکوم می‌کند، طبقه ممتاز را نابود می‌سازد، و بدین سان خودش را خلع سلاح می‌کند. آتن با دست زدن به اینگونه اعمال در برابر اسپارت سر فرود می‌آورد و سرانجام در برابر بربرها از پا درمی‌آید.

اسپارت بازندگی سربازخانه‌ای

اسپارت در میان شهرهای یونان یک استثنا

بشمار می‌رود، چون از قوانین عادی و تحولات آن برکنار است. به دنبال هجوم قبایل دوری، پس از آنکه پادشاهی به حکومت اشرافی گذر می‌کند در همین مرحله باقی می‌ماند و لجوجانه از پذیرفتن استبداد و دموکراسی سر باز می‌زند. بی‌تحریکی سیاسی آن جوابگوی ثبات اقتصادی است؛ اسپارت از تجارت و استعمار متنفر است، همچنین از افتخارات پوچ ادبیات و هنر. به حال خودش و با سیاست خودکفایی و حمایت صنعتی زیست



می‌کند و هنری جز جنگ نمی‌شناسد.

در اسپارت همه چیز تابع نیازهای نظامی است. نوجوانان به دولت تعلق دارند و جوانان اسلحه به دست زندگی می‌کنند و جان می‌سپارند. رژیم عادی شهر بسیج دائمی است. ارتش، یعنی کلیه افراد سالم باید همیشه آماده عزیمت به جنگ باشند. هیچ چیز نباید توجه اسپارتهای را از رسالت جنگی شان منحرف سازد. آنها نه نیاز به شاعر دارند و نه به معبد.

فلاسفه را خوار می‌شمارند مگر آنکه مدح جنگ و زور آزمایی را بنمایند. از معماران نفرت دارند مگر آنکه به بنای برج و باور بپردازند. از پذیرفتن سکه‌های طلا و نقره خودداری می‌کنند و فقط میله‌های آهن را به عنوان وسیله مبادله بکار می‌برند.

در سربازخانه اسپارتی که زندگی دسته جمعی برقرار است، ارتباطهای خانوادگی چندان حساب نمی‌آید. هر شوروی یک سرباز است و زن چیزی جز همسر یک سرباز نیست. کودک، سرباز آینده است. جامعه از چهار طبقه تشکیل شده و سلسله مراتب به شدت رعایت می‌شود: نجبا که ادامه دهنده دوربها هستند و از هرگونه حقوق سیاسی برخوردارند تعدادشان چند هزار نفر بیشتر نیست که زمینهای شهر را به سهمیه‌های مساوی و غیر قابل انتقال بین خودشان تقسیم کرده‌اند و پسران ارشدشان به ارث می‌برند. با این وصف این شهروندان با حقوق کامل، حق ندارند فلزات قیمتی در تملک داشته باشند تا مبادا در برابر وسوسه تجمل تسلیم شوند. آنان فقط باید جنگجو باشند.

مرزنشینان افرادی آزادند اما فاقد حقوق سیاسی می‌توانند صنعتگر یا بازرگان بشوند، می‌توانند زمین‌هایی را در خارج از شهر تملک کنند. اما در ازای آن باید بطور منظم مالیات بپردازند و خدمت نظام بکنند.

هیلوتها بردگان دولتی هستند که به زمینی که در آن کشت و زرع می‌کنند وابسته‌اند. می‌توان بدون ترس از مجازات آنها را کشت. اسپارتهای جوان در لشکرکشیهای شبانه گاهی به آنان دست‌اندازی می‌کنند. اما اگر قانون مجازات اینگونه اعمال را نادیده می‌گیرد، در عوض ارتش هیلوتها را استخدام می‌کند. در میدان جنگ هیلوتها پیاده‌نظام سبک اسلحه و سربازان گمنام را تشکیل می‌دهند. زبردست هیلوتها بزرگان دیگری قرار دارند که متعلق به اشخاص‌اند.

آنان در زمان صلح و جنگ آلت دست و ابزار کار اربابانشان بشمار می‌روند. بدین‌سان سراسر شهر نظامی است: کسانیکه رهبری می‌کنند، کسانیکه پول می‌پردازند، کسانی که کار می‌کنند. هر کس در هر مرتبه و مقامی برای عظمت اسپارت می‌جنگد و می‌میرد.

آلیاکورگ که پدر این رژیم خوانده می‌شود، هرگز وجود داشته است؟ آیا باید تشکیلات سیاسی شگفت‌انگیز اسپارت را به این شخصیت افسانه‌ای نسبت داد، تشکیلاتی که دو پادشاه موروثی داشته که در عین حال کاهن و قاضی و فرمانده ارتش بوده‌اند و زبردستشان تعدادی قاضی بدگمان و یک مجلس سنای مرکب از سالخورده‌گان و یک مجلس قانونگزاری متشکل از کلیه شهروندان خدمت می‌کرده‌اند؟ حکومت نجبگان در اسپارت پوششی برای حکومت سالمندان و سلطنت دوگانه بوده است.

به رغم احتیاطهایی که اسپارت برای قوی بودن می‌کند، آسیب‌ناپذیر نیست. اسپارت سرفنای خود را در سینه‌اش می‌پروراند. گرچه تملک طلا و نقره را برای شهروندانش ممنوع ساخته اما آنان قانون را زیر پا می‌گذارند و ثروتهایشان را به خارج منتقل می‌سازند. گرچه انتقال زمین‌های شهری را ممنوع ساخته، اما نمی‌تواند مانع از مقروض شدن نجبا بشود که ناچار زمین‌هایشان را گرو می‌گذارند و سرانجام املاک آنان در اختیار یک اقلیت ثروتمند قرار می‌گیرد. گرچه حقوق مرزنشینان را محدود کرده اما همیشه نمی‌تواند جلو نفوذ روز افزون آنان را بگیرد. وحشت دائمی اسپارت از این است که روزی هیلوتها بر ضد سرکوب گران قیام کنند.

آتن یا کانون نبوغ

اسپارت و آتن نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند و همه خصوصیات یونانی در این تناقض دیده می‌شود. از شهری به شهر دیگر که فقط ۱۵۰ کیلومتر باهم فاصله دارند، همه چیز متفاوت است: سیاست، آداب و رسوم و آرمانها، اسپارت برای جنگ زندگی می‌کند، آتن برای تجارت، اسپارت موجب خوشبختی مورخان آلمانی می‌شود و آتن باعث افتخار مورخان انگلیسی.

آتن: لیبرال و دموکرات که بشریت عالیترین و ضامن خطرناکترین درسها را از آن می‌آموزد فقط یک روی این شهر است: آتن پیش از آنکه در رژیم دموکراسی به شکوفایی برسد به نوبت تجربه رژیمهای پادشاهی، اشرافی و استبدادی را کرده است. شهر در زیر پای آکروپول و تحت حمایت آتنا الاله اندیشه و هنر و علم و صنعت متولد شده است.

آتن که در ابتدا شهر کمری بیش نبوده، در نتیجه زحمات هنرمندان، کوزه‌گران، آهنگران، صیادان و کشاورزان ناحیه آتیک توسعه یافته است. پادشاهان آتن به دست نجبائی خلع شده‌اند که مجلسشان روی تپه آرس یک محکمه عالی را تشکیل می‌داده است. اما در همان حال جریانهای دموکراتیک مقاومت ناپذیر شده بودند، قانون مجازاتی که در اکون وضع می‌کند بیشتر از نظر رعایت عدل و انصاف جالب است تا شدت عمل: اگر عدالت بی‌رحم است، اما برای همه یکسان است.



گفتار

امیرعلی قبادی

اشاره: گفت و شنود با استاد دکتر اسلامی ندوشن در تابستان ۱۳۸۱ به درخواست کتاب ماه «ادبیات و فلسفه» صورت گرفت و آقایان دکتر اصغر دادبه، دکتر محمد دهقانی، کامیار عابدی و علی اصغر محمد خانی در آن شرکت داشتند.

*در کدام دانشکده استخدام شدید؟

از موقعی که از دادگستری منتظر خدمت شدم که این خوشبختانه یک مجازات بود در حق من، ولی تبدیل به «فوز» گردید. گفتم مجازات، زیرا مقاله‌هایی در مجله یغما انتشار داده بودم که برای حکومت ناگوار بود. چون کار دیگری نمی‌شد کرد، مرا منتظر خدمت کردند. منتظر خدمت در آن زمان قانونی بود که «عنصر نامطلوب» را از اداره بیرون می‌کردند، ولی بهترین پیش آمد در زندگی من شد. همان زمان در چند موسسه و دانشکده خصوصی درس می‌دادم و وقت بیشتری هم برایم می‌ماند، و به دلخواه خود زندگی می‌کردم. بعد وارد دانشگاه شدم. وقتی آمدم به دانشگاه تهران این درس‌های متفرقه را رها کردم. در دانشگاه تهران به دانشکده ادبیات وارد شدم، ولی در دانشکده حقوق درس «تاریخ تمدن و فرهنگ ایران» را می‌دادم. در دانشکده اقتصاد هم همین درس را داشتم. در دانشکده پزشکی هم در حدود شش ماه نگارش فارسی درس می‌دادم که برای دانشجویان همه دانشکده‌ها و از جمله پزشکی این درس را گذاشته بودند. البته بهترین کاری که می‌توانستم در قبال نوشتن خود انجام بدهم، درس دادن بود. وقتی در سال ۴۸ وارد دانشگاه تهران شدم دیگر از سرگردانی شغلی بیرون آمدم، برای آنکه قبلاً حق التدریسی بودم و اگر یک روز نمی‌رفتم از حق التدریس خبری نبود. با این حال، به همین وضع بی‌ثبات راضی بودم، و تنها زمانی که مرا مجبور کردند به دادگستری برگردم، به فکر افتادم که به جای دیگری پناه ببرم. جوان بودم و گاهی تا ۲۶ ساعت در هفته درس می‌دادم. رفت و آمد در تهران هم در آن زمان مشکل نبود و به آسانی از این دانشکده به آن دانشکده می‌رفتم. همه این‌ها با دل خوش. همیشه کلاس برای من محیط خوشایند بود. عقیده‌ام این بوده که سعادت انسان در این است که گرایش‌های درونی‌اش با شغلش همخوانی داشته باشد، یعنی آدم صبح که بلند می‌شود، با دلخوشی بلند شود که الان اگر بر سر این کار می‌روم سر خوش می‌روم. بدترین چیز این است که با اکراه و به ضرورت معاش بر سر کاری بروید که آن را دوست ندارید. زندگی من خوشبختانه همیشه با کارم همخوانی داشته، جز آن چند سالی که در دادگستری بودم. آن هم البته رنج‌آور نبود، ولی با روحیه من سازگاری نداشت.

* این انتظار خدمت مانعی برای استخدام شما در دانشگاه نبود؟

نه چندان. داستان مفصل است. دادگستری برای من ابلاغی فرستاد که مستشار استیناف مازندران بشوم و به ساری بروم. این مجازات دوم بود. البته من قبول نمی‌کردم. پرونده مرا فرستادند به دادگاه انتظامی قضات که کیفرش انفصال از خدمت بود. در این حین، اتفاق افتاد که با پرفسور رضا، رئیس دانشگاه تهران، آشنا شدم. وی نوشته‌های مرا خوانده بود و مرا می‌شناخت. چند تا از کتاب‌هایم را برایش بردم و به دفترش رفتم. «گل ما هم با هم گرفت». از دادگستری تقاضا کرد که به عنوان مشاور فرهنگی و حقوقی به دانشگاه تهران انتقال یابم. دادگستری پذیرفت و بر اثر

پَر مَرز دو فرهنگ



آقای امیرعلی قبادی

و سفرنامه‌هایی در حوزه‌های مختلف از جمله چین، شوروی و اروپا نوشته‌اید. اتفاقاً این یکی از انواع پرخواننده ادبی است. چه‌طور شد که شما به این نوع ادبی علاقه‌مند شدید، چه دستاوردهایی در این زمینه داشته‌اید؟

مسئله سفرنامه‌نویسی بر می‌گردد به کنجکاوی انسان نسبت به مسائل بشری. ارضاء کنجکاوی نیاز به تنوع، به دیدن مناظر مختلف دارد که در سفر به دست می‌آید. ذهن می‌تواند از طریق سفر تغذیه شود. من همیشه این علاقه را داشتم. مثلاً وقتی اولین بار خواستم از اروپا به ایران برگردم، از راه زمین برگشتم، خوب کار طولانی و مشکلی بود که بیش از بیست روز طول کشید. با قطار از پاریس تا تهران آمدم

و در هر جا چند روزی توقف کردم، در کشورهایی مانند سوئیس، ایتالیا، یوگسلاوی، ترکیه و ... از همان زمان، این علاقه‌مندی برای دیدن دنیا در من بود. البته این سفرهای زنجیره‌ای که من داشتم - مجموعاً به چهل کشور بوده است - به این علت نیز بوده که واقعا از کشور خود دلتنگ بودم. اوضاع و احوال به گونه‌ای بود که آدم را ملول می‌کرد. فضای کشور بسته بود. می‌خواستم با سفر خود را مشغول کنم. اولین آن دقیقاً زمانی شد که منتظر خدمت دادگستری بودم و دانشگاه هاروارد، برای «اسمینار بین‌المللی» خود مرا دعوت کرد و رفتم. اولین سفر نیز بود که یادداشت‌هایش را نوشتم (آزادی مجسمه) در سال ۴۶ اتفاق افتاد. سفری بود که دو ماه و نیم طول کشید. در حدود ۴۰ روز در آمریکا بودم و از خاور دور با هواپیما برگشتم که در واقع یک سفر دور دنیا شد به ژاپن، تایوان، سیام، هندوستان و کشمیر. این اولین سفر از این ردیف بود. در همان دوران انتظار خدمت، یک سفر به انگلیس رفتم. به دعوت بریتیش کونسیل. بعد که به دانشگاه آمدم، در کادر دانشگاهی، امکان سفر بیشتر شد که سالی حداقل یک یا دو بار، به کشورهای مختلف پیش می‌آمد. به غیر از آفریقای سیاه و آمریکای جنوبی، بقیه کشورهای جهان را رفتم. خوب، از این سفرها یادداشت‌های روزانه بر می‌داشتم. سفرها خیلی فشرده می‌شد و از صبح تا شب برنامه بود. دیدنی‌های مختلفی که هست. غالب سفرها به دعوت کشورها بود. تحمیل دولت ایران نبود، که نمی‌خواستم اینطوری باشم. جز یکی دو مورد که اجباراً جزو قانون بود که هزینه رفت و برگشت را دانشگاه تهران بپردازد. بقیه همه از جانب کشور دعوت کننده پرداخت می‌شد و یا برخی از آن‌ها به خرج خود من بود. مجموعاً در حدود ۲۵ کشور را به دعوت رسمی رفتم و بقیه کشورها در خلال آن‌ها صورت گرفت که مجموعاً ۴۰ کشور شد. یادداشت‌های همه آن‌ها هست که هنوز تنظیم نشده، جز اندکی. در صغیر سیمیرغ، در چاپ جدیدی که در دست است، پنج سرزمین اضافه شده که یونان، هندوستان، ژاپن و سریلانکا است. بقیه در انتظارند.

* سالی که همیشه برای من مطرح بوده، این است که سفرنامه‌هایی را که می‌نویسید، آیا در طول سفر یادداشت‌هایی می‌نویسید و بعداً آن‌ها را تنظیم می‌کنید یا بعد از اتمام سفر و بازگشت شروع به نوشتن می‌کنید؟

اصولاً روش به این صورت بود: صبح که برای برنامه روزانه می‌رفتم، همیشه یادداشت و قلم در جیبم بود و فی‌المجلس تندنویسی می‌کردم. شب که به خانه می‌آمدم، این قلم اندازه‌ها تنظیم می‌شد، باز هم با سرعت و دست و پا شکسته، مجموع این یک دفترچه می‌شد. بعد که بر می‌گشتم سر فرصت بعضی از آن‌ها را بر کاغذ می‌آوردم و به صورت نهایی در می‌آمد.

ادامه دارد



«گ»

گدا

گداست

* گاو مشیرالدوله مشیرالدوله گاوهاست.
* گاو ممکن است سیاه باشد ولی شیرش سفید است.
* گاو نخریده آخور می‌بندد!
* گاو نر هزار جریب به تخمش!
* گاو و خر را به یک چوب نباید راند.
* گاو هنوز به چرم اندر است.
* گاوی است نیک شیر و لیکن لگد زن است.
* گاوی که به کهنه خوری عادت کرد چاره ندارد.
* گاوی که در پناه با گاو دیگر جفت شود آشکارا خواهدزایید.
* گاوی که سر لیسه نباشد نمک نخورد.
* گاوی که سزای کاه باشد / گر کنجد دهیش گناه باشد
* گاه از دروازه تو نمی‌آید، گاه از سوراخ سوزن

یکسان است.
* گدا را که رو بدهی ادعای قوم و خویشی می‌کند.
* گدا را گفتند خوش آمد، توبره‌اش را کشید پیش آمد!
* گدا رویش سیاه اما توبره‌اش پُر است!
* گدا شب جمعه را گم نمی‌کند.
* گدا گدا را نمی‌تواند ببیند حمامی حمامی را.
* گدا گر تواضع کند خوی اوست.
* گدا گم می‌کند خود را چو دولت می‌کند پیدا.
* گدای جهودهاست نه دنیا دارد نه آخرت.
* گدای موسوی است، هم باید پولش داد هم باید دستش را بوسید.
* گدای نیک انجام بده که پادشاه بد فرجام.
* گدایی اگر ننگ نبود گنج بود.
* گدایی اگر ننگی ندارد برکتی هم ندارد.

